



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شهر
۱۶
سن



سبک زندگی فاطمی

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ایام فاطمیّه

۱۴۳۷ هـ.ق

تهیه شده در اداره التواحد والامین محتوای معاونت فرهنگی - اجتماعی

بهمن ماه ۱۴۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۱۲: سبک زندگی فاطمی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه علیها السلام)

نویسنده:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	شهادت سخن ۱۲: سبک زندگی فاطمی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه علیها السلام)
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	فهرست
۲۲	مقدمه
۲۶	فصل اول: صبر فاطمه علیها السلام و فاطمیون
۲۶	اشاره
۲۸	ایجاد انگیزه
۲۹	اقتناع اندیشه و تحریک احساس
۲۹	اهمیت صبر و پایداری در زندگی:
۳۱	انواع صبر
۳۱	۱. صبر بر مصیبت
۳۴	۲. صبر بر معصیت
۳۶	۳. صبر بر طاعت
۳۷	گریز و روضه
۴۰	پاورقی
۴۳	فصل دوم: بایسته های همسردهی فاطمه (علیها السلام) و فاطمیون
۴۳	اشاره
۴۵	ایجاد انگیزه
۴۶	اقتناع اندیشه و تحریک احساس
۴۶	اشاره
۴۶	۱. احترام به همسر
۴۹	۲. انجام کارهای منزل

۵۰	۳. آراستن خویش برای همسر نه برای دیگران
۵۲	۴. گذشت از لغزش های همسر - - - - -
۵۳	۵. اطاعت از همسر - - - - -
۵۴	۶. ابراز محبت - - - - -
۵۵	گریز و روضه - - - - -
۵۸	پاورقی - - - - -
۶۰	فصل سوم: شیوه های فرزند پروری فاطمه علیها السلام و فاطمیهون - - - - -
۶۰	اشاره - - - - -
۶۲	ایجاد انگیزه - - - - -
۶۴	اقتناع اندیشه و تحریک احساس - - - - -
۶۴	اشاره - - - - -
۶۴	۱. شیوه اظهار محبت - - - - -
۶۴	اشاره - - - - -
۶۶	راه های تقویت عواطف در خانواده - - - - -
۶۶	الف) گفت و گوهای محبت آمیز - - - - -
۶۶	ب) صدا کردن با بهترین نام - - - - -
۶۷	ج) سلام کردن به همدیگر - - - - -
۶۷	د) تقویت محبت علی علیه السلام - - - - -
۶۷	۲. شیوه تکریم شخصیت و احترام - - - - -
۶۸	۳. شیوه به کارگیری تنبیه - - - - -
۷۰	۴. شیوه به کارگیری تشویق - - - - -
۷۲	گریز و روضه - - - - -
۷۶	پاورقی - - - - -
۷۹	فصل چهارم: محوریت قرآن در زندگی فاطمه علیها السلام و فاطمیهون - - - - -
۷۹	اشاره - - - - -
۸۱	ایجاد انگیزه - - - - -

۸۲	مهوریت قرآن در زندگی ما:
۸۴	نقش قرآن در زندگی ما
۸۴	اشاره
۸۴	۱. قرآن کانال ارتباطی عبد با معبود
۸۶	۲. قرآن دریچه ای رو به سوی معرفت
۸۸	۳. قرآن کتاب واقع نما
۸۹	۴. قرآن کتاب موعظه و اندرز
۹۱	گریز و روضه
۹۵	پاورقی
۹۸	فصل پنجم: احترام به سادات در زندگی فاطمه علیها السلام و فاطمیون
۹۸	اشاره
۱۰۰	ایجاد انگیزه
۱۰۲	فلسفه احترام به سادات
۱۰۸	آثار و برکات احترام به سادات
۱۱۰	گریز و روضه
۱۱۳	پاورقی
۱۱۵	فصل ششم: سیره عبادی فاطمه علیها السلام و فاطمیون
۱۱۵	اشاره
۱۱۷	ایجاد انگیزه
۱۲۰	پرستش خدا در زندگی حضرت زهرا علیها السلام :
۱۲۲	راهکارهای تقویت بندگی خدای یکتا
۱۲۲	الف) خشکاندن ریشه گناه از زندگی
۱۲۴	ب) تقید به انجام فرایض ترک محرمات و توجه ویژه به نوافل
۱۲۵	ابعاد ظهور و بروز بندگی خدا در زندگی حضرت زهرا علیها السلام
۱۲۵	الف: انتخاب نام
۱۲۶	ب: مواقبت دعا

- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۶ ۱. شب جمعه
- ۱۲۶ ۲. شب های قدر حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۲۷ ۳. شب ازدواج
- ۱۲۸ ج: آموزش عبادت در کودکی
- ۱۲۸ د: محراب ویژه حضرت فاطمه علیها السلام
- ۱۲۸ ه: دعا و اذکار مخصوص
- ۱۲۹ و: انس با قرآن
- ۱۲۹ گریز و روضه
- ۱۲۹ ز: لباس و عطر مخصوص نماز
- ۱۳۲ پاورقی
- ۱۳۴ بخش هفتم: عفاف فاطمه علیها السلام و فاطمیون
- ۱۳۴ اشاره
- ۱۳۶ ایجاد انگیزه
- ۱۳۷ اقناع اندیشه و تحریک احساس
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۸ ۱. عفت در اندیشه و بنیان های فکری
- ۱۳۸ ۲. عفت در گفتار
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۹ کلام فاطمی:
- ۱۳۹ ۳. عفت در رفتار
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۴۰ ورطه سقوط
- ۱۴۲ حجاب حتی از نابینا
- ۱۴۲ ۴. عفت اجتماعی
- ۱۴۲ الف) معماری عقیف

- ب) محیط های آموزشی ۱۴۳
- ج) محیط کار ۱۴۳
- د) محیط های مجازی و شبکه های اجتماعی ۱۴۴
- ثمره و میوه عفت ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
۱. آرامش روحی ۱۴۴
۲. سلامت اخلاقی و جسمی ۱۴۵
۳. سلامت نسل ۱۴۵
۴. پایداری جمال ۱۴۵
۵. پایداری خانواده ۱۴۶
۶. امنیت اجتماعی ۱۴۶
- گریز و روضه ۱۴۶
- پاورقی ۱۴۹
- فصل هشتم: فعالیت های اجتماعی فاطمه علیها السلام و فاطمیون ۱۵۳
- اشاره ۱۵۳
- ایجاد انگیزه ۱۵۵
- اقتناع اندیشه و تحریک احساس ۱۵۷
- اصل دوم: ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
- اسلام حضور اجتماعی زنان را به سه دسته تقسیم می کند: ۱۶۰
۱. ممنوع ۱۶۰
۲. واجب ۱۶۰
۳. مباح ۱۶۱
- پیامدهای حضور بی حد و مرز زنان در جامعه ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
۱. ضعف تربیت نسل جامعه ۱۶۲

- ۱۶۲ ----- ۲. سلب آرامش
- ۱۶۳ ----- ۳. بلا رفتن سن ازدواج
- ۱۶۳ ----- ۴. پیری زودرس
- ۱۶۴ ----- بخشی از فعالیت های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۶۴ ----- الف. بیان معارف الهی
- ۱۶۴ ----- ب) بیان احکام شرعی بانوان:
- ۱۶۵ ----- ج) مسائل سیاسی
- ۱۶۵ ----- گریز و روضه
- ۱۶۸ ----- پاورقی
- ۱۷۰ ----- فصل نهم: بصیرت آفرینی فاطمه علیها السلام و فاطمیون
- ۱۷۰ ----- اشاره
- ۱۷۲ ----- ایجاد انگیزه
- ۱۷۲ ----- اقتناع اندیشه و تحریک احساس
- ۱۷۵ ----- تصویر جامعه اسلامی پس از پیامبر اسلام در کلام حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۷۵ ----- اشاره
- ۱۷۵ ----- الف) سستی در باورها
- ۱۷۶ ----- ب) پیروی از هوا و هوس
- ۱۷۶ ----- ج) پرداختن به امور واهی
- ۱۷۶ ----- د) انحراف در فکر و تمایلات
- ۱۷۷ ----- الف. تذکرات روشنگرانه
- ۱۷۷ ----- اشاره
- ۱۷۸ ----- ۱. بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۷۹ ----- ۲. بیان فضایل قرآن و عترت
- ۱۷۹ ----- ۳. یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...
- ۱۸۰ ----- ۴. ترسیم سیمای عصر جاهلیت
- ۱۸۰ ----- گریز و روضه

۱۸۰	۵. ترسیم چهره شیعیان
۱۸۵	پاورقی
۱۸۷	فصل دهم: سیره سیاسی فاطمه علیها السلام و فاطمیون
۱۸۷	اشاره
۱۸۹	ایجاد انگیزه
۱۹۱	اقتناع اندیشه و تحریک احساس
۱۹۱	الف: تذکرات روشنگرانه
۱۹۱	اشاره
۱۹۱	۱. پاسخ به شبهات و بهانه ها
۱۹۳	۱. تحلیل وقایع و اتفاقات جریان فتنه
۱۹۴	ریشه های جریان فتنه
۱۹۴	۱. عدم اطاعت پذیری از ولایت
۱۹۵	۲. کینه توزی های جنگ بدر و احد
۱۹۵	۳. عدم تدبیر در قرآن
۱۹۶	ب: افشاگری عالمانه
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	۱. افشای ستم سران فتنه
۱۹۸	۱. شکوه های دردآلود و افشاگرانه
۱۹۸	۲. سرزنش مردم
۱۹۹	گریز و روضه
۱۹۹	۴. افشای خیانت پیمان شکنان
۲۰۲	پاورقی
۲۰۴	فصل یازدهم: برخوردهای قاطعانه فاطمه علیها السلام و فاطمیون
۲۰۴	اشاره
۲۰۶	ایجاد انگیزه
۲۰۷	اقتناع اندیشه و تحریک احساس

۲۰۷	برخورد قاطعانه
۲۰۷	اشاره
۲۰۷	۱. دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۰۹	۲. عذر تراشی ممنوع
۲۱۱	۳. اعتصاب در سخن گفتن با پیمان شکنان
۲۱۳	۴. دفاع از امام علیه السلام در مسجد
۲۱۴	گریز و روضه
۲۱۴	۵. وصیتی مظلومانه؛ اما رسواکننده
۲۱۷	پاورقی
۲۱۹	فصل دوازدهم: شفاعت فاطمه علیها السلام از فاطمیون
۲۱۹	اشاره
۲۲۱	ایجاد انگیزه
۲۲۲	اقتناع اندیشه و تحریک احساس
۲۲۶	چگونه جزء شفاعت شدگان شویم؟
۲۲۶	اشاره
۲۲۷	۱. اخلاص در ایمان و توحید
۲۲۷	۲. شیعه بودن
۲۲۸	۳. اعتقاد به شفاعت
۲۲۸	۴. اهل نماز و سجده بودن
۲۲۹	۵. آموختن قرآن و حفظ کردن و خواندن آن
۲۲۹	۶. خیانت کار نباشد
۲۳۰	۷. دوستی فرزندان رسول اکرم و احترام و خدمت به آنان
۲۳۰	۸. دوستی با اهل ایمان و معاشرت با آنان
۲۳۱	گریز و روضه
۲۳۴	پاورقی
۲۳۶	فهرست منابع

شهد سخن ۱۲: سبک زندگی فاطمی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه علیها السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۱۲: سبک زندگی فاطمی (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه علیها السلام) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد بهمن ماه ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص

زبان: فارسی

موضوع: حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها - شفاعت

موضوع: تربیت فرزند

موضوع: قرآن و حضرت زهرا سلام الله علیها

موضوع: عبادت - عفاف - سیره سیاسی

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

شهد سخن ۱۲

سبک زندگی فاطمی

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه علیها السلام)

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ص: ۳

فهرست

۹	فصل اول صبر فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون
۲۵	فصل دوم بایسته‌های همسر داری فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون
۴۱	فصل سوم شیوه‌های فرزند پروری فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون
۵۹	فصل چهارم محوریت قرآن در زندگی فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون
۷۷	فصل پنجم احترام به سادات در زندگی فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون
۹۳	فصل ششم سیره عبادی فاطمه <small>علیها السلام</small> و فاطمیون

فصل هفتم

۱۱۱ عفاف فاطمه علیها السلام و فاطمیون

فصل هشتم

۱۲۷ فعالیت‌های اجتماعی فاطمه علیها السلام و فاطمیون

فصل نهم

۱۴۳ بصیرت آفرینی فاطمه علیها السلام و فاطمیون

فصل دهم

۱۵۹ سیره سیاسی فاطمه علیها السلام و فاطمیون

فصل یازدهم

۱۷۵ برخوردهای قاطعانه فاطمه علیها السلام و فاطمیون

فصل دوازدهم

۱۸۹ شفاعت فاطمه علیها السلام از فاطمیون

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن، اسوه شایسته همه خدا باوران است: لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيراً؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکویی می باشد، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند خدا را بسیار یاد می کنند (احزاب/۲۱).

اقتداء و تاسی کامل به رسول خدا صلی الله علیه و آله توفیقی است که تنها نصیب کسانی خواهد شد که دل در گرو عشق خداوند دارند و او را بسیار یاد می کنند. رسول مکرم صلی الله علیه و آله که خود شایسته ترین اسوه حسنه مؤمنان هستند، به کزات یگانه دخترش را پاره وجود خویش، روح و ریحان خویش و جان و جانان خویش می خواند و با تعبیری گوناگون رضایت او را رضایت خود و ناراحتی او را ناراحتی خود اعلام می دارد. چنین تأکیدات متواتری از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله به چه هدفی صادر گردیده است؟ چرا پیامبر

رحمت، بر این حقیقت فراوان تاکید می‌ورزد که فاطمه، پاره‌ای از وجود من است؟ آیا این همه تأکید جز برای آن است که توجه همه مؤمنان طول تاریخ را به اسوه‌پذیری از ابعاد زندگانی فاطمه، در مقام استمرار بخش سیره پیامبر صلی الله علیه و آله جلب کند؟ چرا چنین نباشد در حالی که وجود فاطمه از وجود رسول خدا جدا نیست. وجود فاطمه، قسمتی از وجود رسول خداست و سیره او جلوه دیگری از سیره رسول خدا. وجود فاطمه، مکمل وجود رسول خداست و اسوه‌گری فاطمه، تکمیل‌کننده اسوه‌گری شایسته‌ترین اسوه‌حسنه. فاطمه، استمرار اسوه‌حسنه است و این است رمز و راز آن که سیره فاطمه علیها السلام برای همه امامان از نسل او، حجت و الگو می‌گردد: نحن حجه الله علی الخلق و فاطمه حجه الله علینا؛ ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه حجت (خداوند) بر ما. (تفسیر اطیب البیان، جلد ۱۳، ص ۲۲۵، ذیل آیه ۳ از سوره جن)

اسوه‌گری سیره فاطمه زهراء علیها السلام چنان در اوج یگانگی است که وجود مبارک بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف فاطمه علیها السلام را اسوه‌نیکوی زندگانی خویش معرفی می‌فرماید: و فی ابنه رسول الله لی أسوه حسنه؛ همانا در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگویی شایسته وجود دارد (بحار الانوار ۵۳، ۱۷۸). این تعبیر حاکی از آن است که اقتدای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت زهراء مرصیه علیها السلام، نه از آن جهت است که فاطمه علیها السلام، مادر آن حضرت است بلکه بدین جهت است که آن دردانه هستی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و استمرار وجود اوست؛ پاره تن رسول خداست و اسوه‌پذیری از وی، همان

مقام معظم رهبری دام ظلّه در خصوص این بانوی باعظمت می فرمایند: من حقیقتاً، نه به عنوان تعارف، نه به عنوان یک حرفِ هزاران بار تکرار شده، واقعاً قاصرم؛ زبان قاصر است، دل قاصر است، ذهن قاصر است که بخواهد از این مقام بلند تعریف و تجلیل کند؛ این موجود انسانی، این دختر جوان، این همه فضیلت، این همه درخشندگی، این همه کبریا و عظمت؛ که کسی مثل پیغمبر وقتی فاطمه زهرا علیها السلام بر او وارد می شد، «قام إليها»؛ نه فقط بلند می شد، بلکه بلند می شد و به سمت او می رفت. یک وقت یکی وارد اتاق می شود، شما به احترامش بلند می شوید؛ یک وقت کسی وارد اتاق می شود، شما با اشتیاق به طرفش می روید. اینها مگر شوخی است؟ این بحثِ پدر - فرزندی نیست. پیغمبر خدا اینجور از فاطمه زهرا تجلیل میکند؛ رضای او را رضای خود، رضای خود را رضای خدا؛ سخط او را سخط خود، سخط خود را سخط خدا اعلام می کند؛ اینها مقامات فاطمه زهرا است. آن زندگی با امیرالمؤمنین، آن تربیت آن فرزندان. خب، مگر می شود درباره این بزرگوار، امثال ما حرف بزنیم؟ (۲۳/۲/۱۳۹۱)

باعنایت به ابعاد گسترده شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام و ویژگی های ایشان به عنوان الگو، بر همه افرادی که می توانند به نوعی در مسیر معرفی شخصیت این بانوی مکرمه قدمی بردارند، واجب است که نقشی را ایفا نمایند.

در پایان سالی (۱۳۹۴) که ابتدا و انتهایش مملو از عطر فاطمی بود، می طلبد از درگاه الهی بخواهیم به برکت و واسطه حضرت

صدیقه کبری علیها السلام، همه سال های عمرمان را حقیقتاً فاطمی گرداند تا بیش از پیش خود را به حبل متین الهی گره
بزنیم و به آستان معصومین علیهم السلام تمسک جویم.

در پایان، ضمن تشکر و قدردانی از نویسندگان این اثر پژوهشی و همکاران محترم در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت
فرهنگی- اجتماعی، امیدواریم این اثر در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات
ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی- اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

جعلنا الله من عامری مساجدالله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی- اجتماعی

ص: ۱۰

فصل اول: صبر فاطمه عليها السلام و فاطميون

اشاره

ص: ۱۱

شیخ صدوق روایت می کند: امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی از قبیله بنی سعد فرمودند: دوست داری از خودم و فاطمه برایت بگویم؟ او گرامی ترین و محبوب ترین شخص نزد من و اهل بیت خود بود. آن قدر با مشک آب کشید که جای آن بر سینه اش نشست. آن قدر برای آرد ساختن، دست به آسیاب سایید که دستانش تاول زد. آن قدر خانه را جارو زد که جامه اش غبارآلود شد. آن قدر آتش به زیر دیگ افروخت که جامه اش سیاهی و دود به خود گرفت. این رنج ها به او آسیب رساند چنانچه به او گفتم: اگر نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکار طلب می کردی، تو را از سختی این کار آسوده می ساخت؛ بنابراین فاطمه علیها السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و اله آمد... حیا کرد و خواسته خود را نگفت و بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و اله فهمید که او به دنبال کاری آمده است.

فردای آن روز رسول خدا صلی الله علیه و اله به سرای ما قدم نهاد، درحالی که من و فاطمه در خانه بودیم. حضرت فرمود: السلام علیکم.

ص: ۱۳

لذا جواب آن حضرت را دادم و گفتم علیکم السلام یا رسول الله بفرمایید. حضرت آمدند و بالای سر ما نشست. فرمود: فاطمه، دیروز از محمد چه می خواستی؟ ترسیدم اگر پاسخ حضرت را ندهیم برخیزد لذا گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه واله به خدا سوگند فاطمه در خانه خیلی زحمت می کشد، به همین خاطر آسیب دیده. به او گفتم: اگر نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکار طلب می کردی تو را از سختی این کارها آسوده می ساخت. پیامبر پاسخ دادند: می خواهید چیزی به شما بیاموزم که از خدمتکار برای شما بهتر باشد؟ هر گاه به خوابگاه خود آمدید و خواستید بخوابید، سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه بگوئید سبحان الله.

در این هنگام فاطمه علیها السلام سه مرتبه فرمود: رضیت عن الله و رسوله، من به آنچه خدا و رسولش بخواهند، خرسندم. (۱)

اقناع اندیشه و تحریک احساس

اهمیت صبر و پایداری در زندگی:

زندگی انسان در دنیا، آمیخته با مشکلات و گرفتاری هاست. اگر انسان در مقابل آن بایستد و شکیبایی و مقاومت به خرج دهد، پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث زانو زند، هیچ گاه به مقصد نخواهد رسید. منظور از «صبر» همان استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است که نقطه مقابل آن «جزع»، بی تابی، از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات است.

ص: ۱۴

«صَبْرًا عَلَى الْأَمْرِ جُرْأً وَ شَجَعًا وَ تَجَلُّدًا(۱)؛ صبر بر چیزی به معنای جرئت و شجاعت و ایستادگی و شکست ناپذیری در آن چیز است.

در قرآن ۱۰۳ بار، از صبر و مشتقات آن یاد شده است. در سوره مبارکه عصر چهار واژه، واژه کلیدی است؛ ایمان، عمل صالح، حق و صبر. روشن است که صبر موضوع مهمی است که در کنار حق، ایمان و عمل صالح ذکر می شود. کسی که در برابر مصیبت خیلی جزع و فزع نمی کند، اهل صبر است و این یکی از مصادیق درست صبر است؛ ولی کاربرد صبر خیلی وسیع تر از این و معنای آن پر بارتر و غنی تر از این است. صبر به معنی ظلم پذیری، تن به ذلت دادن، دست روی دست گذاشتن و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست. خداوند در آیاتی بسیار، اهل صبر را می ستاید و از مقام صابران سخن می گوید. بی گمان داستان های بسیاری درباره صابران نوشته و گفته شده و در این میان صبر یعقوب علیه السلام و ایوب علیه السلام به عنوان ضرب المثل بارها از سوی ما و دیگران به کار رفته است

علاوه بر زندگی مادی، در زندگی معنوی نیز این مسئله وجود دارد. اگر انسان در برابر نفس سرکش و هوا و هوس ها و زرق و برق دنیا و جاذبه های گناه ایستادگی نکند و در طریق «معرفه الله» و اطاعت فرمان او با مشکلات نجنگد، هرگز به جایی نمی رسد.

ص: ۱۵

۱- . المنجد واژه صبر.

۱. صبر بر مصیبت

صبر در مصیبت هم که معنایش این است که حوادث تلخی برای انسان پیش می آید؛ فقدان ها، فراغ ها، مرگ و میرها، دست تنگی ها، بیماری ها، دردها، رنج ها و از این قبیل حوادث تلخ. این حوادث انسان را در هم نشکند، خیال نکند که دنیا به آخر رسیده است.

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (۱)؛ قطعاً همه ی شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان! آن ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی گردیم!

در این آیه خداوند، به کسانی که در برابر مصائب و مکروهات، صبر پیشه کرده اند، بشارت می دهد؛ چراکه آنان مالکیت حقیقی را از آن خدا می دانند و او را صاحب حق هرگونه تصرفات در عالم به حساب می آورند؛ پس به طور قطع چنین کسی از وارد شدن مصائب و مشکلات متأثر نمی گردد.

شما را نم—ایم گ—اه امت—حان

به ترس و به جوع و به امثال آن

ص: ۱۶

به نقصان نفس و زراعات و مال

بگردید خود امتحان طّی سال

بـود مژده ی فتـح با صـ ابران

که بـردند با صبـر بار گـران

کسانی که چون محنت آید به پیش

شکیـ بایی آرند، هر لـحظه بیش

بگوییـ د مائیم از کـردگار

به او باز گـردیم فرجـام کار(۱)

گاه محرومیت ها، سختی ها و تلخی های زندگی بدان حد می رسید که فاطمه زهرا سلام الله علیها پاسخ پدر را از چگونگی وضع و حال خویش به صورت کوتاه می داد تا واژه ها و عبارات وسعت درد و رنج او را ترسیم کنند. از این رو، در جواب رسول الله صلی الله علیه و اله که سؤال می کرد:

ـ دخترم چگونه ای؟ در چه حالی به سر میبری؟ و چرا نگرانی؟

می گفت: «قَلَّ الطَّعْمُ وَ كَثُرَ الْهَمُّ وَ شَدَّ السُّقْمُ».

کمی طعام و غذا، فراوانی اندوه و غصه و شدت بیماری و گرفتاری!

یکی از مصیبت ها همسر بداخلاق است. اصمعی (وزیر مامون) می گوید: روزی برای صیادی به سوی بیابان روانه شدیم. من از جمع دور شدم و در بیابان گم شدم، در حالی که تشنه و گرسنه بودم به این فکر بودم که کجا بروم و چکار کنم. چشمم

ص: ۱۷

۱- . ترجمه منظوم امید مجد، ص: ۲۴.

به سوی خیمه روان شدم، دیدم زنی جوان و با حجابی در خیمه نشسته. به او سلام کردم او جواب سلامم را داد و تعارف کرد و گفت بفرمایید. بالای خیمه نشستیم و آن زن هم در گوشه دیگر خیمه نشست. من خیلی تشنه بودم، به او گفتم: یک مقدار آب به من بده: دیدم رنگش تغییر کرد، رنگش زرد شد. گفت: ای مرد، من از شوهرم اجازه ندارم که به شما آب دهم (یکی از حقوقی که مرد بر زن دارد این است که بدون اجازه اش در مال شوهر تصرف نکند) اما مقداری شیردارم. این شیر برای نهار خودم است و این شیر را به شما می دهم. شما بخورید، من نهار نمی خورم. شیر را آورد و من خوردم. یکی - دو ساعت نشستیم دیدم یک سیاهی از دور پیدا شد.

زن، آب را برداشت و رفت خارج از خیمه. پیرمردی سیاه سوار بر شتر آمد؛ و زن پاها و دست و صورتش را شست و او را برداشت و آورد در بالای خیمه نشاند. پیرمرد، بد اخلاقی می کرد و نق می زد، ولی زن می خندید و تبسم می کرد و با او حرف می زد. این مرد از بس به این زن بد اخلاقی کرد من دیگر نتوانستم در خیمه بمانم و آفتاب داغ را ترجیح دادم. بلند شدم و خداحافظی کردم. مرد خیلی اعتنا نکرد، با روی ترشی جواب خداحافظی را داد، اما زن به مشایعت من آمد. وقتی آمد مرا مشایعت کند، مرا شناخت که اصمعی وزیر مامون هستم.

من به او گفتم: خانم، حیف تو نیست که جمال و زیبایی و جوانی خود را به پای این پیرمرد سیاه بد اخلاق فنا کردی؟ آخر به چه

چیز او دل خوش کردی، به جمال و جوانی اش؟! ثروتش؟! تا این جملات را از من شنید، دیدم رنگش تغییر کرد. این زنی که این همه بااخلاق بود با عصبانیت به من گفت: حیف تو نیست می خواهی بین من و شوهرم اختلاف بیندازی. چون زن دید من خیلی جا خوردم و ناراحت شدم، خواست مرا دلداری دهد و گفت: اصمعی دنیا می گذرد، خواه وسط بیابان باشم، خواه در قصر، خواه در رفاه و آسایش، خواه در رنج و سختی. امروز گذشت. من که در بیابان بودم گذشت و اگر وسط قصر هم می بودم باز می گذشت. یک چیز نمی گذرد و آن آخرت است.

اصمعی من یک روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله شنیدم و می خواهم به آن عمل کنم. آن حضرت فرمود: ایمان نصفه الصبر و نصفه الشکر. من در بیابان به بداخلاقی و تندخویی و زشتی شوهرم صبر می کنم و به شکرانه جمال و جوانی و سلامتی که خدا به من عنایت فرمود، به این مرد خدمت می کنم که ایمانم کامل شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرماید:

کسی که بر بداخلاقی همسرش صبر کرده و او را تحمل کند، خداوند به او همان اجری را خواهد داد که به ایوب پیامبر داد و زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند و او را تحمل نماید، خداوند به او همان ثوابی را خواهد داد که به آسیه عطا فرمود.

۲. صبر بر معصیت

صبر بر معصیت یعنی در مقابل معصیت، استقامت کردن. مقابل معصیت استحکام به این است که انسان جذب و اغوا نشده و

تحت تأثیر شهوات قرار نگیرد. شهوات مصادیقی فراوانی دارد: شهوت جنسی، پول، مقام، محبوبیت و شهرت. بچه ای که برای رسیدن به آن ظرف شیرینی موردعلاقه اش، حرکت می کند، دیگر وسط راهش پارچ آب و لیوان را نمی بیند و می شکند. او با دیدن شیرینی از اطراف خود غافل می شود. انسانی که مجذوب گناه شد، همین گونه است. از اطراف آن گناه، غافل می شود؛ و این غفلت بسیار خطرناک است؛ از این رو باید چشم مان را باز کنیم؛ احتیاط کنیم که دچار این غفلت نشویم. این صبر از معصیت است.

«وَلَئِنْ أَدْقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءِ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۱)؛

و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمت هایی به او بچشانیم، می گوید: مشکلات از من برطرف شد و دیگر باز نخواهد گشت! و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می شود... مگر آن ها که (در سایه ی ایمان راستین) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند.

صبر در برابر معصیت ها و هوای نفس آن قدر عظیم است که حتی یوسف نبی علیه السلام نیز خود را از شر آن ایمن ندانسته و به خدا پناهنده می شود:

یوسف علیه السلام فرزند یعقوب نبی علیه السلام که در کودکی مورد حسد برادران خود قرار گرفت و با بی رحمی او را در چاه انداختند، سپس به بهایی اندک فروختند؛ و در مصر نیز به دلیل ردّ درخواست

ص: ۲۰

نامشروع همسر عزیز مصر و دیگر زنان مصری، سال‌ها به زندان افتاد، اما در برابر همه‌ی این همه فضای معصیت، صبر پیشه کرد و بر خدا توکل نمود.

صبر بر معصیت، از سرتترین صبرهای این دنیای مدرنیته است. چراکه انواع گناهان به راحتی در دسترس مردم قرار دارد و به راحتی می‌توانند به آن‌ها آلوده شوند. اگر روزی یک پسر جوان برای رساندن یک نامه به دختری سختی زیادی داشت امروزه به راحتی و به صورت تصویری در هر لحظه از شبانه روز و دورتر از چشم والدین می‌تواند ارتباط داشته باشد. این فن آوری و تکنولوژی زمینه ایجاد گناه را فراهم کرده است. از این رو صبر بر آن و آلوده نشدن بر گناه بسیار سخت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»^(۱)؛ روزگاری بر مردم بیاید که هر که خواهد دین خود نگهدارد چنان باشد که آتش به دست گرفته باشد.

۳. صبر بر طاعت

صبر بر طاعت یعنی وقتی که یک واجب را و یا یک عبادت را می‌خواهید انجام بدهید، از طولانی شدن آن ملول و خسته نشوید؛ «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ»^(۲)؛

همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن و در راه عبادتش شکیا باش!

ص: ۲۱

۱- الامالی للطوسی، ص: ۴۸۵.

۲- مریم/۶۵.

مثلاً از خواندن نماز شب، دعای ندبه و یا کمیل خسته نشود. انسان از ادامه ی روزه ی ماه رمضان، توجه به خدا در نمازهای واجب و فرایض، از توجه به قرآن، ملول و خسته نشود. این صبر بر طاعت است. در بیان چگونگی نماز حضرت فاطمه سلام الله علیها در روایات آمده است که: «در این اَمّت، عبادت کسی بیش از عبادت فاطمه زهرا علیها السلام نبود. او چندان به عبادت می ایستاد که پاهایش ورم کرده بود.»^(۱) و نیز در مورد حال حضرت در نماز آمده است: «فاطمه زهرا علیها السلام، در حال نماز، به سبب ترس بسیار از خداوند بزرگ، نفسش به شماره می افتاد»^(۲).

با توجه به این دو مطلب می توان به عمق توجه حضرت به نماز پی برد، نمازی که نفس را به شماره اندازد، نمازی سراسر توجه و حضور قلب است که انسان را به اسرار نماز نزدیک می سازد تا از دریچه این نزدیکی بتوان از فیوضات نماز بهره برد.

گریز و روضه

شهادت جان گداز حضرت زهرا علیها السلام و حوادث تلخ و شرایط سخت بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه واله برای حضرت علی علیه السلام بسیار جان فرسا و دشوار بود هیچ چیزی نمی توانست امیرالمؤمنان علی علیه السلام را در برابر آن حفظ کند جز صبر و استقامت او در پرتو صبر و استقامت به زندگی خود ادامه داد و فرمود: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَيَّ هَاتَا أَحْبَبِي فَصَبِرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدِّي وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا (۳)؛

سرانجام دیدم صبر و شکیبایی به عقل و خرد نزدیک تر است از این رو صبر کردم با اینکه (بر اثر فشار حوادث تلخ) هم چون کسی بودم که خاشاک

ص: ۲۲

۱- . قصص الانبياء، ص: ۷۲۳.

۲- . ایمان و کفر، ج ۲، ص: ۸۸.

۳- . معانی الاخبار، ص: ۳۶۱.

چشمش را پر کرده و استخوان راه گلایش را گرفته است.»

فاطمه جان! تو رفتی و این بچه ها جای خالی تو را می دیدند، به محراب نگاه می کردند، اشک می ریختند. وقتی عزیزی می ره، چند عاقل لوازم اونو مخفی می کنند، ولی در مورد صدیقه طاهره، شاید یک عاقل پیدا شد جانماز خانم را جمع کنه، ولی در نیم سوخته چی، قابل اخفا نبود.

ای شیعه غم و درد چرا؟ فاطمه داریم

در مهلکه و موج بلا فاطمه داری

آن روز که پرونده ی اعمال بخوانند

ما چشم به دریای سخا، فاطمه داریم

از غم هراسی به دل خسته ما نیست

امید به امّ الشّه دایم، فاطمه داری

اسماء نقل می کند: لحظات آخر عمر مبارک فاطمه زهرا بود، دختر پیغمبر غسل کرد، لباس های را تغییر داد. مشغول راز و نیاز با خدا شد. اسماء می گوید: جلو رفتم دیدم فاطمه رو به قبله نشسته، دست ها را به سوی آسمان بلند کرده می فرماید: خدایا به حق پیامبرانی که آن ها را برگزیدی، به گریه های حسن و حسین در فراق من، از تو می خواهم که گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من درگذری.

دیگر روزهای آخر عمر فاطمه است، دیگر چراغ عمر فاطمه

خاموش می شود، بیاید دسته جمعی بریم خانه علی، برای عیادت فاطمه، وارد خانه شوی می بینی دخترش زینب پرستار مادر است، مثل پروانه دور مادر می گردد قربون پرستار خانه علی، با آن دسته ای کوچکش برای شفای مادر دعا می کند صدا می زند مادر:

شبی در خواب بودی آمدم بازوی تو دیدم

مبادا آنکه بیدارت کنم آهسته بوسیدم

چو درب خانه ما سوخت پرسیدی کجا بودی؟

تو می خوردی کتک من هم به زیردست و پا بودم

هی می گفتم مادرم را نزنید، بابام علی را رها کنید همه بگوییم یا زهرا ...

در جلالت کی زنی صدیقه کبری شود

دختر خیر الوری محبوبه یکتا شود

با چنین شأن و جلالت کی روا باشد فلک

نیلگون از ضربت سیلی رخ زهرا شود

ص: ۲۴



۱. روش داستانی.
۲. علل الشرایع، ج ۲، ص: ۳۶۶.
۳. المنجد واژه صبر.
۴. بقره/ ۱۵۵ و ۱۵۶.
۵. ترجمه منظوم امید مجدد، ص: ۲۴.
۶. هود/ ۱۰ و ۱۱.
۷. الامالی للطوسی، ص: ۴۸۵.
۸. مریم/ ۶۵.
۹. قصص الانبیاء، ص: ۷۲۳.
۱۰. ایمان و کفر، ج ۲، ص: ۸۸.
۱۱. معانی الاخبار، ص: ۳۶۱.

فصل دوم: بایسته های همسر داری فاطمه (علیها السلام) و فاطمیان

اشاره

ص: ۲۷

مسئله طلاق و افزایش روند آن نگرانی های زیادی را برای آینده فرهنگی کشور به وجود آورده است. اعتیاد، فساد اخلاقی و کاهش سطح دین داری از آثاری است که مسئله طلاق به همراه دارد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) افزایش طلاق را به عنوان یک معضل برای سبک زندگی امروز ما بیان نمودند (۲).

آمارهای رسمی مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در دهه اخیر درصد طلاق به شدت بالا رفته، به طوری که در شهرهای بزرگ از هر سه ازدواج، یکی به طلاق منجر می شود طبق آخرین آمار، ایران رتبه چهارم طلاق را در دنیا دارد. طبق همین آمار در شش ماه نخست سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۱۰۳۹ ازدواج کمتر از یک سال کنار هم زندگی کردند. بیشتر طلاق ها مربوط به زوج هایی است که با یکدیگر اختلاف سنی ندارند (زوج های هم سن) مثلاً در سال ۹۰ حدود ۱۱٪ طلاق ها مربوط به این زوج ها می باشد بیشتر طلاق ها در ۵ سال اخیر مربوط به زوج های با سن زیر ۳۰ سال

ص: ۲۹

۱- استفاده از روش ابهام موضوع.

۲- . ۲۳/۷/۱۳۹۱؛ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی.

است (مردان با سن ۲۵ تا ۲۹ و زنان با سن ۲۰ تا ۲۴ سال) در استان تهران و البرز به ازای هر ۲/۳ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است (۱).

با عنایت به این آمارها به این نتیجه می‌رسیم که برای حفظ استحکام خانواده باید به دنبال راهی بود که سبب کاهش طلاق شود.

به جرأت می‌توان ادعا کرد علت عمده طلاق‌ها عدم تعامل مناسب، بین زوجین است که سبب عدم درک درست از شخصیت آنان شده و به طلاق و جدایی ختم می‌گردد. در دنیایی که اختیارات انسان سبب آزادی دیگران و قاعدتاً مزاحم اختیار دیگران است به نظر می‌رسد آنچه سبب استحکام اجتماع و خانواده می‌گردد توجه به بایسته‌های اخلاقی در تعامل بین انسان‌ها و در این مورد در بین همسران است. چه بایسته‌های اخلاقی باید رعایت شود تا ضامن گرمی کانون خانواده باشد. بایسته‌های اخلاقی در روابط همسران چیست؟ اهل بیت (علیهم) در روابط همسران چگونه تعامل می‌کردند؟

اقناع اندیشه و تحریک احساس

اشاره

مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی در روابط همسران عبارت‌اند:

۱. احترام به همسر

احترام به همسر نقش بسزایی در صفا و صمیمیت کانون خانواده داشته و از عواملی است که در تربیت فرزندان، تأثیر فراوانی دارد.

ص: ۳۰

مادری که در خانه، عزیز باشد و مورد تکریم شوهرش قرار گیرد، با روحی سرشار از عاطفه و آرامش و احساس شخصیت، فرزندان را تربیت خواهد نمود.

حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه واله وقتی «فدک» را به ناحق از او گرفتند، شکوه خود را با حزن شدیدی به نزد همسرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام برد(۱)؛

اما امیرالمؤمنین علی علیه السلام با لحنی محترمانه همسر مهربانش را دلداری داد و فرمود: «لَا وَئِيلَ لَكَ بَلِ الْوَيْلُ لِسَائِنِكَ ثُمَّ نَهْنَهِيَ عَيْنٌ وَجَدِكَ يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَبَقِيَةَ النَّبِيِّ فَمَيَّا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي وَ لَمَّا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقِكَ مَضْمُونٌ وَ كَفِيلِكَ مَأْمُونٌ وَ مَا أَعَدَّ لَكَ أَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ فَاحْتَسِبِي اللَّهَ (۲)؛

ویل و وای بر تو مباد؛ بلکه وای بر دشمنان تو باد! پس مرا از این گونه خطاب بازدار ای دختر برگزیده مخلوقات و یادگار نبوت. به خدا سوگند! من در انجام وظیفه سستی نکردم و آنچه قدرت و توان داشتم، انجام دادم. اگر تو معاشی و روزی می خواهی؟ بدان که خداوند ضامن و کفیل است و آنچه را برای تو مهیا نموده بهتر است از آنچه از دست تو رفته است! خدا را کافی بدان و بدو پناه بر!»

حضرت علی علیه السلام آن چنان با متانت و احترام در برابر شکوه حضرت زهرا علیها السلام برخورد می نماید که حضرت فاطمه علیها السلام آرام می گیرد و می فرماید: «حَسْبِيَ اللَّهُ؛ خداوند مرا کفایت می کند.» و ایشان

ص: ۳۱

۱- . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۰۷.

۲- . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۰۷.

آن بانوی بزرگوار، نام همسر خود را با احترام یاد می کرد. گاهی وی را با کنیه «ابوالحسن» می خواند و گاهی با یاد قرابت نسبی (ابن عم) وی را ندا می داد. در حدیث شریف کساء آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: «و بر تو باد سلام ای ابا الحسن و ای امیرمؤمنان.» این گونه نقل نام و خطاب احترام آمیز یکی از نکات اصلی رابطه زوجین نسبت به یکدیگر است.

همسر بزرگوار امام خمینی «قدس سرّه» - این فرزند خلف حضرت زهرا علیها السلام - در مورد نحوه برخورد حضرت امام (ره) با ایشان می گوید: حضرت امام به من خیلی احترام می گذاشتند و خیلی اهمیت می دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی زدند ... امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی احترامی و اسائه ادب نمی کردند. (امام در هنگام ناهار یا شام) غذا را شروع نمی کردند؛ به بچه ها هم می گفتند: صبر کنید تا خانم بیایند(۱).

همسر شهید مطهری (ره) درباره سرباز شهید حضرت زهرا علیها السلام می گوید: یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روزی با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند. دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: همه

ص: ۳۲

روحانیون این قدر خوب هستند!

بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند، بچه ها هنوز خوابند. با تأثر به من گفتند: می ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید(۱).

۲. انجام کارهای منزل

از مسائلی که در زندگی مشترک زن و شوهر مطرح و در خوشبختی و نشاط خانواده تأثیر به سزایی دارد، تأمین نیازها و انجام کارهای خانه است. اگر زوجین وظیفه خود را به خوبی انجام دهند، صفا و صمیمیت در محیط خانواده حاکم خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله کارهای درون خانه را بر عهده حضرت فاطمه علیها السلام گذاشت و کارهای بیرون خانه را به حضرت علی علیه السلام سپرد. فاطمه علیها السلام می فرماید: «جز خدا کسی نمی داند که من چه اندازه خوشحال شدم از اینکه کارهای درون خانه به من واگذار شد و از کارهای بیرون خانه و معاشرت و تماس با مردان معاف شدم(۲)».

در همین زمینه در سخنی از امام باقر علیه السلام آمده است: «فاطمه علیها السلام در خانه علی علیه السلام کار خانه؛ خمیر کردن، نان پختن و نظافت را به عهده گرفت. علی علیه السلام نیز کارهای بیرون خانه را، مانند آوردن هیزم و تهیه مواد خوراکی به عهده داشت(۳)».

از برخی روایات استفاده می شود که حضرت علی علیه السلام بعضی اوقات در کارهایی مانند تهیه آرد و آسیاب کردن نیز به کمک همسرش حضرت زهرا علیها السلام می شتافت.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله به خانه علی علیه السلام وارد شد، ناگاه مشاهده

ص: ۳۳

۱- سرگذشت های ویژه، ج ۲، صص: ۱۰۸ تا ۱۱۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۲۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص: ۵۵۱.

کرد دختر و دامادش با محبت بی نظیر در کنار هم نشسته و با همکاری به آرد کردن «جو» مشغول اند.

پیامبر صلی الله علیه و اله خطاب به آنان فرمود: «أَيُّكُمْ أَعْيَى؟» کدام یک از شما خسته تر هستید تا من به جای او نشسته، کارش را انجام دهم؟ علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا! دخترت فاطمه، خسته تر است. آن حضرت کنار دامادش نشست و با هم به دستاس کردن مشغول شدند (۱).

در فضیلت خدمت زن به شوهرش همین کلام امام صادق علیه السلام کفایت می کند: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارًا وَ قِيَامٍ لَيْلًا وَ يَنْبِي اللَّهَ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ خَطِيئَةً (۲)»؛

هر زنی که به شوهرش مقداری آب دهد، برای او بهتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشد و شب هایش عبادت کند و خداوند به جای هر مقدار آبی که به شوهرش بنوشاند، شهری در بهشت برایش می سازد و شصت گناهش را می آمرزد.

۳. آراستن خویش برای همسر نه برای دیگران

اسلام، دین فطرت است و به احساسات و عواطف افراد جامعه توجه دارد. در سرشت هر مرد و زنی، زیبایی خواهی نهفته است لذا در اسلام سفارش شده که زن و شوهر خود را برای یکدیگر بیارایند و ظاهر خود را جذّاب و زیبا نمایند. پیامبر صلی الله علیه و اله نیز برای

ص: ۳۴

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۵۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۱۷۲.

شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام دستور داد عطرهایی خوشبو تهیه کنند و زهرا علیها السلام نیز در داخل خانه دائماً معطر بودند. البته این زینت برای مردان هم است

حسن بن جهم _ از دوستان امام کاظم علیه السلام _ گوید: آن حضرت را دیدم که موهای خود را خضاب کرده است، گفتم: فدایت شوم، شما هم خضاب می کنید؟!

حضرت فرمود: آری، اصلاح و مرتب بودن وضع، بر عفت زنان می افزاید. زنانی بودند که پاکدامنی را رها کردند به این دلیل که شوهرانشان اصلاح و مرتب بودن خود را رها کردند.

سپس فرمود: دوست داری همسرت را در حالی همانند حال خودت که خود را آراسته نموده ای، ببینی؟
گفتم: نه! فرمود: او نیز چنین است.

آنگاه فرمود: نظافت و استعمال بوی خوش و اصلاح مو، از اخلاق پیامبران است (۱).

یکی از دوستان امام باقر علیه السلام به نام حکم بن عتیبه می گوید: در خانه ای زیبا و آراسته خدمت آن حضرت رسیدم، لباس زیبا و رنگینی پوشیده بود که آثار رنگ لباس بر دوش حضرت دیده می شد. خیلی شگفت زده شدم. گاهی، به خانه نگاه می کردم، گاهی به وضع لباس آن حضرت! حضرت علیه السلام فرمود: این حالت، چطور است؟ عرض کردم: چه بگویم از این لباسی که به تن کرده اید؟ این لباس، مربوط به افراد نوجوان است.

حضرت فرمود: ای حکم! چه کسی زینت ها و چیزهای پاکیزه ای

ص: ۳۵

را که خداوند برای بندگانش آفریده است، حرام کرده؟ این ها از چیزهایی است که خداوند برای بندگانش آفریده است؛ اما این خانه که مشاهده می کنی مربوط به همسر من است و من تازه ازدواج کرده ام. لباسی که مشاهده می کنی و همچنین حضور من در این خانه، به خاطر همین موضوع است(۱).

همچنین زنی درباره حقوق مرد بر زن از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله پرسید ایشان می فرمایند: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طِبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا(۲)؛

بر زن است که برای شوهرش خوشبوترین عطرهايش را بزند و قشنگ ترین لباس هایش را بپوشد و از زیباترین زینت هایش استفاده کند.»

۴. گذشت از لغزش های همسر

برای افرادی که بنا است مدت ها باهم زندگی کنند و در امور زیادی منافع واحدی دارند، سرزنش لغزش و اشتباه، امری عادی است؛ بنابراین لازم است با بردباری از اشتباهات یکدیگر چشم پوشی نمایند. زن و شوهر در برابر کلمات تند که برخی وقت ها به خاطر شرایط خاص، از طرف مقابل می شنوند، باید سعه صدر داشته باشند. آنان می توانند با خونسردی و گفتن چند کلمه محبت آمیز، طرف مقابل را از حالت ناراحتی خارج نمایند.

سیره معصومان (علیهم) چنین بوده است که اشتباه و خطای همسران را نادیده می گرفتند.

ص: ۳۶

۱- . الکافی، ج ۶، ص: ۴۴۶، ح ۱.

۲- . الکافی، ج ۵، ص: ۵۰۸.

اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق زن بر مرد چیست که با انجام آن ها انسان، «نیکوکار» محسوب شود؟

امام علیه السلام فرمود: خوراک و پوشاک او را فراهم نماید و اگر خطایی از او سر زد، از او بگذرد.

سپس فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام همسری داشت که به او آزار می رساند؛ ولی پدرم او را مورد عفو و بخشش قرار می داد(۱).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيُصْفُو عَيْشُكَ (۲)؛

همیشه با همسرت مدارا کن و با او به نیکی هم نشینی کن تا زندگی ات باصفا شود.»

۵. اطاعت از همسر

پیامبر خدا صلی الله علیه واله می فرمایند: «إِنَّ لِلرَّجُلِ حَقًّا عَلَى امْرَأَتِهِ إِذَا دَعَاها تَرْضِيهِ وَإِذَا أَمَرها لَا تُعْصِيهِ وَ لَا تُجَاوِبُهُ بِالْخِلَافِ وَ لَا تُخَالِفُهُ (۳)؛ مرد حقی بر زنش دارد [و آن حق این است که] چنانچه او را صدا زند پاسخ دهد و هنگامی که او را دستوری دهد سرپیچی نکند و پاسخ مخالف ندهد و با او مخالفت نوزد.»

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ (۴)؛ خوشا به سعادت و خوشا به سعادت آن زنی باد که شوهرش را بزرگ دارد و به او آزار نرساند و همیشه از شوهرش فرمان بری

ص: ۳۷

۱- . الكافي، ج ۶، ص: ۵۱۰،

۲- . من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۵۵۶.

۳- . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص: ۲۴۳.

۴- . وسائل الشيعه، ج ۱۶، ص: ۲۸۰.

کند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله می فرمایند: «خَيْرُ النِّسَاءِ الَّتِي تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ وَ تُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَ لَا تُخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَ لَا مَالِهَا بِمَا يُكْرَهُ»^(۱)؛ بهترین زنان آن است که وقتی مرد به او نگرند مسرور شود و وقتی به او فرمان دهد اطاعت کند و با تن و مال خود بر خلاف رضای شوهر کاری نکند.»

زهرا ی اطهر در جواب درخواست علی علیه السلام برای ورود آن دو نفر به خانه و پس از ماجرای به آتش کشیدن در منزل و مصدوم شدن ایشان می فرماید: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ فَافْعَلْ مَا تَشَاءُ»^(۲)؛

خانه، خانه دوست و من همسر تو هستم، هر آنچه می خواهی انجام بده.»

امام علی علیه السلام درباره فاطمه علیها السلام می فرمایند: «قسم به خدا! من فاطمه علیها السلام را هرگز خشمگین و مجبور به کاری نکردم، او هم هیچ گاه مرا خشمگین و از دستورم سرپیچی نکرد»^(۳)».

۶. ابراز محبت

صفا و شادابی کانون خانواده، بستگی به حضور بانشاط یک «زن» دارد، اما نشاط و سرزندگی یک زن به محبت «مرد» وابسته است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «كُلُّ مَنْ اِشْتَدَّ لَنَا حُبًّا اِشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا»^(۴)؛

ص: ۳۸

۱- . نهج الفصاحه، ص: ۴۶۹.

۲- . کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص: ۸۶۹.

۳- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص: ۳۶۳.

۴- . وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۲۴.

هر کس بیشتر دوستدار ما باشد، به زن ها (همسرش) نیز بیشتر دوستی می کند.»

پیامبر عزیز خدا صلی الله علیه واله می فرماید: «قَوْلَ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^(۱)؛

این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود.»

خانم فریده مصطفوی، دختر امام تأکید می کند: «هیچ وقت ما ندیدیم ایشان [امام] به خانم بگویند «فلان کار را انجام بده» و یا حتی «یک جای برای من بریز»... خیلی به ایشان [مادرم] اظهار محبت و علاقه می کردند و مقید بودند این اظهار محبت و علاقه را جلوی ما فرزندان هم علنی کنند^(۲)».

امام رضا علیه السلام می فرماید: «وَاعْلَمَ أَنَّ النِّسَاءَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِرَوْجِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ»^(۳)؛

بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گران بها و تاوان [رنج های آدمی] هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می کند و عاشق اوست.»

گریز و روضه

حضرت زهرا علیها السلام شیفته و عاشق همسر مهربانش بود و همیشه بامحبت و احترام ایشان را صدا می زد و این محبت به قدری بود که جانش را در این راه فدا کرد. حضرت زهرا علیها السلام هنگام شهادت وصیت فرمود: «علی جان! وقتی من وفات کردم تو غسل و کفن

ص: ۳۹

۱- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص: ۵۶۹.

۲- . پا به پای آفتاب، ج ۱، صص: ۹۲ و ۹۷.

۳- . الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۲۳۴.

مرا به عهده گیر و بر من نماز بگزار و مرا درون قبر گذاشته، دفنم کن و خاک را بر روی قبر من ریخته، مساوی کن و بر بالینم رو به روی من بنشین و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه هایی میت به انس گرفتن بازندگان محتاج است. من تو را به خدا می سپارم و درباره فرزندانم به نیکوکاری سفارش دارم(۱)»

دست من و عنایت و لطف و عطای فاطمه

قلب من و محبت و مهر و ولای فاطمه

طبع من و قصیده و مدح و ثنای فاطمه

جرم من و شفاعت روز جزای فاطمه

به بذل دست فاطمه! به خاک پای فاطمه

منم گدای فاطمه، منم گدای فاطمه(۲)

اما حضرت زهرا علیها السلام ماجرای مظلومیت خود را این گونه بیان می فرماید: «قنفذ را با دو نفر دیگر به خانه ما فرستادند تا پسر عمویم علی علیه السلام را برای بیعت زیان بار خود به سقیفه بنی ساعده بیرون برند. علی که مشغول انجام وصیت رسول خدا صلی الله علیه واله و تألیف قرآن بود، با آنان بیرون نرفت. آنان نیز برای عقده گشایی، هیزم زیادی در مقابل در خانه ما جمع کردند و آتش آوردند تا خانه و ما را به آتش کشند. من در پشت در ایستادم و آنان را به خدا و پدرم قسم دادم که دست از ما بردارند و ما را یاری کنند.

یکی از آن دو، تازیانه را از دست قنفذ گرفت و با آن به بازویم زد؛ چنانکه تازیانه همچون بازوبند به دور بازویم حلقه زد. سپس

ص: ۴۰

۱- بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، نشر دار الحکمه، قم، ۱۴۱۲ ق، ص: ۱۷۶.

۲- غلامرضا سازگار (میثم).

وی لگدی به در کویید و آن را به طرف من فشار داد و من که آبستن بودم، به صورت روی زمین افتادم. آتش شعله می کشید و صورتم را می گداخت. یکی از آن دو نفر چنان به صورتم سیلی زد که گوشواره ام بر زمین افتاد و درد زایمان به سراغم آمد. پس محسنم کشته شد. این است ائمتی که می خواهد بر من نماز بخواند؟! در حالی که خدا و رسول از آنان بیزاری جسته اند. من نیز از آنان براءت می جویم (۱).»

به وقت مرگ، پر کردم زخون، چشم تر خود را

که تنها می گذارم بین دشمن، همسر خود را

خدایا! اولین مظلوم عالم را تو یاری کن

که امشب می دهد از دست، تنها یاور خود را

ص: ۴۱



۱. استفاده از روش ابهام موضوع.
۲. ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی.
۳. سایت مرکز آمار ایران؛ <http://amar.org.ir>.
۴. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۰۷.
۵. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۰۷.
۶. پایه پای آفتاب، ج ۱، صص: ۹۲ و ۹۷.
۷. سرگذشت های ویژه، ج ۲، صص: ۱۰۸ تا ۱۱۱.
۸. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۲۳.
۹. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص: ۵۵۱.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۵۰.
۱۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۱۷۲.
۱۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۳.
۱۳. الکافی، ج ۶، ص: ۴۴۶، ح ۱.
۱۴. الکافی، ج ۵، ص: ۵۰۸.
۱۵. الکافی، ج ۶، ص: ۵۱۰.
۱۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۵۵۶.
۱۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص: ۲۴۳.
۱۸. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص: ۲۸۰.
۱۹. نهج الفصاحة، ص: ۴۶۹.
۲۰. کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص: ۸۶۹.
۲۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص: ۳۶۳.
۲۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۲۴.
۲۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۶۹.
۲۴. پایه پای آفتاب، ج ۱، صص: ۹۲ و ۹۷.
۲۵. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۲۳۴.
۲۶. بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، نشر دار الحکمه، قم، ۱۴۱۲ ق، ص: ۱۷۶.
۲۷. غلامرضا سازگار (میثم).
۲۸. بحار الانوار، ج ۳۰، صص: ۳۴۸ - ۳۵۰.

فصل سوم: شیوه های فرزند پروری فاطمه علیها السلام و فاطمیون

اشاره

ص: ۴۳

ایجاد انگیزه (۱)

وقتی سخن از سبک و سیره معصومین (علیهم) به میان می آید خواه یا ناخواه یک بعد بحث در تاریخ سیر کرده و بعد دیگر در زندگی هر کدام از ما پی گرفته خواهد شد. نتیجه مباحث ارائه شده باید در مسیر عادی زندگی ما جریان و سریان یابد و الا زندگی ما همان زندگی عالم بی عمل خواهد بود که شهادش به مذاق هیچ کسی خوش نخواهد آمد.

سخن ما پیرامون همین موضوع است، موضوعی که توجه به آن از ملزومات زندگی مؤمنان بلکه تمامی انسان هاست و در پرتو آن است که انسان به سعادت مطلوب نائل می آید. با بررسی سبک و سیره اهل بیت می توان دید که این امر با دقت خاص و ویژه ای مورد بررسی قرار گرفته و آثار و نتایج مثبت پیامدهای منفی بی توجهی به آن را با ظرافت بیان داشته است.

سخن از موضوعی است که امام علی علیه السلام در سخنی کوتاه و در عین حال عمیق و ظریف، آن را میراثی بی مانند تلقی نموده اند (۲)؛

ص: ۴۵

۱- ایجاد انگیزه به روش تعریف از موضوع و مطلب.

۲- شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۶، ص: ۳۵۳.

و در کلامی دل نشین، این گنج را «گران بهاترین چیزی که پدران برای فرزندانشان به ارث می گذارند،(۱)» معرفی نموده اند.

همچنین حضرت در حدیثی دیگر ثمره این مبحث کلیدی را پرورش فرزند صالح و پیامد بی توجهی به این امر خطیر را «رشد یافتن فرزند ناصالح» برشمرده و برای هریک از این دو، نتایج مثبت و منفی بیان نموده اند. از دیدگاه آن حضرت فرزند صالح مایه انس و آرامش والدین است لذا می فرماید: «انس و آرامش در سه چیز است که یکی از آن ها فرزند صالح است(۲)».

پس سخن ما نتیجه اش اگر در زندگی انسان ها پیاده گردد آرامش در زندگی خواهد بود همان که گمشده زندگی بشر امروز است.

دری که امروز ما بر آن می کوبیم هم خودش از اهمیت برخوردار است و هم نتایج آن برای شرافت آبروی ما انسان ها از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از نتایج عدم وجود این گوهر گران بها پرورش فرزند ناصالح است که به تصریح امیر مؤمنان علی علیه السلام مایه نابودی شرف و بلندی مرتبه پدران خود و عیناک کننده پیشینیان خود است(۳) و در کلامی دیگر از فرزند ناصالح به آلوده کننده پیشینیان خود و فاسد کننده اولاد و بازماندگان یاد می کنند(۴).

فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم نموده و گوهر بندگی و انسانیت خویش را از دست می دهد که گاهی ممکن است پدر صالح و شایسته را به انسانی ناصالح مبدل گرداند؛ علی علیه السلام درباره زبیر فرمود: «پیوسته زبیر مردی از ما اهل بیت علیهم السلام بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد و او را از ما جدا کرد(۵)».

ص: ۴۶

-
- ۱- شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۶، ص: ۳۵۳؛ خیرماورث الآباء الأبناء الادب.
 - ۲- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص: ۴۰۵.
 - ۳- وَلَدُ السَّوْءِ يَهْدِمُ الشَّرْفَ وَيَشِينُ السَّلْفَ ؛ غررالحکم و درر الکلم، ص: ۷۲۵.
 - ۴- وَلَدُ السَّوْءِ يَعْرِ السَّلْفَ وَيُفْسِدُ الْخَلْفَ ؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص: ۲۱۵.
 - ۵- الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص: ۳۹۶؛ مازال الزبیر رجلاً منّا اهل البيت حتى نشاء ابنه المشؤوم عبدالله.

سخن از گنجی گران بها، کلیدی طلایی وارثی قابل توجه است صحبت از تربیت و ادب است که بودش لازم و نبودش مغل زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست.

با توجه به مباحث گران سنگ امیر مؤمنان، اهمیت و ضرورت دارد با شیوه های تربیت آشنا شویم؛ اما چگونه و با چه شیوه ای فرزندان را تربیت کنیم که در آینده مایه چشم روشنی ما باشد؟ سبک و سیره فرزند پروری اهل بیت (علیهم) چگونه است؟ در این مجال به مهم ترین شیوه های تربیت فرزند در سبک و سیره اهل بیت به ویژه مادر همه اهل بیت حضرت زهرا علیها السلام می پردازیم:

اقناع اندیشه و تحریک احساس

اشاره

مهم ترین شیوه های تربیت فرزند:

۱. شیوه اظهار محبت

اشاره

محبت داروی شفابخش دردها و بهترین راه حل مشکلات و ناسازگاری های تربیتی است. محبت بجا، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله ای کارآمد و مؤثر است. انسان ها، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند؛ اما کودکان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه محبت اند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی کنند درحالی که محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد.

محبت رفتار نابجا و ناقص فرزندان را اصلاح می کند و ناسازگاری و پرخاشگری نابجایشان را داروی محبت از میان می برد. آری، با محبت می توان بسیاری از گره ها را گشود.

ص: ۴۷

از محبت دُردها صافی شود

وز محبت دَردها شافی شود

از محبت خارها گل می شود

وز محبت سرکه ها مل می شود(۱)

پیامبر اسلام نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» کلمه «بضعه» در زبان عربی به لخته خون واقع در جگر انسان می گویند، در واقع معنی این عبارت این است که فاطمه جگر من است و کلمه «مِنِّي» در زبان عرب یک نوع کلمه عاشقانه تلقی می شود، این در حالی است که مترجمان آن را این گونه معنا کرده اند که فاطمه پاره تن من است، درحالی که این معنا بسیار کلی است. این کلمات و عبارات سرشار از محبت و عشقی است که پیامبر صل الله علیه و آله و سلم نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) خود به کار می بردند.

نقل شده که حضرت زهرا علیهاالسلام فرزندان خود را به بازی و مسابقه تشویق می کرد و گاهی با آنان به بازی مشغول می شد و با حرکت ها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود، آنان را از احساسات پاک مادری سیراب می نمود(۲).

عبیدالله بن عتبه چنین می گوید: «كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عِذَا دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَصْغَرَ فَدَعَاهُ الْحُسَيْنُ وَضَمَّهُ إِلَيْهِ ضَمًّا وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَتِ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ(۳)؛ نزد حسین بن علی علیه السلام بودم که علی بن حسین علیه السلام وارد

ص: ۴۸

۱- . مولوی.

۲- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، ص: ۱۷۸ اصفهان، مرکز فرهنگی رزمندگان اصفهان.

۳- . کفایه الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص: ۲۳۴.

شد. ایشان فرزندش را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی!»

راه های تقویت عواطف در خانواده

الف) گفت و گوهای محبت آمیز

یکی از راه های استحکام بنیان خانواده توجه به ارتباط کلامی است. اگر در خانواده ای مرد یا زن با عبارات زیبا و دلپذیر همسرش را صدا کند، علاوه بر اینکه به فرزندان چگونه سخن گفتن را می آموزد، در قلب او جایگاه ویژه ای خواهد یافت. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ» (۱)

زیبا سخن بگویند تا سخن زیبا بشنویند.»

رسول گرامی اسلام با توجه به این نکته فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ «إِنِّي أُحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (۲) مردی که به زنش بگوید: من ترا دوست دارم، (اثر این سخن) هرگز از دل زن بیرون نمی رود.»

ب) صدا کردن با بهترین نام

بهترین شاهد این بخش از کلام نحوه صدا زدن اهل بیت (علیهم السلام) در حدیث شریف کساء است حضرت زهرا علیها السلام از کلمات «یا ولدی و یا قره عینی و ثمره فوادی» استفاده نموده اند.

ص: ۴۹

۱- غررالحکم، ص: ۴۳۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳، الکافی، ج ۵، ص: ۵۶۹.

سلام با لحنی عاطفی، کینه ها را از بین برده، روحیه ها را تقویت کرده و دل ها را به هم نزدیک می نماید.

د) تقویت محبت علی علیه السلام

در مورد نقش سازنده و الفت آفرین عشق اهل بیت (علیهم السلام) در میان انسان ها، در زیارت جامعه کبیره چنین می خوانیم: «بِمَوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمَوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ؛ خداوند به سبب دوستی شما نشانه های دینمان را به ما آموخت و آنچه از دنیایمان تباہ شده بود اصلاح کرد و به سبب موالات و دوستی شما تفرقه ها به همدلی گرائید.»

۲. شیوه تکریم شخصیت و احترام

کودک و نوجوان هر چند به رشد اجتماعی و عقلانی کافی نرسیده است؛ اما برای خود احترام قایل است. بدین جهت رفتار احترام آمیز والدین و مربیان نقش مؤثری در تربیت و رشد او دارد. از سوی دیگر، تحقیر و سرزنش زیاد فرزند، آتش لجاجت و دشمنی را در او شعله ور می سازد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَأَمَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ (۱)؛ زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می کند.»

در حدیثی دیگر می فرماید: «عقاب و تندی زیاد نداشته باشید؛

ص: ۵۰

زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را به سوی دشمنی فرا می خواند(۱)».

«روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام در حالی که امام حسن علیه السلام و سلمان همراهش بودند وارد مسجدالحرام شد و نشستند. در این هنگام، مردی با چهره و لباس زیبا وارد شد و به حضرت سلام کرد، مقابل وی نشست و گفت: ای امیرمؤمنان! از تو درباره سه مسئله می پرسم؟

حضرت فرمود: پرس.

عرض کرد: وقتی انسان می خوابد، روحش کجا می رود؟ چگونه انسان به یاد می آورد و فراموش می کند؟ و چگونه فرزند انسان به عمه ها و خاله هایش شباهت پیدا می کند؟

حضرت به امام حسن علیه السلام فرمود: ای ابامحمد! جوابش را بده؛ و ایشان پاسخ پرسش ها را به تفصیل بیان کرد(۲).

۳. شیوه به کارگیری تنبیه

همچنان که تشویق در سیره امام علی علیه السلام روشی کارآمد است، حضرت از روش تنبیه نیز در مواردی استفاده می فرمود. البته فرزندان تربیت یافته علی علیه السلام به ویژه دو فرزند معصومش حسن و حسین (علیهما السلام) به تنبیه نیاز نداشتند.

اما در مواردی که مسئله ای بسیار مورد اهتمام علی علیه السلام بوده و فرزندان آن حضرت ترک اولی انجام می دادند، آن حضرت موضعی سخت گیرانه و انعطاف ناپذیر داشته اند.

علی بن ابی رافع می گوید: من خزانه دار و کاتب بیت المال در

ص: ۵۱

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص: ۵۴۶

۲- احتجاج طبرسی، ج ۱؛ صص: ۳۹۶، ۳۹۸

حکومت علی علیه السلام بودم، در بیت المال علی گردنبندی بود که در جنگ بصره به دست آمد، دختر علی علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و گفت: شنیدم که در بیت المال امیرالمؤمنین گردنبند مروارید وجود دارد و آن در اختیار شماست و من دوست دارم که آن را به عنوان عاریه به من بدهی تا در ایام عید قربان خود را با آن زینت دهم. من به او پیغام دادم که آیا آن را به شکل عاریه مضمونه مردوده به تو دهم؟ عرض کرد بلی. به مدت سه روز آن را به او دادم.

علی علیه السلام گردنبند را بر گردن دخترش دید و آن را شناخت، از او پرسید: این گردنبند چگونه به تو رسید؟ گفت: آن را از علی بن ابی رافع خزانه دار بیت المال امیرالمؤمنین عاریه گرفتم تا در ایام عید از آن استفاده نمایم و بعد آن را به بیت المال برمی گردانم.

علی علیه السلام به دنبال من فرستاد و من نزد او آمدم و ایشان خطاب به من فرمود: «ای ابن ابی رافع! آیا به مسلمین خیانت می کنی؟ من به او گفتم: به خدا پناه می برم از اینکه به مسلمین خیانت کنم.

فرمود: چگونه بدون اذن من و رضایت مسلمین به دختر امیرالمؤمنین عاریه داده ای؟

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! او دختر توست و از من خواست که عاریه ای به او بدهم و من هم به صورت عاریه مضمونه مردوده به او داده ام، من آن را از اموال خودم ضمانت کردم و بر من واجب است که سالم آن را به بیت المال برگردانم.

حضرت فرمود: همین امروز آن را برگردان و برحذر باش از اینکه دوباره چنین کنی که در آن صورت تو را عقوبت خواهم کرد.

سپس فرمود: اگر دخترم گردنبد را به صورت عاریه مضمونه مردوده نمی گرفت، نخستین فرد هاشمی بوده که دستش را به خاطر دزدی قطع می نمودم(۱)».

۴. شیوه به کارگیری تشویق

تشویق در تربیت بسیار مؤثر است. تشویق بجا و مناسب در فرزندان ایجاد انگیزه می کند و آنان را برای انجام کارهای بزرگ تر آماده می سازد.

چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، در نتیجه به شخصیت حقیقی و توانمندی های مثبت خویش پی نبرده، خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار آورند. از این رو والدین و مربیان باید ویژگی های مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند؛ موردستایش و تشویق قرار دهند.

در کتاب منتخب آثار امیرالمؤمنین علیه السلام چنین روایت شده است: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه واله نشسته بود و علی علیه السلام نزد او بود. در این هنگام، حسین علیه السلام که شش سال بیشتر نداشت. وارد شد. رسول خدا صلی الله علیه واله او را در آغوش گرفت و لب ها و میان چشمانش را بوسید. علی علیه السلام پرسید: آیا فرزندم حسین علیه السلام را دوست داری؟

فرمود: چگونه او را دوست نداشته باشم در حالی که او عضوی از اعضای من است.

سپس پرسید: یا رسول الله صلی الله علیه واله کدام یک از ما نزد تو عزیزتر است؟ من یا حسین؟

در این هنگام حسین علیه السلام فرمود: ای پدر هر که از حدیث شرف

ص: ۵۳

۱- . موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ، ج ۴، ص: ۲۱۴.

عالی تر است نزد نبی صلی الله علیه واله محبوب تر است و منزلت بیشتری دارد علی علیه السلام فرمود:

حسین! آیا بر من فخر می فروشی؟

عرض کرد: پدر، با اجازه شما آری.

آنگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام حدود هفتاد منقبت از مناقب خود را برشمرد و لب فروبست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله به امام حسین علیه السلام فرمود: شنیدی اباعبدالله؟ آنچه علی ذکر کرد، یک دهم از یک دهم فضایل و از هزار فضیلت او است و او از همه این ها بالاتر است.

امام حسین علیه السلام عرض کرد: حمد و ستایش خداوندی را سزااست که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش و تمام مخلوقاتش برتری بخشید. ای امیر مؤمنان! در آنچه بیان کردی صادق و امینی.

آنگاه نبی اکرم صلی الله علیه واله به امام حسین علیه السلام فرمود: اکنون تو فضیلت را بیان کن.

حسین علیه السلام فرمود: من حسین فرزند علی بن ابیطالب هستم. مادرم فاطمه زهرا سیده زنان جهان و جدم محمد مصطفی سرور تمام بنی آدم است. ای علی، مادرم نزد خدا و تمام مردم با فضیلت تر از مادر تو است و جد من نزد خدا و مردم از جد تو افضل است. جبرائیل و اسرافیل در گهواره با من هم سخن شدند. ای علی! شما نزد خداوند از من برتری؛ اما از نظر پدران و مادران و اجداد، من از شما مفتخرترم.

آنگاه امام حسین علیه السلام دست به گردن پدر افکند و او را بوسید و پدر فرزندش را می بوسید و می فرمود: خداوند بر شرف، عظمت،

افتخار، دانش و شکیبایی ات بیفزاید و ستمگران به تو را لعنت کند(۱).

این حدیث نشان می دهد حضرت علی علیه السلام شیرین کاری کودکش را با بوسیدن و در آغوش گرفتن وی پاسخ داد و تشویق کرد.

گریز و روضه

زکریا بن آدم می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم که حضرت جواد علیه السلام را نزد ما آوردند. او که حدود چهارساله بود، دست ها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و به فکر فرورفت. امام رضا علیه السلام به او فرمود: جانم به فدایت باد، در چه موضوعی چنین اندیشه می کنی؟ فرمود: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه علیها السلام انجام داده اند. به خدا قسم، آن ها را از قبر بیرون می آورم، می سوزانم و خاکسترشان را به دریا می ریزم. امام رضا علیه السلام او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد، تو برای امامت شایستگی داری(۲).

چون فاطمه مظهر صفات یکتاست

انوار خدا ز روی زهرا پیدااست

همتای علی و در جهان بی همتا

زهراست محمّد و محمّد زهراست

به روز حشر در دل های محزون

شود هول قیامت هر دم افزون

رسد چون نوبت عفو و شفاعت

ص: ۵۵

۱- . حلیه الا براز: ج ۲، ص: ۱۲۳.

۲- . دلائل الامامه؛ ص: ۴۰۰ ح ۱۸.

رسول خدا صلی الله علیه واله به دختر دلبندهش بسیار علاقه داشت و آن چنان مورد محبت قرار می داد که موجب شگفتی دیگران می شد؛ چرا که فاطمه علیها السلام خلاصه وجود پیامبر صلی الله علیه واله ، نسیم آرام بخش پدر، ریحانه بهشتی، یادگار خدیجه، بود. وقتی به پیامبر صلی الله علیه واله گفته شد: شما فاطمه را در آغوش می گیری، بسیار می بوسی و این همه عطوفت و مهربانی برایش ابراز می داری؟ رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود: «من بوی بهشت را از وجود او استشمام می کنم.»

رسول خدا صلی الله علیه واله همواره به حضرت زهرا علیها السلام می فرمود: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ (۲)؛

فاطمه جان! به راستی که خدای تبارک و تعالی به خاطر خشم تو خشم می گیرد و به خاطر خشنودی تو خشنود می شود.»

اما با این شخصیت چه کردند که حضرت علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد؟ امام حسین علیه السلام می فرماید: وقتی حضرت فاطمه علیها السلام قبض روح شد، امیرالمؤمنین مخفیانه دفنش کرد و موضع قبرش را محو نمود، سپس برخاست و صورتش را به طرف قبر رسول خدا برگرداند و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ (۳)؛

ص: ۵۶

۱- . حاج حبیب الله چایچیان.

۲- . الأملی للصدوق، النص، ص: ۳۸۴.

۳- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص: ۴۵۹.

یا رسول الله! سلام من و سلام دخترت فاطمه بر تو باد، همان دخترت که به زیارت تو آمده و در بقعه تو خوابیده و خدا خواست به سرعت به تو ملحق شود.»

یا رسول الله! از فراق دختر برگزیده تو صبر و شکیبایی من قلیل و اندک شده است، قدرت من از دوری بزرگ ترین زنان؛ یعنی فاطمه اطهر ضعیف گردید؛ ... و می گویم: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

«قَدِ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذَتِ الرَّهِيْنَةَ وَ أُخْلِصَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَ الْعَبْرَاءُ؛ آن امانتی را که به من دادی، پس گرفته شد! سپرده باز گرفته شد! فاطمه زهرا را بردی یا رسول الله! چقدر این آسمان سبز و زمین غبارآلود در نظر من تیره و تار است!

غم و اندوه من همیشگی گردیده! شب من با بی خوابی می گذرد! این غم از قلب من خارج نمی شود تا آن موقعی که خدا مرا در آن خانه ای که تو در آن هستی وارد نماید! در دلم دردی است که آن را جریحه دار می کند و هم غمی است تحریک کننده! چه زود بود که بین ما جدایی افتاد! من درد دل خود را برای خدا می گویم.

وَ سَيُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتِخْبِرْهَا الْحَالَ؛ دخترت به زودی تو را از اینکه امت تو متحد شدند و حق او را

پایمال نمودند، آگاه خواهد کرد! جریان را از فاطمه ات جویا شو و شرح حال را از وی بخواه!

فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَىٰ بَيْتِهِ سَبِيلًا وَ سَيَتَقُولُ؛ چه غم و غصه هایی که در دل او جایگزین شدند و نمی توانست برای کسی درد دل کند. وی همه آن ها را برای تو خواهد گفت.»

آنکه قدش، فلک از غصه دو تا کرد، منم

آنکه با قامت خم، ناله به پا کرد، منم

آنکه بین در و دیوار، ز بی یاری خویش

فضه را از پی امداد صدا کرد، منم

آنکه از سوز دل خویش، به ایام شباب

طلب مرگ ز درگاه خدا کرد، منم!

ص: ۵۸



۱. ایجاد انگیزه به روش تعریف از موضوع و مطلب.
۲. شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۶، ص: ۳۵۳.
۳. شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۶، ص: ۳۵۳؛ خیرماورث الآباء الأبناء الادب.
۴. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص: ۴۰۵.
۵. وَلَدُ السَّوِّءِ يَهْدِي السَّرْفَ وَيَبْسِي السَّلْفَ؛ غررالحکم و درر الکلم، ص: ۷۲۵.
۶. وَلَدُ السَّوِّءِ يَعْزُّ السَّلْفَ وَيُقْسِدُ الْخَلْفَ؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص: ۲۱۵.
۷. الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص: ۳۹۶؛ مازال الزبير رجلاً ممناً اهل البيت حتى نشاء ابنه المشؤوم عبدالله.
۸. مولوی.
۹. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، ص: ۱۷۸ اصفهان، مرکز فرهنگی رزمندگان اصفهان.
۱۰. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص: ۲۳۴.
۱۱. غررالحکم، ص: ۴۳۶.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳، الکافی، ج ۵، ص: ۵۶۹.
۱۳. غررالحکم و درر الکلم، ص: ۹۴.
۱۴. میزان الحکمة، ج ۸، ص: ۵۴۶.
۱۵. احتجاج طبرسی، ج ۱؛ صص: ۳۹۶، ۳۹۸.
۱۶. موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۴، ص: ۲۱۴.
۱۷. حلیة الابراز، ج ۲، ص: ۱۲۳.
۱۸. دلائل الامامه؛ ص: ۴۰۰ ح ۱۸.
۱۹. حاج حبیب الله چایچیان.
۲۰. الأمالی للصدوق، النص، ص: ۳۸۴.
۲۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۵۹.

فصل چهارم: محوریت قرآن در زندگی فاطمه علیها السلام و فاطمیان

اشاره

ص: ۶۱

ایجاد انگیزه (۱)

با تحلیل گفتار و کلام های افراد به اطلاعات زیادی درباره آن ها می توان دست یافت. استفاده از عبارت های دقیق و تعابیر زیبا و جمله بندی های ادبی و استنادات کلامی مناسب و بهره گیری به جا از منابع معتبر از شاخصه های ارزشی، سخن و گفتار افراد می باشد. برای شناخت حضرت زهرا علیها السلام نیز می توان از این ملاک و معیار مدد گرفت و با تحلیل و بررسی برخی از سخنان ایشان، اطلاعاتی از آن حضرت به دست آورد.

خطبه فدکیه از جمله خطبه های مشهوری است که علمای شیعه و اهل سنت با سندهای معتبر از صدیقه کبری علیها السلام روایت کرده اند. در این خطبه کوتاه و فشرده، دنیایی از معارف ناب نهفته است و عمده مطالبی که در نهج البلاغه آمده است، در آن یافت می شود. به عبارتی دیگر، خطبه فدکیه، نهج البلاغه ای کوچک است.

حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه تقریباً به بیست آیه از قرآن استناد

ص: ۶۳

نموده است. آن حضرت با استشهاد به آیات قرآن و به کار بردن تعبیر و حیانی، مقصود خود را به حاضران رساند و توانست داعیه داران وقت را رسوا نماید.

همچنین آن حضرت در خطابه ای که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد فرمودند، ده آیه از قرآن را تلاوت فرمودند. علاوه بر آن صدیقه طاهره علیها السلام گاه در دفاع از ولایت علی علیه السلام و زمانی ضمن مواعظ و یا در بیان حالات خویش به آیات الهی استناد جسته اند.

بنابراین یکی از شاخصه های حضرت زهرا علیها السلام حضور قرآن در زندگی ایشان و انس آن بزرگوار با قرآن کریم و تسلط ایشان بر آیات و معارف بلند آن می باشد؛ اما ما چه مقدار با این کتاب آسمانی انس داریم؟ حضور قرآن در زندگی ما چگونه است؟ آیا قرآن کریم در برنامه ها و فعالیت های ما، محور می باشد و یا اینکه همچون برخی از روشنفکر مآبان، کلام و سخنان بعضی از دانشمندان غربی را شاخص فعالیت های خود قرار داده ایم؟

*اقناع اندشه و تحریک احساس

مهوریت قرآن در زندگی ما:

امروزه اگر در رفتارهای فردی و اجتماعی امت اسلامی دقت کنیم، با کمال تأسف می بینیم، بینش امت اسلامی از بینش الهی و معنوی فاصله گرفته و سمت وسوی گرایش ها و عواطف آن ها نیز رنگ خدایی ندارد و رفتارهای آنان نیز بر اساس تقوا، کرامت انسانی و بندگی خداوند متعال شکل نمی گیرد. امروزه

دادرسی از مظلومان عالم و دستگیری از نیازمندان واقعی و ترحم بر ضعیفان عالم بسیار کم است و مبارزه با مستکبران و تجاوزکاران و دفاع در برابر هجمه های فرهنگی دشمنان، از آن کمرنگ تر می باشد. با بررسی جزئی به این می رسیم که راز اصلی آن «مهجوریت قرآن کریم» در بین مسلمانان است. به تعبیر دیگر حضور قرآن در زندگی آنان کمرنگ شده و هر اندازه که فاصله آنان از قرآن و آموزه های آسمانی آن بیشتر شود، از ارزش های انسانی و الهی دور می شوند و در چنین جامعه ای زندگی کردن بسیار مشکل می شود.

مهجوریت قرآن پیامدهای ناگواری برای جامعه به همراه دارد، متروک شدن شریعت، رواج منکرات، گسسته شدن رشته اتحاد و برادری در جامعه، جدا شدن مردم از فرهنگ قرآن، رانده شدن نیروهای مذهبی از صحنه اجتماع، پنهان شدن حق و آشکار شدن باطل، دروغ بستن به خدا و پیامبر، استفاده ابزاری از قرآن برای اثبات دعاوی خویش، توجه مردم به نقش و نگار و قرائت های زیبا و عدم راه یابی قرآن به زندگی روزانه مردم از پیامدهای مهم آن است.

همین مهجوریت قرآن است که باعث شده بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان با داشتن عظیم ترین سرمایه های مادی و معنوی در بدترین و ذلت بارترین شرایط روزگار بگذرانند و قدرت های استکباری بر جان و مال و ناموس آن ها مسلط باشند.

در هیچ کجای قرآن کریم نیامده که پیامبر از امت خود گلاویه کرده باشد، مگر در یک مورد آن هم در مورد قرآن کریم است. در آیه سی سوره «فرقان» می خوانیم: پیامبر به پیشگاه خدا عرضه داشت:

«يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ پروردگارا! این قوم من، قرآن را ترک گفتند و از آن دوری جستند!»

در اصطلاح دینی، مهجوریت قرآن به معنای دور شدن دل و عمل انسان از قرآن و ترک تلاوت آن می باشد. (۱)

از این رو ضروری است تا نسبت به نقش و تأثیر قرآن در زندگی بیشتر آشنا شویم و همواره این مطالب را مرور کنیم.

نقش قرآن در زندگی ما

اشاره

نقش قرآن در زندگی انسان در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی قابل دقت و بررسی است که به طور مختصر به بعضی از آن ها اشاره می شود:

۱. قرآن کانال ارتباطی عبد با معبود

انسان نیازمند ارتباط مستقیم با آفریننده خود است. این ارتباط اگرچه از طریق مناجات و رازگویی درونی و قلبی انجام می گیرد؛ اما دسترسی به کلمات خود خداوند، بسیار لذت بخش و اطمینان آور است. چراکه مناجات، ارتباط بنده با معبود است و قرآن ارتباط معبود با بنده؛ بنابراین اگر می خواهید خدا با شما سخن بگوید، قرآن بخوانید و اگر شما می خواهید با خدا صحبت نمایید، با مناجات امکان پذیر است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند: «حکایت قرآن و مردم حکایت زمین و

ص: ۶۶

۱- . المفردات فی غریب القرآن، ص: ۸۳۳.

باران است. در حالی که زمین مرده و خشکیده است ناگاه خداوند بر آن باران می فرستد و زمین تکان می خورد، سپس باران های تند را فرو می ریزاند و زمین تکان دیگری می خورد و رشد می کند، آنگاه پشت سر هم نهرها را از دره ها جاری می سازد تا آنکه زمین می روید و گیاهان بالیدن می گیرد و خداوند آنچه را مایه آراستگی زمین و خوراک مردم و حیوانات است از دل آن بیرون می آورد. قرآن نیز مردمی را که آن را بپذیرند چنین می کند. (۱)»

کسی که با آفریدگار هستی و خالق همه مخلوقات، مانوس و هم کلام شود، دیگر احساس قربت و تنهایی به او دست نمی دهد و خداوند متعال نیز به یاد او می باشد. از این رو خداوند او را از خطرهای می رهاند. خطر معصیت و یا خطرهای دیگر که کمتر از خطر معصیت نیستند. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (۲)»

حضرت زهرا علیها السلام با آیات قرآن مانوس است و خداوند نیز در آیاتی برخی از فضایل آن حضرت را یادآوری می کند. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ»؛ «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (۳)

فضه خادمه حضرت زهرا علیها السلام نیز با قرآن انس داشته، در برخی از منابع تاریخی نقل شده، فضه حدود بیست سال غیر از قرآن سخن دیگری نگفت و اگر کسی چیزی از وی می پرسید، با آیات قرآن پاسخ می داد. (۴)

سیده نفیسه دختر حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام، از زنان کمیاب عصر و زمان خود بود. او سی مرتبه با پای پیاده

ص: ۶۷

۱- . کنز العمال، ح ۲۴۵۷ و میزان الحکمه، ج ۱۰، ص: ۳۳۴.

۲- . بقره/۱۵۲.

۳- . انسان/۸.

۴- . بحار الأنوار، ج ۴۳، ص: ۸۷.

به حج مشرف شد. زینب برادرزاده سیده نفیسه می گوید: «چهل سال عمه ام را خدمت می کردم. در این مدت ندیدم شبی را بخوابد یا روزی را افطار نماید.»

سیده نفیسه در خانه خود قبری کنده بود و پیوسته در جوار آن مشغول عبادت و یاد خدا بود. می گویند هزاران مرتبه قرآن را در این قبر ختم نمود. تا اینکه نهایتاً باحالت روزه و در حال زمزمه آیه مبارکه زیر از دنیا رفت.

«لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ (۱)؛ برای آن ها در نزد پروردگارشان، خانه آرامش است.»

شوهر سیده نفیسه به نام اسحاق مؤتمن از فرزندان امام صادق علیه السلام است. او خواست جنازه همسرش را به مدینه ببرد؛ اما مردم مصر تقاضا کردند تا در مصر دفن شود و او قبول نکرد. تا اینکه شب پیامبر صلی الله علیه واله را در خواب دید که فرمود: «با اهل مصر در مورد دفن نفیسه مخالفت مکن که خداوند به برکت او رحمت را بر مردم مصر نازل می فرماید.» (۲)

آری کسی که به یاد خدا باشد، خدا نیز چنین به یاد او خواهد بود.

۲. قرآن دریچه ای رو به سوی معرفت

انسان در تکاپو و جست و جوی آگاهی های صحیح و معارف بلند و پرمعنا است. البته با استفاده از تجربیات بشری و تلاش های علمی، به بسیاری از آگاهی ها می توان دست یافت؛ اما برای اطمینان به درستی یافته های خود و آگاهی به آنچه برای

ص: ۶۸

۱- . انعام / ۱۲۷.

۲- . وفيات الاعیان، ج ۵، ص: ۵۶.

او دست نیافتنی است، نیاز به یک منبع اصیل و غنی بسیار محسوس است، چنان که از زبان امام خمینی (ره) گفته شده است: «اگر قرآن نبود، درهای معرفت بر ما بسته بود».

خداوند متعال درباره قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ(۱)؛ برای هدایت مؤمنان و بخشایش به ایشان، کتابی آوردیم که در آن هر چیز را از روی دانش به تفصیل بیان کرده ایم»

از این رو، یکی از اوصاف قرآن کریم «المُفَصَّلُ» است به معنای توضیح دهنده و روشن کننده است.

قرآن مجید در آگاهی دادن جایگاه ممتازی دارد. تعریفی که قرآن از انسان دارد «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً(۲)» و تعریفی که قرآن از خداوند ارائه کرده است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ(۳)» همراه با بیان صفات جمال و جلال و تعریفی که از نظام هستی و حیات و شعور همگانی موجودات ارائه داده «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ(۴)»

یعنی در واقع اگر آیات قرآن کریم نبود، اطلاعات دقیقی درباره خلقت انسان و هدف از خلقت او و سرانجام او به دست نمی آمد. علاوه بر آن زندگی انسان بی هدف می شد؛ زیرا این مطالب، علوم و دانش هایی هستند که جز از طریق قرآن، برای بشر دست یافتنی نیستند.

ص: ۶۹

۱- اعراف/۵۲.

۲- بقره/۳۰.

۳- شوری/۱۱.

۴- رعد/۱۳.

حضرت زهرا در آخرین فراز از خطبه فدک، با دلی آکنده از غم، مردم را به تدبیر در قرآن فراخوانده، می فرماید: «ای مردم که شتابان به گفتار باطل روی آورده، کار زشت زیان بار را با دیده اغماض نگریسته، آن را پذیرفته اید!» أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا(۱)؛ آیا در قرآن اندیشه نمی کنند (نمی کنید) یا اینکه بر دل هایشان (دل هایتان) قفل است؟»

از جمله آگاهی هایی که جز از طریق قرآن راهی برای دریافت آن نیست، آگاهی درباره جهان پس از مرگ و جزئیات جهان آخرت است؛ زیرا هیچ کدام از افراد بشر، تجربه تکرار و رفت و آمد آن را ندارند و درک بشری، هیچ گونه سابقه ذهنی از آن ندارد. در حالی که در سوره «واقع»، «صافات»، «مرسلات» و... صحنه قیامت به تصویر کشیده شده است.

۳. قرآن کتاب واقع نما

نقش برجسته دیگر قرآن این است که از سابقه تاریخ بشر، خبرهای درست و مطابق واقع را نقل کرده و سرگذشت پیامبران و محتوای پیام آنان را بدون هر گونه تحریف و دسیسه بشری به انسان ها رسانده است. از این رو قرآن حتی بر پیروان تورات و انجیل، منت شایان توجهی دارد که چهره پیامبران بنی اسرائیل را به درستی معرفی کرده و حضرت موسی، عیسی، زکریا و... را آن گونه که بوده اند، به دور از هر گونه تهمت و توهینی شناسانده و دست تحریف گران و دسیسه گران را نقش بر آب ساخته

ص: ۷۰

است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «به تحقیق موسی را کتاب دادیم و از پی او پیامبران فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلیل‌های روشن عنایت کردیم و او را به روح القدس تأیید نمودیم.» (۱)

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «خدا به عیسی بن مریم گفت: نعمتی را که به تو و مادرت ارزانی داشته‌ام یاد کن، آن زمان که به روح القدس یاریت کردم تا تو چه در گهواره و چه در بزرگ‌سالی سخن‌گویی و به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم.» (۲)

در واقع متقن‌ترین تاریخ‌ها در کتاب قرآن آمده است و کسی نمی‌تواند کوچک‌ترین خدشه‌ای در مطالب تاریخی قرآن وارد کند.

۴. قرآن کتاب موعظه و اندرز

قرآن کریم پر از ارشاد و اندرز است. سوره لقمان و دیگر قصص قرآن، بیشتر جنبه پند و اندرز دارد. گرچه از این موعظه قرآن، فقط اهل تقوا و بهره‌مند می‌شوند. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۳)؛ ای مردم، برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان»

ص: ۷۱

۱- . بقره/۸۷.

۲- . مائده/۱۱۰.

۳- . یونس/۵۷.

موعظه و پند و اندرز سبب زنده شدن و صیقل جان‌ها و کنار رفتن پرده غفلت از سراچه دل است.

امام علی علیه السلام درباره قرآن می‌فرماید: «آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. بدانید کسی با قرآن نشست جز آنکه پس از برخاستن با فزونی یا کاستی برخاست: فزونی در راه یابی و کاستی در کوری (و گمراهی). بدانید که هیچ کس پس از داشتن قرآن فقر (معنوی) ندارد و برای هیچ کس پیش از آن، غنا و توانگری (معنوی) نیست؛ پس شفای دردهای خود را از آن بخواهید و در سختی‌های خود از آن یاری جوید، که در آن شفای بزرگ‌ترین درد، یعنی کفر و نفاق و گمراهی است»^(۱).

نقل شده زبیده همسر هارون الرشید قرآنی بسیار گران‌قیمت داشت که آن را با زروزیور و جواهرات تزیین کرده بود و علاقه فراوانی به آن داشت. یک روز هنگامی که از همان قرآن تلاوت می‌کرد به آیه «لَنْ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^(۲) رسید، با خواندن آیه در فکر فرو رفت و با خود گفت هیچ چیز مثل این قرآن نزد من محبوب نیست و باید آن را در راه خدا انفاق کنم. کسی را به دنبال جواهرفروشان فرستاد و تزیینات و جواهرات آن را بفروخت و بهای آن را در بیابان‌های حجاز برای

ص: ۷۲

۱- نهج البلاغه، خ ۱۷۶.

۲- آل عمران/۹۲.

تهیه آب موردنیاز بادیه نشینان مصرف کرد که می گویند: امروز هم بقایای آن چاه ها وجود دارد و به نام او نامیده می شود. (۱)

همچنین نقل شده یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه واله به نام «ابوطلحه انصاری» در مدینه نخلستان و باغی داشت بسیار مصفا و زیبا، که همه در مدینه از آن سخن می گفتند، در آن چشمه آب صافی بود که هر موقع پیامبر صلی الله علیه واله به آن باغ می رفت از آن آب میل می کرد و وضو می ساخت و علاوه بر همه این ها آن باغ درآمد خوبی برای «ابوطلحه» داشت، پس از نزول آیه «لَنْ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ» به خدمت پیامبر صلی الله علیه واله آمد و عرض کرد: می دانی که محبوب ترین اموال من همین باغ است و من می خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم تا ذخیره ای برای رستاخیز من باشد، پیامبر ص فرمود: «بخ بخ ذلک مال رابح لک؛ آفرین بر تو، آفرین بر تو، این ثروتی است که برای تو سودمند خواهد بود» سپس فرمود: «من صلاح می دانم که آن را به خویشاوندان نیازمند خود بدهی»

ابو طلحه دستور پیامبر صلی الله علیه واله را عمل کرد و آن را در میان بستگان خود تقسیم کرد. (۲)

گریز و روضه

شکایت پیامبر صلی الله علیه واله ، از مهجوریت قرآن، امروز نیز همچنان در میان مسلمانان ادامه دارد و اگر قرآن در زندگی مسلمانان مهجور نبود و به آیات آن عمل می کردند، چنین نبود که نسبت به ذریه و ذوی القربی پیامبر صلی الله علیه واله بی احترامی کنند؛ زیرا خداوند در قرآن می فرماید: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۳)»

ص: ۷۳

۱- . تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴.

۳- . شوری/۲۳.

یعنی مردم مودت نسبت به اهل بیت را فراموش نکنید ... عرض می کنم: ای رسول خدا! نبودی ببینی اهل مدینه مودت را چگونه معنا کردند.

شد تو را مزد رسالت با ذوالقربی مودت

بی تو چون گویم که امت با ذوالقربی چه کرده؟

دخترت را دسته جمعی می زدند اهل سقیفه

یک نفر آنجا نگفت آخ_____ر مگر زهرا چه کرده؟

دیدن این صحنه ها در کودکی بعد از پیمبر

با دل پاک حسین و زینب ک_____بری چه کرده؟

با دل مهدی امید شیعه در عالم خ_____دایا

قصه قبر نهان مادرش زه_____را چه کرده؟

اما چرا باید یادگار پیغمبر زمان، مکان و محل دفنش مخفی باشد؟! در نقل آمده است امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید، آمدم کنار زهراى مرضیه علیها السلام . امام حسن، امام حسین، زینب و ام کلثوم از اتاق بیرون رفتند، تعبیر این است: «أَخْرَجَ مَنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ»^(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «بچه ها بیرون بروید برای اینکه مادرتان زهرا می خواهد وصیت کند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام نشست کنار زهراى مرضیه «وَضَمَّ رَأْسَهَا عَلَى صَدْرِهِ» زهراى مرضیه شروع کرد به وصیت کردن، اولین مطلبی که گفت این بود علی جان! از من راضی هستی یا نه؟ اشک در

ص: ۷۴

۱- . روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۱، ص: ۱۵۱.

چشمان امیرالمؤمنین علیه السلام حلقه زد! علی فرمود: فاطمه جان! تو حتی یک بار مرا ناراحت نکردی. «فَوَاللَّهِ... لَا أَغْضَبْتَنِي» به خدا قسم فاطمه یک بار ناراحتی مرا بر نیانگیخت. «لَا عَصَتْ لِي أَمْرًا؛ در هیچ امری با من مخالفت نکرد.»

اما علی جان سفارش هایی دارم، نخست اینکه مرا شب غسل بده، شب کفنم کن و شب بدنم را به خاک بسپار؟! مگذار آن دو نفر بر بدنم نماز بخوانند و در تشییع جنازه ام حاضر گردند. علی جان! وقتی بدنم را به خاک سپردی، زود از کنار قبرم برو؛ «اجلس عند رأسی» بالای سرم بنشین، برایم قرآن و دعا بخوان! (۱) لحظه نخست دفن و قرار گرفتن در قبر، لحظه ایست که انسان احتیاج به مونس دارد. چه مونسی بالاتر از امیر مؤمنان.

ابُكُنِي وَ ابْنِيكَ لِئَتِيَّامِي وَ لَمَاتَنَسَ قَتِيلَ الْعَدَى بِطَافِ الْعِرَاقِ؛ علی جان! برای من و یتیمانم اشک بریز و گریه کن! حسینم را فراموش نکن و از یاد میر!

پیراهن خود در غم من چاک مکن

جز نیمه شب جسم مرا خاک مکن

از فاطمه یادگار اگر می خواهی

خون های مرا ز روی در پاک مکن

علی جان!

مرا چو غسل، نیمه شب به پیش کودکان دهی

مبادا سینه مرا به زینم نشان دهی

ص: ۷۵

علی جان! مبادا بچه هایم تنها بمانند و احساس غربت کنند! یا بقیه الله! یا فاطمه الزهرا! شما سفارش کردید که کسی سر بچه هایت داد نزنند تا آن ها احساس غربت نکنند و آن ها تنها نمانند؛ اما نبودى کربلا تا بینى ناز دانه های حسینت را چگونه با تازیانه رو به روی بدن مقدس بابا می زدند. وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۱).

ص: ۷۶

۱- . شعراء / ۲۲۷.



۱. روش ابهام در موضوع.
۲. المفردات فی غریب القرآن، ص: ۸۳۳.
۳. کنز العمال، ح ۲۴۵۷ و میزان الحکمه، ج ۱۰، ص: ۳۳۴.
۴. بقره/۱۵۲.
۵. انسان/۸.
۶. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص: ۸۷.
۷. انعام/۱۲۷.
۸. وفيات الاعیان، ج ۵، ص: ۵۶.
۹. اعراف/۵۲.
۱۰. بقره/۳۰.
۱۱. شوری/۱۱.
۱۲. رعد/۱۳.
۱۳. محمد/۲۴.
۱۴. بقره/۸۷.
۱۵. مائده/۱۱۰.
۱۶. یونس/۵۷.
۱۷. نهج البلاغه، خ ۱۷۶.
۱۸. آل عمران/۹۲.
۱۹. تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴.
۲۰. تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۴.
۲۱. شوری/۲۳.
۲۲. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص: ۱۵۱.
۲۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص: ۳۳۹.
۲۴. شعراء/۲۲۷.

فصل پنجم: احترام به سادات در زندگی فاطمه علیها السلام و فاطمیان

اشاره

ص: ۷۹

هنگامی که فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام گرفتند، آن حضرت لباسی به تن کرده و چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود به سوی مسجد روانه شد، در حالی که چادرش به زمین کشیده می شد، بر حاضران وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده ای آویختند، آنگاه ناله ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد به جنبش درآمد. سپس لحظه ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و بر رسول خدا صلی الله علیه واله درود فرستاد، سپس این چنین خود را معرفی کردند: «من دختر آن پیامبرم که خداوند درباره اش فرمود: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ) (۲). اگر نسب او را بشناسید، می دانید که او فقط پدر من است نه (پدر) هیچ یک از زنان شما و اوست برادر امیرالمؤمنین

ص: ۸۱

۱- . روش ترفیق ابهام در موضوع و روش سؤالی.

۲- . توبه/ ۱۲۸.

علی علیه السلام نه (برادر) هیچ یک از مردان شما و چه خوب است منسوب بودن به آن حضرت که درود خداوندی بر او و خاندانش باد.»(۱)

در این فراز حضرت زهرا علیها السلام از انتسابش به پیامبر صلی الله علیه واله سخن گفته است و در فراز دیگری فرزندان و ذریه خویش را نیز منسوب به رسول خدا صلی الله علیه واله می شمارد و انصار و همگان را بر احترام به فرزندان سفارش کرده و فرموده است: «يَا مَعْشَرَ الْبَقِيَّةِ وَ يَا عِمَادَ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْفِتْرَةُ فِي حَقِّي وَ السُّنَّةُ عَنِ ظُلَامَتِي أَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص أَنْ يُحْفَظَ فِي وُلْدِهِ سِرِّعَانَ مَا أَخِيدْتُمْ وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالِهِ؛ أَيِ گُروه جوانمردان و ای بازوان دین و یاران اسلام! این چه چشم پوشی و سهل انگاری است که در حق من روا می دارید و نسبت به ظلمی که به من می شود در خواب غفلتید؟! آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه واله نمی فرمود: هر انسانی در فرزندان حفظ می شود؟ (یعنی اگر می خواهید جانب کسی را محترم بشمارید بعد از او به فرزندانش احترام کنید). چه زود این عمل را انجام دادید؟ دست مرا از فدک کوتاه نمودید؟ و برای امری که وقت آن نشده، شتابان شدید؟ ای گروه انصار! شما را قدرت و طاقت این هست که خواسته مرا برآورده کنید (و از حق من و فرزندانم دفاع نمایید)»(۲)

به نظر شما چرا باید نسبت به فرزندان و ذریه پیامبر صلی الله علیه واله و حضرت زهرا علیها السلام احترام گذاشت؟ مگر نه این است که در قرآن کریم آمده «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»(۳)

ص: ۸۲

۱- . کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص: ۴۹۰ و شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص: ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲- . همان.

۳- . حجرات/۱۳.

آیا بین سادات و غیر سادات تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

* اقناع اندیشه و تحریک احساس

فلسفه احترام به سادات

از نظر اسلام هیچ فرقی میان شاه و گدا و غنی و فقیر و قوی و ضعیف و زن و مرد و سیاه و سفید حتی میان پیغمبر و امام که معصوم اند و سایر مردم نیست و انسان ها هیچ امتیازی بر هم ندارند، مگر در جهت تقوا.

اسلام دینی است که به همه انسان ها احترام می گذارد، اما برای مسلمانان و مؤمنان احترام بیشتری قائل است و در میان مؤمنان، احترام به سادات را مورد سفارش و تأکید قرار داده است.

۱. ریشه اصلی احترام به سادات، آیه ای است در قرآن کریم که به موجب آن خدای تعالی به پیامبر صلی الله علیه و اله امر می کند به مردم بگوید با ذوالقربی و خویشاوندان وی دوستی و مودت نمایند. «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا - إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۱)

«القربی» در مرتبه اول و به طور مستقیم، اهل بیت و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله را شامل شده و در مراتب بعدی سادات را که فرزندان با واسطه حضرت زهرا علیها السلام بوده و نسب آنان به یکی از ائمه اطهار علیه السلام می رسد، نیز شامل می شود.

ص: ۸۳

۲. در روایات، سفارش های فراوانی درباره احترام و اکرام به سادات شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به فرزندان و ذریه فرزندان من احترام بگذارید و آن ها را مورد لطف و محبت خود قرار دهید. خوبانشان را به خاطر خداوند مورد احترام قرار داده و بدهایشان را به خاطر من پیغمبر که حقی بر گردن شما دارم اکرام کنید.» (۱)

حال ممکن است کسی پرسد، پیامبر صلی الله علیه و آله که پسر و نسلی نداشت. سادات فرزندان علی علیه السلام هستند و فاطمه علیها السلام هستند؛ بنابراین نباید آن ها را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داد!

برای پاسخ به این سؤال می توان به دلایل فراوانی از قرآن و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام استناد نمود.

آیه مباحله یکی از آن آیات است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۲)؛ هرگاه پس از دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آن ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.»

مفسران معتقدند که پیامبر به هنگام مباحله با مسیحیان نجران، علی علیه السلام، دخترش فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیه السلام را به

ص: ۸۴

۱- . جامع الأخبار، ص: ۱۴۰ «أَكْرَمُوا أَوْلَادِي الصَّالِحُونَ لِلَّهِ وَالطَّالِحُونَ لِي».

۲- . آل عمران/۶۱.

همراه برد. علی علیه السلام نفس رسول خدا، فاطمه مصداق «نساءنا» و حسنین مصداق «ابناءنا»

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «روزی به مجلس هارون الرشید خلیفه عباسی وارد شدم. هارون سؤال هایی کرد و من جواب دادم. هارون پرسید شما چگونه می گوید که پسر پیامبر در حالی که پیامبر نسل نداشت. او فقط دختر داشت و نسل انسان از پسر می ماند نه دختر. من در جواب سؤال هارون آیه ۸۴ سوره انعام را خواندم. خداوند می فرماید: وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا ... وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ ... وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را هدایت کردیم ... و از ذریه و نژاد او داود ... و زکریا و یحیی، عیسی و الیاس را که همگی از صالحان هستند، (هدایت کردیم)»

سپس به هارون گفتم: «ای هارون! پدر عیسی کیست؟ هارون گفت: عیسی پدر ندارد. گفتم: پس چطور عیسی از نسل ابراهیم به شمار رفته است؟! پس بدان که خداوند عیسی را از طریق مادرش مریم به نسل حضرت ابراهیم علیه السلام ملحق ساخته است. ما هم از طریق مادرمان حضرت فاطمه زهرا از نسل پیامبر اسلام به حساب می آییم.»^(۱)

فاطمه علیها السلام از پی امبر اکرم نقل کرده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ بَنِي أُمَّ عَصِيْبَةٍ يَنْتُمُونَ إِلَيْهَا إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ فَإِنَّهَا وَلِيَهُمْ وَأَنَّهَا عَصَبَتُهُمْ»^(۲)؛

ص: ۸۵

۱- تحف العقول، ص: ۴۰۵ و بحارالانوار، ج ۱۰، ص: ۲۴۲.

۲- بحارالانوار، ج ۲۳، ص: ۱۰۴.

همانا خ_داوند عزوجل ذریه هر یک از فرزندان مادری را سبب ارتباط و خ_ویشاوندی قرار داده که به وسیله آن ذریه به او منس_وب می شوند، مگر فرزندان فاطمه که م_ن_س_رپ_رست و خ_ویش_اون_د آن ها هست_م (و به م_ن منس_وب می شوند.)»

۳. افزون بر آیات و روایات از نظر عقلی و فطری نیز می توان برای احترام و تکریم سادات و ذریه زهرا علیها السلام عللی را یافت.

فطرت هر انسان عاقل و فهمیده ای می گوید هر کسی که به تو کمک نموده و در حق تو خدمتی انجام داده، او را و نزدیکان و فرزندان او را _ و لو به خاطر او _ دوست بدار و احترام نما.

احترام به خویشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام نیز از این باب است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله ما را از گمراهی و جهالت به نور هدایت رهنمایی کرده است و از این طریق سبب رهایی و نجات ما از دام ضلالت و بهار خوابی ها شده است. برای اینکه حرمت و موقعیت آن حضرت حفظ شود، به فرزندان او احترام می کنیم؛ زیرا آنان یادگاران او هستند. پس در حقیقت احترام گذاشتن به سادات، احترام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله است.

البته اگر کسی که منسوب به پیامبر است بد باشد به خود و جدش ظلم می کند؛ اما ما باید به گونه ای با او برخورد کنیم که او را به اشتباهش راهنمایی کنیم ولی از جهت نسبش او را احترام نماییم نه از جهت عملش.

علما و بزرگان دین نیز احترام فراوانی برای سادات قائل هستند.

۴. سیره علما نیز بر احترام به سادات بود.

یکی از شاگردان مرحوم آیت الله «میرزا احمد سیبویه» می گوید: از ویژگی های برجسته مرحوم سیبویه، احترام بی نظیری بود که نسبت به سادات داشت. هرگاه در منبر می نشست و سیدی وارد مجلس می شد از منبر پایین می آمد و دست سید را می بوسید و مجدداً بر منبر می نشست.

مرحوم سیبویه خود می گوید: «هرچه خداوند به من داده از برکت احترامی است که نسبت به سادات داشتم. به طوری که تا نزدیک سن ۹۰ سالگی خودم سوزن را نخ می کردم، بدون اینکه احتیاجی به عینک داشته باشم»^(۱)

۵. احترام به بزرگان دین و ذریه آن ها در میان همه ادیان گذشته نیز وجود داشته و دارد.

یکی از خصوصیات آیت الله ارباب این بود که جلوتر از سادات، مطلقاً راه نمی رفتند؛ حتی اگر کسانی عنوان شاگردی داشتند و سید بودند، حتماً باید آن سید جلو می رفت.

این عارف بزرگوار آن قدر برای سادات ارزش قائل بودند که به دستور ایشان، در مدرسه امام صادق علیه السلام (در چهارباغ)، انجمن سادات تشکیل شد و به سادات اعلام کردند که «اگر عمامه نگذاشته اید، لااقل دکمه سبزی به لباستان بگذارید، زیرا دیگران موظف اند که احترام سادات را داشته باشند.»

نقل شده: «بعد از واقعه کربلا روزی یزید از سفیر روم برای دیدن اسرا و سر مبارک امام حسین علیه السلام دعوت کرد. سفیر روم بعد از دیدن

ص: ۸۷

سر بریده، از یزید پرسید این سر کیست؟ گفت چه کار داری؟ سفیر گفت: می خواهم وقتی که به کشورم رفتم و قیصر روم اخبار اینجا را از من سؤال کرد بتوانم به طور کامل جواب دهم تا در شادی تو شریک شود.

یزید گفت: این سر حسین فرزند علی بن ابیطالب است، سفیر پرسید مادرش کیست؟ یزید گفت: فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه واله است. سفیر که در دین نصرانیت بود گفت: وای بر تو و بر دین تو، دین من بر دین تو بسیار برتری دارد، نژاد من با فاصله بسیار طولانی به حضرت داود علیه السلام می رسد؛ اما مسیحیان به خاطر این انتساب، خاک پای مرا به عنوان توتیا و تبرک می برند، ولی شما پسر پیغمبر خود را که تنها مادرش بین او و پیامبر واسطه است نه بیشتر، این گونه بی احترامی می کنید و می کشید ای یزید گوش کن تا «داستان حافر» را برای تو بگویم در جزیره ای واقع در دریای عمان در مسیر چین شهری عظیمی وجود دارد در آنجا کلیسایی است به نام «الحافر» که در محراب آن حُقه (ظرف مخصوصی) از طلای سرخ آویخته اند و در میان آن حقه، سمّ الاغی وجود دارد که می گویند سمّ الاغی است که عیسی علیه السلام بر آن سوار می شده است. علمای نصارا هر سال نزد آن می روند و آن را زیارت کرده و به گرد آن طواف می نمایند، ولی شما پسر پیغمبرتان را می کشید خدا برکت را از شما و چنین دینی بر دارد؟ یزید خشمگین شد دستور قتل او را صادر کرد سفیر گفت: شب گذشته پیامبر صلی الله علیه واله را در خواب دیدم که مرا به بهشت بشارت داد، همان دم قبول اسلام کرد، سر مقدس را به سینه اش چسبانید تا به شهادت رسید. (۱)

ص: ۸۸

۶. احترام به سادات، اختصاصی به شیعه ندارد، بلکه از اصول پذیرفته شده همه فرق اسلامی _ غیر از ناصبی ها _ است. حتی سنی ها و بزرگان آن ها هم این احترام را قائلند، در حالات عمر بن عبدالعزیز نوشته اند: روزی «عبدالله بن حسن مثنی» فرزند امام حسن علیه السلام _ که جوانی تازه سال بود و موهای سر مبارکش اطراف گوشش را فراگرفته بود _ بر «عمر بن عبدالعزیز» وارد شد. به مجرد ورود «عمر بن عبدالعزیز» از محل خویش برخاست و از وی استقبال نمود. حاضران که چنین توقعی از «عمر» نداشتند که در برابر چنان جوانی از جای برخیزد و از او استقبال نماید، وی را سرزنش کردند.

عمر بن عبدالعزیز گفت: از شخص موثقی شنیدم ... که رسول خدا صلی الله علیه واله می فرمود: به راستی که فاطمه پاره تن من است، آنکه وی را خرسند می سازد، مرا خرسند ساخته است؛ و من یقین دارم که هرگاه فاطمه علیها السلام زنده بود و این گونه برخورد مرا با فرزندش مشاهده می کرد، خوشحال می شد! (۱)

آثار و برکات احترام به سادات

در روایات، آثار و برکات فراوانی برای احترام و اکرام به سادات بیان شده است که به برخی از آن اشاره می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله فرمود: «إِنِّي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةٍ أَصْنَفٍ وَلَوْ جَاءُوا بِمِذْنُوبٍ أَهْلِ الدُّنْيَا رَجُلٌ نَصِيْرٌ ذُرِّيَّتِي وَ رَجُلٌ بَدَلَ مَالِهِ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الْمَضِيقِ وَ رَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَ بِالْقَلْبِ وَ رَجُلٌ يَسْعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ سُرِدُوا؛

ص: ۸۹

۱- فضائل الخمسه فی صحاح السنه، ج ۴، ص: ۵۲.

من روز قیامت چهار دسته را شفاعت می کنم، هرچند با گناه اهل دنیا به صحرای محشر حاضر شوند: آن که اولاد مرا یاری کند. آن که از اموالش به اولاد تنگدستم کمک کند. کسی که با زبان و قلب، آنان را دوست بدارد و آن که تلاش کند در انجام حوائج و نیازهای افرادی از ذریه ام که تبعید شده و یا رانده شده اند»^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه روز قیامت شود منادی فریاد می زند که ای گروه مردمان! خاموش باشید که همانا محمد صلی الله علیه و اله سخن می گوید. مردم خاموش می شوند؛ پیامبر حرکت می کند و می فرماید: ای گروه مردمان! هر کس برای او در پیش من دستی و منّتی و نیکی هست باید حرکت کند تا جبران کنم. می گویند چه دست و چه منّت و چه نیکی است برای ما بلکه تمام این ها برای خدا و رسولش بر تمام مردمان است. می فرماید: هر کس یکی از فرزندان مرا پناه داده، نیکی به او کرده، او را از برهنگی پوشیده، او را گرسنه بوده، سیر کرده باید حرکت کند تا جبران کنم. پس بلند می شوند مردمی که این کردار را انجام داده اند. پس ندا از پیشگاه خدای جلّ و علا می رسد که ای محمد! حیب من! پاداش آنان را به تو واگذار کردم در هر کجای بهشت که می خواهید

آنان را جای ده. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله ایشان را در منزلتی نزدیک به خودش جای می دهد. در آن جایی که از دیدار پیامبر و خاندانش صلی الله علیه و اله محجوب نمی مانند»^(۲)

امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «نگریستن به فرزندان ما عبادت است، راوی پرسید: نگاه به امامانی که از نسل شمایند یا نگاه به نسل

ص: ۹۰

۱- . کافی، ج ۴، ص: ۶۰.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص: ۳۳۳.

پیامبر صلی الله علیه و اله؟ آن حضرت فرمودند: بلکه نگاه به همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله عبادت است تا وقتی که از روش او جدا نشده و خود را به گناهان نیالوده باشند.»(۱)

بنابراین اگر کسی به ذریه حضرت زهرا علیها السلام و سادات احترام بگذارد، سود اصلی اش به خود او بر می گردد؛ زیرا هر کس به سادات احترام گذاشت رشد کرد و به سعادت رسید، حُر یکی از افرادی است که از این مسیر سعادت‌مند شد.

گریز و روضه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله در روایات متعددی بر احترام به سادات و ذریه خود تأکید داشت و ستر این درخواست پس از رحلت آن حضرت روشن شد. با اولاد آن حضرت معامله ای کردند که در تاریخ با نسل هیچ رهبر و پیشوایی نشده است. پس از رحلت، قرن ها سلسله سادات هیچ گونه تأمینی نداشتند، کشته می شدند، سرهای بریده ایشان را به عنوان ارمغان از شهری به شهری می بردند، آنان را مهر و موم ها در قعر زندان های تاریک شکنجه می دادند، مسموم می کردند.

بشار مکاری گوید: در کوفه به حضور امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم: قربانت گردم در راه می آمدم حادثه ای دیدم که غیرتم به جوش آمد و قلبم درد گرفت.

فرمود: بگو چه حادثه ای دیده ای؟

گفتم: یکی از مأمورین حکومت را دیدم که بر سر زنی می زند و او را به سوی زندان می برد و او با صدای بلند می گفت: «پناه می برم به

ص: ۹۱

خدا و رسول و به غیر از خدا و رسول، به هیچ کس پناه نمی برم.»

امام صادق علیه السلام فرمود: چرا آن زن را می زد و به زندان می برد؟

عرض کردم: از مردم شنیدم که پای آن زن لغزید و به زمین افتاد، او در همان حال گفته: «ای فاطمه! خدا آنان را که به تو ظلم کردند از رحمت خود دور سازد!»

گماشتگان حکومت با شنیدن این سخن او را دستگیر و زدند.

امام صادق علیه السلام تا این سخن را شنید، گریه کرد به گونه ای که دستمال و محاسن شریف و سینه اش از اشک چشمانش تر شد، سپس فرمود: «ای بشار! برخیز باهم به مسجد سهله برویم و برای نجات و آزادی آن بانو، دعا کنیم و از خدا بخواهیم که او را حفظ کند.»^(۱)

به راستی، وقتی امام صادق علیه السلام با شنیدن حادثه ناگواری که برای یک بانوی شیعه فاطمه علیها السلام رخ داده، این گونه دگرگون می شود، پس چگونه خواهد شد که اگر جریان مصائب مادرش فاطمه علیه السلام را برای او نقل کنند؟ یا امام صادق نبودی آن لحظه ای که:

از بیت آل طاها آتش زده زبانه

گوئی شده قیامت بر پا درون خانه

در پشت در فتاده امالائمه از پا

دارد فغان ز دشمن آن گوهر یگانِه

زینب به ناله گفتا کشتند مادرم را

این یک ز ضرب سیلی آن یک ز تازیانه

ص: ۹۲

۱- زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ص: ۳۱۹ و ۳۲۰.

یا امام صادق علیه السلام نبودی آن لحظه تا بینی «وَرَكَلَ الْبَابِ بِرَجْلِهِ حَتَّى أَصَابَ بَطْنَهَا وَ هِيَ حَامِلَةٌ بِالْمَحْسَنِ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ (۱)؛ و چنان با لگد به در زد که به شکم فاطمه علیها السلام اصابت کرد در حالی که به محسن علیه السلام شش ماهه باردار بود.»

دود بود و دود بود و دود بود

گل میان آتش نمرود بود

شعله می پیچید بر گرد بهار

خون دل می خورد تیغ ذوالفقار

ص: ۹۳

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص: ۱۹.



۱. روش تلفیق ابہام در موضوع و روش سؤالی.
۲. توبہ / ۱۲۸.
۳. کشف الغمۃ فی معرفۃ الائمۃ، ج ۱، ص: ۴۹۰ و شرح نہج البلاغۃ لابن أبی الحدید، ج ۱۶، ص: ۲۱۱ و ۲۱۲.
۴. ہمان.
۵. حجرات / ۱۳.
۶. شوری / ۲۳.
۷. جامع الأخبار، ص: ۱۴۰ «أَكْرَمُوا أَوْلَادِي الصَّالِحِينَ لِلَّهِ وَالظَّالِحُونَ لِي».
۸. آل عمران / ۶۱.
۹. تحف العقول، ص: ۴۰۵ و بحار الأنوار، ج ۱۰، ص: ۲۴۲.
۱۰. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص: ۱۰۴.
۱۱. سایت تبیان، ۹۰/۱۱/۲۷.
۱۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص: ۱۴۲.
۱۳. فضائل الخمسہ فی صحاح الستہ، ج ۴، ص: ۵۲.
۱۴. کافی، ج ۴، ص: ۶۰.
۱۵. وسائل الشیعہ، ج ۱۶، ص: ۳۳۳.
۱۶. عیون أخبار الرضا علیہ السلام، ج ۲، ص: ۵۱.
۱۷. زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام، ص: ۳۱۹ و ۳۲۰.
۱۸. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص: ۱۹.

فصل ششم: سیره عبادی فاطمه علیها السلام و فاطمیان

اشاره

ص: ۹۵

ایجاد انگیزه (۱)

در جریان جنگ خیبر در میانه کارزار، یک نفر از جنگجویان یهود با شمشیر بر سپر علی علیه السلام زد و سپر از دست وی افتاد.

علی علیه السلام در قلعه خیبر شتافته و آن را از جای خود کردند و تا پایان کارزار به جای سپر بکار می بردند.

پس از آنکه آن را به روی زمین انداختند، هشت نفر از نیرومندترین سربازان اسلام از آن جمله «ابورافع» سعی کردند که آن را از این رو به آن رو کنند، نتوانستند. (۲)

شیخ مفید در کتاب شریف «الارشاد» از امیر مؤمنان، سرگذشت کردن در خیبر را چنین نقل می کند:

من در خیبر را کنده به جای سپر به کار بردم و پس از پایان نبرد آن را مانند پل به روی خندقی که یهودیان کنده بودند قرار دادم. سپس آن را میان خندق پرتاب کردم.

مردی پرسید: آیا سنگینی آن را احساس نمودی؟ حضرت پاسخ دادند: «به همان اندازه سنگینی که از سپر خود احساس می کردم.» (۳)

ص: ۹۷

۱- . روش ابهام در موضوع.

۲- . تاریخ طبری، ج ۲ ص: ۳۰۰ و سیره ابن هشام، ج ۳، ص: ۳۴۹.

۳- . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص: ۴۶.

آن حضرت در پاسخ شخصی چنین فرمود: «ما قَلَعْتُهَا بِقُوَّةِ بَشَرِيهِ وَ لَكِنْ قَلَعْتُهَا بِقُوَّةِ الْهَيْهِ وَ نَفْسٍ بِلِقَاءِ رَبِّهَا مُطْمَئِنَّةً رَضِيَةً (۱)؛

من هرگز آن در را با نیروی بشری از جای نکندم، بلکه در پرتو نیروی خداداد و با ایمانی راسخ به روز قیامت این کار را انجام دادم.» (۲)

حضرت آیت الله ناصری فرمودند: زمانی که در نجف بودیم، حمالی در آنجا بود، روزی از یکی از محلات نجف اشرف عبور می کرد، در همان محله بچه کوچکی به پشت بام رفته بود، مادر از او غفلت کرده، بچه از بالای بام سقوط کرد. آن شخص دست هایش را بلند کرد و گفت: خدایا! نگاهش دار. کودک به آرامی پس از آن با اینکه معلق بین آسمان و زمین است روی زمین آمد. مردم دورش جمع شدند. از او پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت: تا حال هرچه خدا گفته، من چشم، حالا من چیزی گفتم و دعایم را مستجاب کرد. (۳)

بندگی کن تا که سلطانت کنند

تن رها کن تا همه جانت کنند

سوی حق نارفته چون داری طمع

همسر موسی بن عمران کن

شکر و تسلیم مسلمانیت کو

ای که می خواهی سلیمان کن

ص: ۹۸

۱- بحارالانوار ج ۲۱ ص: ۴۰.

۲- ارشاد، ص: ۵۹.

۳- کرامات معنوی، سید عباس موسوی مطلق، سال ۱۳۹۲.

از چه (۱) شهوت قدم بیرون گذار

تا عزیز مصر و کنعانت کنند

چون علی در عالم مردانگی

فرد شو تا شاه مردانت کنند

قابل این رتبه ها چون نیستی

سعی کن، شاید مسلمانان کنند

همچو سلمان در مسلمانی بکوش

ای مسلمان تا که مسلمانان کنند (۲)

مطالعه آثار به جا مانده از زندگی انسان در طول تاریخ، نشان می دهد که هر جا انسان بوده، پرستش و عبادت نیز وجود داشته است؛ گرچه شکل و نوع و روش عبادت و پرستش و معبودها، متفاوت بوده است. روان شناسان معتقدند که در وجود انسان گرایش هایی به صورت فطری قرار دارد که یکی از آن ها گرایش به پرستش است. گرایش های دیگر، حقیقت جویی، زیبا طلبی و کمال خواهی و ... است.

با این بیان روشن است که پرستش نه یک تکلیف، بلکه یک نیاز، یک حس و گرایش درونی است.

انسان موجودی کمال طلب و نیازمند است پس چون خود را در برابر منبعی بزرگ از کمال ببیند دست نیاز به سوی او دراز می کند.

در تحلیل مجموعه تعلیمات دینی، به این حقیقت می رسیم که بخشی از آن ها به پرورش حس حقیقت جویی و بخشی به علم طلبی و قسمتی هم به پرورش عواطف اخلاقی و حس

ص: ۹۹

۱- . چاه.

۲- . خزائن الاشعار، ص: ۲۸. برگرفته از کتاب تحفه الصائمین تألیف موسیانی اصفهانی.

زیبایی طلبی و قسمتی نیز به پرورش حس پرستش و عبادت مربوط می شود؛ اما چگونه می توان حس عبادت را در وجود خود نهادینه کرد و سبک زندگی را به گونه ای انتخاب نمود که سپری شدن روزهای عمر ما را روز به روز نیازمندتر به پرستش خدا نماید و بازگشت به فطرت نو به نو انجام پذیرد؟

از این منظر، گوشه گوشه زندگی حضرت زهرا علیها السلام زمینه های پرورش احساس نیاز به عبادت و بندگی را به خوبی نشان می دهد.

* اقناع اندیشه و تحریک احساس

پرستش خدا در زندگی حضرت زهرا علیها السلام :

شهید مطهری (ره) در زمینه پرستش فطری می فرماید: انسان دو نوع پرستش دارد، پرستش آگاهانه و پرستش ناآگاهانه. عبادت ناآگاهانه مربوط به ضمیر ناخودآگاه انسان است.

همچو میل کودکان با مادران

سُر میل خود نداند در لبان(۱)

نکته دیگر این که کمال نمایی انسان تنها به وسیله عبادت آگاهانه به دست می آید. عبادت ناآگاهانه، فقط برخی کمالات را نصیب انسان می کند و مهم ترین راه برای زنده نگه داشتن حس نیاز به پرستش در وجود آدمی توجه به عبادت آگاهانه است. به عبارتی رشد و تقویت حس نیاز به پرستش، در گرو عمل

ص: ۱۰۰

به دستورات و فرامین الهی است. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَزَّهُ اللَّهُ عَلِمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۱)؛ کسی که به علم و دانایی اش عمل کند، خداوند آنچه را که نمی داند به او می آموزد.»

در نتیجه انجام وظایف بندگی، راه اصلی در رسیدن به مقصود و افزایش سطح آگاهی و اعتقادات دینی است.

در این مجال گوشه هایی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام را که نشانگر اوج بندگی و عبادت آگاهانه ایشان است مورد بررسی قرار دهیم چرا که سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام به عنوان أم الأئمه و اسوه اهل بیت علیه السلام، یکی از بهترین و کامل ترین الگوهاست. این الگو آن قدر در عبادت پیش رفته که حتی ملائکه الهی که پیشگامان عبادت الهی هستند در عبادت به استقبال حضرتش می شتابند.

علامه مجلسی (ره) روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «فاطمه علیها السلام بانوی زنان جهانیان از پیشینیان و آیندگان است. او در محراب خود می ایستد و هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام می دهند و او را به همان گونه که با مریم سخن می گفتند، صدا می زنند و می گویند: ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.» ۲

پیامبر خدا فرمودند: «إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا، فَتَفَرَّغَتْ لِطَاعَةِ اللَّهِ (۲)؛

خداوند قلب دخترم فاطمه و سراپای وجود او را پُر از ایمان کرده است، پس او _ به همین خاطر _ همواره در اطاعت

ص: ۱۰۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص: ۱۸۹.

۲- دلائل الامامه: ۱۳۹، ح ۴۷.

در ضمیر ما نمی گنجد به غیر دوست، کس

هر دو عالم را به دشمن ده، که ما را دوست بس (۱)

یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که مقامات معنوی فاطمه زهرا علیها السلام دیگر جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی گذارد که در سیر و سلوک به سوی خداوند متعال، محدودیت جنسی وجود ندارد؛ و شاهد آن که خداوند متعال می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)»

راهکارهای تقویت بندگی خدای یکتا

الف) خشکاندن ریشه گناه از زندگی

اساسی ترین راه برای خشکاندن ریشه گناه در زندگی آن است که با خیرخواهی که ضد حسد است و تحصیل سخاوت که ضد بخل است، ریشه گناه را از دل خود بیرون نماید و خویش را از خطر شرک و خودخواهی برهاند و تمام اعمال و عبادات را «خالصاً لله» انجام داد.

روزی رسول خدا رو به زهرا علیها السلام کرده فرمود: «دخترم! اکنون جبرئیل نزد من است و از سوی پروردگارم پیام آورده که هر چه بخواهی تحقق می یابد؛ چه می خواهی؟»

فاطمه علیه السلام پاسخ داد:

ص: ۱۰۲

۱- . اوحدی مراغه ای.

۲- . نحل / ۹۷.

«شَغَلَنِي عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَدَهُ خِدْمَتَهُ، لَا حَاجَةَ لِي غَيْرِ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ (۱)؛

لذتی که از خدمت حضرت حق می برم مرا از هر خواهشی بازداشته است؛ حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.»

چنین بینش ژرف و شفافی موجب گردید در سخنی مختصر، بلندای معرفت خود را بیان نمایند: «مَنْ أَصْبَحَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلِحَتِهِ؛ (۲)

کسی که عبادت خالصانه خود را به سوی خداوند فرستد، پروردگار بزرگ برترین مصلحت او را به سوی او خواهد فرستاد.»

حسین بن روح _ از نابیان امام عصر (عج) _ در پاسخ پرسش شخصی که رسول خدا صلی الله علیه واله چند دختر داشت فرمود: چهار دختر و چون او سؤال می کند: کدام یک از همه بافضیلت ترند؟ جواب داد: فاطمه. وی با تعجب بسیاری باز می گوید: حضرت زهرا علیها السلام از همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه واله کوچک تر بوده و از سوی دیگر کمتر مصاحبت رسول الله صلی الله علیه واله را درک کرده است، چگونه او بافضیلت تر است؟!

حسین بن روح فرمود: فاطمه علیه السلام دارای دو ویژگی برجسته بود: نخست آنکه وارث رسول خدا صلی الله علیه واله بود و دیگر اینکه نسل پیامبر خاتم صلی الله علیه واله از ذریه او است؛ و خداوند متعال این صفات را به او

ص: ۱۰۳

۱- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۹۲۳.

۲- مجموعه ورام، ج ۲، ص: ۱۰۸.

ارزانی نداشت مگر به خاطر «اخلاص (در بندگی) در نیت زهرای مرضیه علیها السلام» (۱).

ب) تقید به انجام فرایض ترک محرمات و توجه ویژه به نوافل

تقید به انجام فرایض و ترک محرمات لازمه زندگی معصومان بوده و البته راهی است که آن بزرگواران برای پیروان خود معرفی نموده اند اما آنچه در سیره حضرت زهرا علیها السلام موج می زند مرحله بالاتر از ترک محرمات و انجام فرایض یعنی تقید به نوافل و مستحبات است.

سرور زنان دنیا و بانویی بهشتی که اولیاء خدا به او مباحثات می کنند، به هنگام عبادت، چنان خوف و خشیت الهی در بدنش ظاهر می شد که تمام وجودش به لرزه می افتاد و تمام اعضا و جوارحش ترسان و لرزان می گشت. «كَانَتْ فَاطِمَةُ تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ فِي خَيْفَةِ اللَّهِ تَعَالَى» (۲).

پیامبر صلی الله علیه و اله درباره عبادت حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: «آنگاه که دخترم فاطمه علیها السلام در محراب عبادت، در پیشگاه پروردگار به نماز می ایستد، نور عبادتش برای ملائکه آسمان درخشیدن می گیرد؛ به سان نور ستارگان برای اهل زمین و خداوند پر عزت و جلالت، خطاب به فرشتگانش می فرماید: «ملائکه من! بر بنده ام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید؛ بر درگاه من ایستاده، درحالی که بندند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمامی قلب به عبادت من روی نهاده است...» (۳).

اعمال مربوط به عصر جمعه و شب های جمعه، شب های قدر، نماز شب حضرت و ... نمونه های بسیار زیاد حضور نوافل در

ص: ۱۰۴

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص: ۳۷۷.

۲- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۹۳۲.

۳- الصدوق، الامالی، ص: ۱۰۰.

زندگی حضرت زهرا علیها السلام است که در فواصل مباحث طرح خواهد گردید.

امام حسن علیه السلام نیز درباره اهتمام مادرش حضرت زهرا علیها السلام به عبادت می فرمایند:

«رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ (۱)؛

مادرم را در شب جمعه در محراب عبادتش دیدم که تا طلوع فجر یا در حال رکوع بود و یا در سجود.»

ابعاد ظهور و بروز بندگی خدا در زندگی حضرت زهرا علیها السلام

الف: انتخاب نام

مقام عبودیت حضرت زهرا علیها السلام چنان روشن بوده که حتی ظواهر زندگی ایشان را تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که نام گذاری حضرت نیز تحت تأثیر این خصلت است. «سَأَلْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَاطِمَةَ لِمَ سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءُ؟ فَقَالَ: لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَزْهَرُ - تَزْهُو - نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ (۲).» راوی می گوید: از حضرت صادق علیه السلام علت نام گذاری حضرت فاطمه علیها السلام را به - زهرا - پرسیدم. فرمود: چون وقتی در محراب عبادتش به نماز می ایستاد، فروغ نورش برای ساکنان آسمان می درخشید؛ همان گونه که نور ستارگان آسمان برای زمینیان می درخشد.»

ص: ۱۰۵

۱- . دلایل الإمامه (ط - الحديثه)، ص: ۱۵۲.

۲- . علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۱.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «سمیت فاطمه بالبتول لانقطاعها الی عباده الله تعالی(۱)؛ حضرت فاطمه علیها السلام به این جهت «بتول» نامیده شد که از همه بریده و دل به خدا بسته بود.»

ب: موافقت دعا

اشاره

توجه به موافقت خاص برای دعا و عبادت الهی در زندگی تمامی ائمه علیه السلام و به خصوص حضرت زهرا علیها السلام به آسانی مشهود است و نمونه های فراوانی از آن در تاریخ ذکر شده است.

۱. شب جمعه

اما وصف عبادت فاطمه را از زبان میوه دلش، امام حسن مجتبی علیه السلام شنیدنی است: در شب جمعه ای، مادرم را در محراب عبادت نظاره می کردم. تمام شب را به قیام و قعود و رکوع و سجود مشغول بود تا آنگاه که سپیدی صبح سر زد. می شنیدم که مردان و زنان مؤمن را یکایک نام می برد و فراوان دعایشان می کند؛ در حالی که هیچ دعایی برای خود نمی کرد. پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنید، برای خودتان دعا نمی کنید؟ فرمود: فرزندانم! ابتدا همسایه، سپس خانه.

۲. شب های قدر حضرت زهرا علیها السلام

اهتمام به عبادت شب های قدر و توجه دادن اهل خانه و فرزندان به این مهم، یکی از سیره های عبادی و تربیتی حضرت زهرا علیها السلام است که می تواند الگویی برای تمامی مسلمانان و به خصوص مادران باشد

ص: ۱۰۶

۱- . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد، ج ۱۱- قسم-۱- فاطمه علیها السلام، ص: ۸۰.

قال علی علیه السلام: «كَانَتْ فَاطِمَةُ عَ لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا(۱)؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام نمی گذاشت کسی از اهل خانه در شب های قدر به خواب رود. به آنان غذای کم می داد و از روز قبل برای احیای شب قدر آماده می شد و می فرمود: محروم کسی است که از برکات این شب محروم باشد.»

۳. شب ازدواج

حضرت در شب ازدواج، از حضرت علی علیه السلام می خواهد که باهم به نماز بایستند و در این شب، خدا را عبادت کنند. علی علیه السلام در آن شب همسرش را نگران و گریان دید. علت را پرسید. حضرت فرمودند: حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم؛ چراکه انتقال از خانه پدرم به منزل خودم، مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیا در این ساعات آغازین زندگی، به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا پردازیم

فاطمه زهرا علیها السلام در شیرین ترین و خاطره انگیزترین لحظه های زندگی نیز از هدف خلقت خویش غافل نمی شود و از همسرش می خواهد که از آن شب نیز برای تقرب به خداوند استفاده کنند. شخصیت زهراى اطهر از همان شب اول چنان برای علی علیه السلام جلوه می یابد که وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله فردای آن شب از علی علیه السلام می پرسد: همسرت را چگونه یافتی؟ بی درنگ می گوید: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛(۲)

بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند.

ص: ۱۰۷

۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص: ۴۷۰.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۱۷.

ج: آموزش عبادت در کودکی

دختر گرامی رسول اکرم، فرزندان را از کودکی به انجام عبادت فرامی خواند و آنان را به خدا پیوند می داد. حضرت زهرا علیها السلام کودکان خود را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به بیداری و شب زنده داری وادار می کرد و به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی گذاشت کسی از اهل خانه بخوابد.

د: محراب ویژه حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام برای عبادت، برنامه و محل خاص داشتند که از جمله داشتن محراب و جایگاه مخصوص در خانه برای عبادت است. امام حسن علیه السلام می فرماید: «رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ... (۱)»؛

مادرم فاطمه را در محراب عبادتش دیدم...» هم چنین در تاریخ آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه واله به خانه حضرت زهرا علیها السلام آمدند و سراغ ایشان را گرفتند و فرمودند: «أين ابنتي؟» جواب دادند: «فِي مِحْرَابِهَا (۲)».

ه: دعا و اذکار مخصوص

مورد مشهور، ذکر تسبیح حضرت است که در بیان ائمه اطهار (علیهم) ذکر کثیر و اعظم اذکار و برابر با هزار رکعت نماز شمرده شده است

ص: ۱۰۸

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۶، ص: ۳۱۳.

۲- عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد، ج ۱۱- قسم ۲- فاطمه علیها السلام، ص: ۸۶۶.

باز سلمان روایت می کند که داخل خانه ی حضرت زهرا علیها السلام شدم و دیدم در همان حالی که مشغول کار خود بود و جوها را آسیاب می کرد، قرآن می خواند. (۱)

اگر گوش شنوایی وجود داشته باشد، هنوز هم سخنان عمیق و بلند او درباره ی قرآن از مسجد مدینه به گوش می رسد.

گریز و روضه

ز: لباس و عطر مخصوص نماز

از جمله سیره های عبادی ایشان، توجه به بوی خوش و لباس مخصوص در نماز بود. گزارش شده است آن حضرت در واپسین لحظه های زندگی، پس از وضو گرفتن به اسماء فرمودند: «ای اسماء عطر مرا، همان عطری که همیشه می زنم و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می گذارم، بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد، مرا از خواب بیدار کن. اگر بیدار شدم که نماز می گزارم و گرنه کسی را دنبال علی علیه السلام بفرست تا بیاید.» (۲)

علی علیه السلام به مسجد رفته بود. حسنین هم منزل نبودند. فاطمه اطهر علیها السلام حالش به هم خورد که حتی اسماء گمان کرد که بی بی از دنیا رفته است، بچه ها آمدند وارد اتاق مادر شدند وضع مادر را دیدند با عجله آمدند مسجد به علی علیه السلام خبر دادند. علی علیه السلام آمد منزل، دیدم ایمن و فضه و اسماء در گوشه ای ایستاده اند و گریه می کنند فرمود:

ص: ۱۰۹

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۸۸.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص: ۶۲.

«مَا الْخَيْرُ؟ وَمَالِي أَرَأَيْتَ مُنْغَيِّرَاتُ الْوُجُوهِ وَالصُّوَرِ؛ ЧЕ ХИБР АСТ؟ ЧРА ХАЛТАН БД АСТ؟»

گفتند: «أَدْرِكُ ابْنَهُ عَمِّكَ وَمَا نَظُّنُكَ تَدْرِكُهَا؛ آقا زود برو کنار بستر فاطمه عليها السلام ما گمان نمی کنیم زهرا را زنده بیابی آقا با عجله آمد داخل اتاق نگاه می به فاطمه کرد نمی دانم چه حالی شد؟»

«أَخَذَ الْعَمَّامَةَ عَنِ رَأْسِهِ وَحَلَّ أَرْزَارَهُ؛ عَمَامَهُ اش را برداشت، عبایش را انداخت.»

«جَلَسَ نَشِئْتُ حَتَّى أَخَذَ رَأْسَهَا وَتَرَكَهَ فِي حِجْرِهِ؛ سر زهرا را برداشت در دامن گذاشت یک بار صدا زد زهرا عليها السلام جواب نداد.»

آخر فرمود: «كَلِّمْنِي يَا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَا نَا بِنَ عَمِّكَ عَلِيَّ بِنِ ابِي طَالِبٍ؛ صدا زد زهرا جان با من حرف بزن من پسر عمویت علی هستم بی بی چشمش را باز کرد.»

و فرمود: «أَنْتِي لَا- أَجِدُ الْمَوْتَ الْعَذِي لَا- بِيَدِّ مَنْه وَلَا- مَحِيصَ عَنْه؛ من مرگ را می یابم عمر من به سر آمده و چاره ای از آن نیست (۱).»

ص: ۱۱۰

هرگز غمی اندازه ی غم های من نیست از بعد تو در این مدینه جای من نیست
من همسرم را می شناسم، فاطمه نه... این صورت تو، صورت زهرای من نیست

ص: ۱۱۱



۱. روش ابہام در موضوع.
۲. تاریخ طبری، ج ۲ ص: ۳۰۰ و سیرہ ابن ہشام، ج ۳، ص: ۳۴۹.
۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص: ۴۶.
۴. بحار الانوار ج ۲۱ ص: ۴۰.
۵. ارشاد، ص: ۵۹.
۶. کرامات معنوی، سید عباس موسوی مطلق، سال ۱۳۹۲.
۷. چاہ.
۸. خزائن الاشعار، ص: ۲۸. برگرفته از کتاب تحفة الصائمین تألیف موسیانی اصفہانی.
۹. مثنوی مولوی، دفتر چہارم.
۱۰. بحار الانوار، ج ۷۵، ص: ۱۸۹.
۱۱. دلائل الامامہ: ۱۳۹، ح ۴۷.
۱۲. اوحدی مراغہ ای.
۱۳. نحل / ۹۷.
۱۴. زندگانی حضرت زہرا ؑ (ترجمہ جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمہ روحانی، ص: ۹۲۳.
۱۵. مجموعہ ورام، ج ۲، ص: ۱۰۸.
۱۶. تفسیر نمونہ، ج ۹، ص: ۳۷۷.
۱۷. زندگانی حضرت زہرا ؑ (ترجمہ جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمہ روحانی، ص: ۹۳۲.
۱۸. الصدوق، الامالی، ص: ۱۰۰.
۱۹. دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ص: ۱۵۲.
۲۰. علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۱.
۲۱. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیدة النساء إلى الإمام الجواد، ج ۱۱ - قسم ۱ - فاطمة ؑ، ص: ۸۰.
۲۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص: ۴۷۰.
۲۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۱۷.
۲۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۶، ص: ۳۱۳.
۲۵. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیدة النساء إلى الإمام الجواد، ج ۱۱ - قسم ۲ - فاطمة ؑ، ص: ۸۶۶.
۲۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۸۸.
۲۷. کشف الغمہ، ج ۲، ص: ۶۲.

٢٨. بحار الانوار، ج ٤٣، ص: ١٧٩.

ص: ١١٢

بخش هفتم: عفاف فاطمه عليها السلام و فاطميون

اشاره

ص: ۱۱۳

ایجاد انگیزه (۱)

سخن پیرامون یکی از فضایل اخلاقی است که همواره در تعالیم اسلامی جایگاه والایی داشته و توجه خاصی بدان شده است. در روایات متعددی موضوع صحبت ما بهترین عبادت (۲)،

برترین خصلت (۳)

و تاج افتخار انسان (۴)

شمرده شده و امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را بهترین خوی و خصلت و سرمنشأ هر خیر و نیکی خوانده و مقام و منزلت او را با مقام شهید در راه خدا مقایسه کرده است. (۵)

اهمیت این گنج بدان خاطر است که به عنوان یک حالت درونی که از فطرت انسان سرچشمه می گیرد، در دنیای افسارگسیخته ما، بهترین عامل برای کنترل و تعدیل شهوات است؛ البته شهوت در معنای عام آن؛ نه فقط شهوت جنسی؛ سخن از ویژگی بارز فاطمیون است. ویژگی کسانی که در زندگی جا پای حضرت زهرا گذاشته اند. سخن از عفت است.

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت

با من راه نشین، باده مستانه زدند (۶)

ص: ۱۱۵

۱- . روش تلفیق ابهام در موضوع و تعریف از موضوع.

۲- . الکافی، ج ۲، صص: ۸۰-۷۹ امام صادق علیه السلام فرمودند: «افضل العبادة العفاف»

۳- . امیر مؤمنان فرمود: «العفاف افضل الشیمة»؛ عفت برترین خصلت است. اصول کافی، ج ۲، ص: ۷۹.

۴- . امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «تاج الرجل عفافه»؛ عفت تاج افتخار انسان است. غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۵۶.

۵- . غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۵۶.

۶- . غزلیات حافظ.

از کنکاش در واژه های: عَفْتُ، تَعَفُّفٌ و عَفَافٌ معانی: پرده پوشی، پروا پیشگی، پاک دامنی، پارسایی و بلندطبعی برداشت می شود. (۱)

«عفاف» در آموزه های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به عنوان قوی ترین نیروی برای تعدیل غرایز و شهوات انسانی یاد می شود. آنچه از مفهوم واژه «عفاف» به ذهن متبادر می شود استعمال این واژه در معنای خاص «حجاب» است. باید دانست معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است. عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام بازمی دارد، اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد؛ در حالی که حجاب امری ظاهری و بیرونی است. از ابعاد مختلف عفاف می توان عفاف در کردار، گفتار و فکر و اجتماعی را برشمرد. چشم پوشی از نگاه حرام، پوشش مناسب، اعتدال در زینت و آرایش، میانه روی در خوراک و عفت در فقر و غنا از ابعاد مختلف عفاف در کردار بوده و پرهیز از کلام لغو و اندیشه حرام، عفت در گفتار و اندیشه را تشکیل می دهد. در هر حال باید دانست رعایت عفاف می تواند تعیین کننده ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نائل گرداند.

عَفْتُ، جلوه ها و قلمروهای گوناگونی دارد که ما می توانیم همه آن ها را در چهار بخش گردآوریم:

ص: ۱۱۶

۱- لسان العرب، ج ۹، ص: ۲۵۳؛ قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۱۸؛ منتخب اللغات، ص: ۳۴۱.

۱. عفت در اندیشه و بنیان های فکری

هر رویداد و مسئله شایسته یا ناشایستی می تواند موضوع تفکر قرار گیرد. بی شک، اندیشه ورزی در راستای سامان یابی، بازتابی نیکو خواهد داشت و اندیشیدن در مجال های ناروا پیامدهای نامطلوبی را به بار خواهد آورد. عفت در اندیشه یعنی حفاظت فکر از عرصه های ناهنجار و آلوده. حضرت علی علیه السلام می فرمود: «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»^(۱)؛ کسی که بسیار درباره گناهان بیندیشد، بزهکاری ها او را به خویش فرا می خوانند.»

حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: «إِنَّ مُوسَى أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا وَ أَنَا أَمُرُكُمْ أَنْ لَا تَحْدُثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّانَا فَضَلًّا عَنْ أَنْ تَزْنُوا»^(۲)؛ بی شک، موسی به شما فرمان داد که زنا نکنید و من فرمان می دهم که با خویش در اندیشه و پندار زنا نباشید، چه برسد به این که زنا کنید.»

۲. عفت در گفتار

اشاره

گفتار انسان چگونه باید باشد؟ اگر با این سؤال به سراغ قرآن برویم با جوابهای مواجه خواهیم شد: گفتار «کریم»^(۳) «لین»^(۴) «معروف»^(۵) «بلغ»^(۶) «حسن»^(۷) «احسن»^(۸) «سدید»^(۹). مجموعه ی اوصاف، فرهنگ گفتار بین فردی و بین جوامع را به خوبی شکل می دهد. با توجه به تعریف ارائه شده از عفاف باید گفت کلامی که حاوی اوصاف فوق باشد سخنی عقیف و سخنی که زنگ و بوی گناه و بی حیایی و پرده دری باشد سخنی غیر عقیف خواهد بود.

ص: ۱۱۷

۱- .غررالحکم، ج ۵، ص ۳۲۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۲۴۰؛ الکافی، ج ۵، ص: ۵۴۲.

۳- .سوره اسراء/ ۲۳

۴- .سوره طه/ ۴۴.

۵- .ر.ک: محمّد/ ۲۱؛ بقره/ ۲۳۵؛ نساء/ ۵؛ احزاب/ ۳۲.

۶- .نساء/ ۶۳.

۷- .نحل/ ۱۲۵؛ احزاب/ ۳۲.

۸- .نحل/ ۱۲۵.

۹- .نساء، ۹؛ احزاب/ ۷۰.

عایشه می گوید: کسی را در سخن گفتن به رسول خدا صلی الله علیه واله شبیه تر از فاطمه زهرا علیها السلام پیدا نکردم و هر هنگام که صدیقه طاهره بر پیامبر وارد می شد، رسول گرامی به وی خوش آمد گفته و دستش را می بوسید و او را در مجلس خود می نشاند و نیز هر وقت پیامبر بر فاطمه وارد می شد، آن بانوی بزرگوار پیش پای پدر برخاسته و خیرمقدم می گفت و دو دست رسول خدا صلی الله علیه واله را می بوسید. (۱)

در دنیای ما این نحو تعامل و گفتمان در نوع ارتباط ما با والدین باید متجلی گردد. به تعبیری، نمود این سیره حضرت زهرا در سبک زندگی فاطمیون باید در جریان تعامل با والدینشان خود را نشان دهد.

در حدیثی آمده است: «و لا ترفع صوتک فوق أصواتِهما؛ (۲) صدایت را فراتر از صدای پدر و مادرت نبر.»

امام سجّاد علیه السلام در نیایش خویش می فرماید: «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي؛ (۳) خدایا! صدایم را در پیشگاه پدر و مادرم آرام و فرودآمده قرار ده.»

۳. عفت در رفتار

اشاره

پروا پیشگی در رفتار، عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را فرامی گیرد؛ مانند عفت در پوشش، یعنی انتخاب لباسی که با هویت دینی، هنجارهای اخلاقی، شخصیت والای

ص: ۱۱۸

۱- . فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص: ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص: ۴۰.

۳- . صحیفه سجّادیه، دعای ۲۴.

انسانی سازگار باشد و حوزه ارتباطات انسانی را به عرصه های نمایش مُدگرایانه تبدیل نکند.

مسئله «حجاب» در دین اسلام، همان عفت در پوشش است. یکی دیگر از ابعاد عفت رفتاری، «عفت جنسی» است. در فرهنگ اسلامی، عفت جنسی با دستورالعمل های زیر آموزش داده می شود:

* پرهیز از حضور تحریک آمیز در جامعه (۱)

* پرهیز از نگاه آلوده (۲)

* گریز از عوامل تحریک آمیز (۳)

* پرهیز از خلوت با نامحرم (۴)

* نداشتن تماس بدنی (۵)

* از بین بردن عوامل ایجاد فحشا (۶)

ورطه سقوط

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرماید:

* «وَمَنْ فَآكَهَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حَبْسَهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ (۷)؛ هر کس با زنی که همسرش نباشد (نامحرم باشد) شوخی کند، خداوند، برای هر واژه ای که در دنیا بر زبان رانده است، هزار سال او را زندان خواهد کرد.»

سخن ناز آلود و عشوه آمیز با نامحرمان، بی تردید یکی از نمادهای بی عفتی در گفتار است.

* از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه واله فرمود: «يَا بَنِيَّ أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تُعْطَى شَعْرَهَا مِنَ الرَّجَالِ (۸)؛

ص: ۱۱۹

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۳۴؛ فروع کافی، ج ۲، ص: ۶۴؛ نور/۳۱.

۲- . نور/۳۱. ۳۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص: ۱۹۷ - ۱۹۸.

۳- . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴۳ و ص: ۱۷۱.

۴- . در کتب حدیثی بابی هست با عنوان: «مجاز نبودن خلوت کردن مرد و زن نامحرم». ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۳۳؛ فروع کافی، ج ۲، ص: ۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص: ۱۲۱.

۵- . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴۲؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۹۷.

- ٦- . وسائل الشيعة، ج ١٤، ص: ١٣٥؛ فروع كافي، ج ٢، ص: ٦٤.
- ٧- وسائل الشيعة، ج ١٤، ص: ١٤٤ - ١٤٣.
- ٨- . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص: ١١.

ای دخترم! اما زنی که - در جهنم به مویش آویزان شده بود او زنی بود که مویش را از مردان نمی پوشانید...».

*زینت زن برای نامحرم: «... وَ أُمَّ الْتِي كَانَتْ تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُزَيِّنُ بَدَنَهَا لِلنَّاسِ (۱)؛...» و

اما زنی که گوشت بدنش را می خورد پس او زنی بود که بدنش را برای مردان (نامحرم) زینت می کند.

*در کلام اهل بیت (علیهم) آمده است که: «هر کس با زن نامحرمی به حرام مصافحه کند، روز قیامت با دستان بسته به آتش انداخته می شود.» (۲)

*پیامبر اکرم صلی الله علیه واله: کسی که چشمانش را از نگاه حرام به زنی پر کند، خداوند در روز قیامت چشمانش را با میخ های آتشین و آتش پر می نماید و تا زمانی که خداوند بین مردم حکم می نماید، به دین حالت خواهد بود. آنگاه دستور می رسد که او را به جهنم ببرید. (۳) (در صورتی که توبه نکرده باشد)

حجاب حتی از نابینا

روزی مردی نابینا پس از اجازه گرفتن وارد خانه حضرت زهرا علیها السلام شد. پیامبر صلی الله علیه واله مشاهده کرد که حضرت زهرا علیها السلام برخاست. حضرت فرمود: دخترم! این مرد نابیناست؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

«اگر او مرا نمی بیند ولی من او را می نگرم و او بوی مرا استشمام می کند.» (۴)

ص: ۱۲۰

۱- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص: ۱۱ .

۲- . بحار الانوار، ج ۷ ، ص: ۲۱۴ .

۳- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص: ۶۱۵ .

۴- . بحار الانوار، ج ۴۳ ، ص: ۹۱ .

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.

۴. عفت اجتماعی

الف) معماری عقیف

در معماری سنتی، حجاب های ساختاری بسیاری وجود داشت که در معماری جدید برخی از آنان از بین رفته و برگه های جدیدی از معماری غربی جایگزین آن گردیده است:

*خانه های سنتی ایران، دو بخش درونی و بیرونی بود.

*بر در خانه ها دو کوبه ویژه مردان و دیگری مخصوص زنان قرار می گرفت.

*در سبک معماری جدید ساختمان ها به گونه ای طراحی شدند که به جای دیوار از نرده های آهنین بهره می برند.

*در این سبک آشپزخانه ها بدون در و دیوارش حذف گردید.

*آپارتمان سازی با راهروها و آسانسور مشترک، دریچه های مشرف و اختلاط پیوسته، فسادزاست.

ب) محیط های آموزشی

*سلامت محتوای متون آموزش

*سالم سازی محیط آموزشی

*کارکنان جنس مخالف

*اختلاط پسران و دختران

ج) محیط کار

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و اله کارهای بیرون خانه را به عهده حضرت

علی علیه السلام و امور داخلی منزل را به حضرت فاطمه علیها السلام واگذار کرد، آن حضرت چنین فرمود: «کسی به جز خدا نمی داند که چه قدر از این که رسول خدا مرا از برخورد با مردان نامحرم معاف کرد خوشحال شدم.»^(۱)

(د) محیط های مجازی و شبکه های اجتماعی

فضای مجازی، گرچه هنوز مجازی است، اما گره خورده به واقعیت است. اگر عفاف در این جامعه تعریف و ترویج نشود، بر روابط خارجی هم تأثیر می گذارد و این یکی از بزرگ ترین خطرهایی است که کاربران ارزشی را تهدید می کند. برای تنظیم یک برنامه زندگی ارزشی در فضای مجازی، باید جامعه مجازی را شناخت؛ جزئیاتش را دانست و گونه های مختلف رابطه را تشخیص داد و نیز مخاطبان و حتی رصدگران را شناسایی کرد و ... آنگاه بر اساس تعالیم دینی و اخلاقی، به تنظیم این زندگی پرداخت.

ثمره و میوه عفت

اشاره

عفت و خویشتن بانی، بازتاب های شگرف و زندگی سازی دارد

۱. آرامش روحی

یکی از عوامل روان پریشی و آشفتگی روحی، نگاه های آلوده و ارتباط های نامشروع است؛ که سبب ایجاد آشفتگی روحی برای انسان می گردد. عفت ورزی، نجات از این اضطراب هاست. حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

ص: ۱۲۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۴۳، ص: ۸۱.

مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ؛(۱) هر کس نگاهش را از نامحرم فرو بندد، قلبش آسوده می گردد.

همچنین حضرت فرمودند: «مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ قَلَّ أَسِيفُهُ وَ أَمِنَ تَلْفُهُ؛(۲) هر کس نگاهش را از نامحرم فرو بندد، اندوه خوردنش اندک می شود و از تباہ شدن، آسوده می گردد.»

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: «كَمْ مِنْ صَبَابَةٍ أُكْتَسِبَتْ مِنْ لَحْظَةٍ؛(۳) چه بسا عشق هایی که از یک نگاه، پدید آمده است.»

۲. سلامت اخلاقی و جسمی

حضرت علی علیه السلام فرمودند: شخص عقیف، نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان گردد.(۴)

این چنین شخصی اخلاقش سلامت و جسمش نیز به واسطه آرامش روحی و دوری از فساد جنسی سالم خواهد بود.

۳. سلامت نسل

«نسل سالم» در خانواده های عقیف و کانون های شایسته پدید می آید. نسلی که از عطف و خانواده محروم است گرفتار عقده حقارت خواهد بود.

۴. پایداری جمال

بی قید بودن در امور جنسی، پیری زودرس و گاه ناتوانی

ص: ۱۲۳

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۲۷۱ . ۴۱. احزاب/۵۳.

۲- . غررالحکم، ج ۵، ص: ۴۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۲۷۱.

۳- . غررالحکم، ج ۴، ص: ۵۴۹.

۴- . نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

زود هنگام جنسی پدید می آورد و عفت پیشگی، جمال و جوانی را پایدارتر می سازد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحِمَالِهَا» (۱) مصونیت زن، حال او را سرشارتر و جمال او را پایدارتر می سازد.»

بنابراین، حجاب، سنگر حفاظت و حراست زنان است؛ حفاظت لطافت آنان و حراست قداستشان؛ بنابراین درمی یابیم که حجاب، نه تنها «اسارت» نیست، بلکه نشان «عظمت» است.

۵. پایداری خانواده

یکی از مهم ترین اصول پایداری خانواده عفت است. خانواده ها که کوچک ترین نهاد جامعه اند، به سلول های یک پیکر می مانند. اگر سلول ها آفت ببینند، تن آدمی بیمار می گردد. سالم سازی و سامان بخشی خانواده، بنیاد بسیاری از خوشبختی های فردی و اجتماعی است.

۶. امنیت اجتماعی

عفت مداری از اصولی ترین پایه های حراست امنیت اجتماعی است. (۲) عفاف و عفت مندی از بنیادی ترین عوامل پاسداشت امنیت اجتماعی است. بی پروایی در نگاه، ناپارسایی در پوشش، پرده دری در ارتباط های جنسی و امنیت اجتماعی را درگیر چالش های بزرگ می کند

گریز و روضه

مقام عفت حضرت زهرا علیها السلام به آن حد بود که در کتاب

ص: ۱۲۴

۱- . غررالحکم، ج ۴، ص: ۲۰۰.

۲- . قرآن کریم می فرماید: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است (احزاب/۵۹).

ذخائرالعقبی از اسماء بنت عمیس داستان عجیبی به این شرح نقل شده است: روزی فاطمه علیها السلام به من فرمود: من از کار مردم مدینه که زنان خود را بعد از وفات به صورت ناخوشایندی برای دفن می برند و تنها پارچه ای بر او می افکنند که حجم بدن از پشت آن نمایان است ناخرسندم.

جایی برای کوثر و زمزم درست کن

اسما! برای فاطمه مرهم درست کن

تابوت کوچکی که بمیرم درون آن

با چندتخته چوب، برایم درست کن

تا داغ این شقایق زخمی نهان شود

تابوتی از لطافت شبنم درست کن

مثل شروع زندگی من و مرتضی

بی زرق و برق و ساده و محکم درست کن

از جنس هیزمی که در خانه سوخت، نه

از چند چوب و تخته ی محرم درست کن

طوری که هیچ خون نچکد از کناره اش

مثل هلال لاله کمی خم درست کن (۱)

اسماء گفت: من در سرزمین حبشه چیزی دیده ام که با آن جنازه مردگان را حمل می کردند، سپس شاخه هایی از درخت نخل را برداشت و به صورت تابوت مخصوصی درآورد که پارچه ای را روی چوب های آن می افکندند و بدن را درون آن می گذاردند، به گونه ای که بدن پیدا نبود.

ص: ۱۲۵

هنگامی که فاطمه بانوی بزرگ اسلام علیها السلام آن را مشاهده کرد فرمود: بسیار خوب و عالی است (و هنگامی که من از دنیا رفتم مرا با آن بردارید)...

چندماهه، چه آب رفتی بانو

بر شانهٔ بوتراب رفتی بانو

در خلوت آن شب پر از تنهایی

با دغدغهٔ حجاب رفتی بانو

و در ذیل همین حدیث آمده است: هنگامی که فاطمه علیها السلام چشمش به آن افتاد تبسم فرمود و این تنها تبسم او بعد از وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله بود! (۱)

روی دوش مرتضی تابوت کوثر می رود

نه!! نپندارید زهراست، بلکه حیدر می رود

تابوت را ساختند، امیر مؤمنان علیه السلام همسرش کفن کرد، داخل تابوت گذاشت، تشییع کرد به خاک سپرد کنار قبر قرآن خواند اما یا فاطمه زهرا! کجا بودید به ببیند که پسرت حسین بدون تابوت حتی کهنه پیراهنی هم که داده بودی برای کفن، از او غارت بردند، نامردمان بدن قطعه قطعه ی حسین رو سه شب روی خاک گرم کربلا ...

ص: ۱۲۶



۱. روش تلفیق ابهام در موضوع و تعریف از موضوع.
۲. کافی، ج ۲، صص: ۸۰-۷۹ امام صادق علیه السلام فرمودند: «افضل العبادۃ العفاف»
۳. امیر مؤمنان فرمود: «العفاف افضل الشیمه»؛ عفت برترین خصلت است. «اصول کافی، ج ۲، ص: ۷۹».
۴. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «تاج الرجل عفافه»؛ عفت تاج افتخار انسان است. غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۵۶.
۵. غررالحکم و درر الکلم، ص: ۲۵۶.
۶. غزلیات حافظ.
۷. لسان العرب، ج ۹، ص: ۲۵۳؛ قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۱۸؛ منتخب اللغات، ص: ۳۴۱.
۸. غررالحکم، ج ۵، ص ۳۲۱.
۹. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۲۴۰؛ کافی، ج ۵، ص: ۵۴۲.
۱۰. سوره اسراء / ۲۳
۱۱. سوره طه / ۴۴.
۱۲. رک: محمد / ۲۱؛ بقره / ۲۳۵؛ نساء / ۵؛ احزاب / ۳۲.
۱۳. نساء / ۶۳.
۱۴. نحل / ۱۲۵؛ احزاب / ۳۲.
۱۵. نحل / ۱۲۵.
۱۶. نساء، ۹؛ احزاب / ۷۰.
۱۷. فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص: ۲۲۸ و ۲۲۹.
۱۸. بحار الانوار، ج ۷۴، ص: ۴۰.
۱۹. صحیفه سجاده، دعای ۲۴.
۲۰. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۳۴؛ فروع کافی، ج ۲، ص: ۶۴؛ نور / ۳۱.
۲۱. نور / ۳۱.
۲۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴۳ و ص: ۱۷۱.
۲۳. در کتب حدیثی بابی هست با عنوان: «مجاز نبودن خلوت کردن مرد وزن نامحرم». رک: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۳۳؛ فروع کافی، ج ۲، ص: ۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص: ۱۲۱.
۲۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴۲؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۹۷.

٢٥. وسائل الشيعة، ج ١٤، ص: ١٣٥؛ فروع كافي، ج ٢، ص: ٦٤.

ص: ١٢٧

۲۶. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص: ۱۴۴ - ۱۴۳.
۲۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱.
۲۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۱.
۲۹. بحار الانوار، ج ۷، ص: ۲۱۴.
۳۰. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص: ۶۱۵.
۳۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۹۱.
۳۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۸۱.
۳۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۲۷۱.
۳۴. غرر الحکم، ج ۵، ص: ۴۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۲۷۱.
۳۵. غرر الحکم، ج ۴، ص: ۵۴۹.
۳۶. نهج البلاغة، حکمت ۴۷۴.
۳۷. غرر الحکم، ج ۴، ص: ۲۰۰.
۳۸. قرآن کریم می فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ؛** ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تراست (احزاب/۵۹).
۳۹. شاعر رضا جعفری.
۴۰. بحار الانوار ۶۷/۲، ذخائر العقبی، ص: ۵۴.

فصل هشتم: فعالیت های اجتماعی فاطمه علیها السلام و فاطمیون

اشاره

ص: ۱۲۹

ابو نعیم در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه واله نقل می کند که روزی رو به یارانش کرد و فرمود: «مَا خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؛ چه چیزی برای زنان از همه بهتر است؟... علی علیه السلام این پاسخ را به پیغمبر اکرم صلی الله علیه واله عرض کرد: «خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَوْنَهُنَّ؛ از همه بهتر این است که نه آن ها مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آن ها را.»

پیامبر فرمود: مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؛ چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟ عرض کرد: فاطمه علیها السلام .

فرمود: «إِنَّهَا بَضَعَهُ مِنِّي (۲)؛

او پاره وجود من است.».

از آنجا که این حدیث (۳) یا مضمون این حدیث شریف در منابع

ص: ۱۳۱

-
- ۱- . روش سؤالی.
 - ۲- . كشف الغمه في معرفة الأئمة (ط - القديمه)، ج ۱، ص: ۴۶۶ و وسائل الشيعه، ج ۲۰، ص: ۶۷ و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳۷، ص: ۶۹.
 - ۳- . برخی سند این روایت را مرسل دانسته اند. کتب اربعه آن را نقل ننموده اند اما برخی منابع مانند منابع فوق آن نقل کرده اند. در هر صورت مضمون این روایت در منابع معتبر ما موجود است.

روایی ما تکرار شده، با دیدن این حدیث و احادیثی از این دست پس از تعجب، باب توجیه باز شده و از هر زاویه ای که شده سعی در توضیح امثال این روایت شریف می کنیم. چرا؟ چون این حدیث را مطابق سلیقه روزگاران نمی یابیم! از طرفی اجرای این حدیث را غیر ممکن و غیر امروزی می دانیم. شاید باب توجیهی مصلحت سنجی، اقتضای زمانه، فقه پویا و... به روی خود باز کنیم و اگر شعله ایمانمان کم سوء باشد نیز با کنار گذاشتن امثال این روایت شریف از باب عدم کارایی سبک و سیره معصومین (علیهم) در عصر حاضر راه ناهموار را بر خود هموار سازیم.

اما مشکل آن وقت پیچیده تر می شود که گوینده آن جمله (خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرُوهُنَّ) حضرت زهرا علیها السلام است که در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ بشر با تمامی وجود پا به میدان جامعه گذارده و منشأ تحولی در جامعه گردیده است. توجیه آن روایت خود مشکلی بود که عدم امکان جمع بین عمل و سخن نیز بدان افزوده شد.

برای حل مشکل؛ عده ای این دو را، تناقضی روشن دانسته و گروهی یا به ماندن زن مسلمان در خانه حکم داده اند و یا به حضور راحت و رایج زن در جامعه و اختلاط و تداخل حریم ها تن در داده اند! البته بنا به ضرورت و همسویی با دنیا و مقررات بین المللی و...

چه باید کرد؟ تکلیف چیست؟ زن بیاید یا نیاید؟ حدیث معتبر است یا بر حسب مصلحت از آن بگذریم؟ (۱)

ص: ۱۳۲

در جواب باید گفت اصل اولی (فارغ از آن که خانواده را کوچک ترین اجتماع فرض کنیم و بخواهیم از حضور زن در خانواده به حکم فطرت بحثی به میان آوریم) همان کلام حضرت زهرا علیها السلام است که بهتر آن است که زن در منزل بماند. حقیقت آن است که حضور زن در جامعه نمی تواند خالی از اختلاط و نقض حریم های شرعی و اخلاقی باشد! طبیعت زن نیز زیبایی، جذابیت، جلب توجه و آراستگی را می طلبد زن نیز نمی تواند قدم بر طبیعت خود نهاده آن را لگدمال نماید. حضور زن با این ویژگی ها در جامعه نتیجه ای جز انحراف نخواهد داشت!

ممکن است به نظر آید که این گفتار بیشتر ناظر به جهات معنوی حیات زنان باشد؛ اما تجربه بشری نشان داده که این مطلب درباره زندگی مادی و معیشتی و اجتماعی و خانوادگی زنان نیز صادق است؛ زیرا امروزه در دنیای غرب - که سالیان درازی است که اختلاط بین زن و مرد وجود دارد و راه ها و طرق گوناگون و متعدد و متنوع نیز برای ارتباط آزاد جنسی و ارضای شهوات موجود است - با این همه زنان به شدت تحت آزار و استعمار جنسی مردان قرار دارند. (۱)

اما در عمل ثابت شد که این تساوی تنها برای سوء استفاده از جنس زن بود.

ویل دورانت، فیلسوف و نویسنده معروف تاریخ تمدن می گوید: ... بزرگ ترین حادثه قرن بیستم، دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده ای در مدتی به این کوتاهی، کمتر دیده است. خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی

ص: ۱۳۳

۱- . برای آگاهی بیشتر ر.ک: جامعه شناسی، آنتونی کیدنز، نشر نی.

ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوت رانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی که ما را از «توحش» به «تمدن» و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فراگرفته است، گرفتار شده!

هنوز هم ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، از منفور شدن حس مادری! از کاهش علاقه پدر و مادر، خصوصاً مادر نسبت به فرزندان! از ابتذال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس های سطحی به جای عشق (محبت و مودت)، از افزایش روز افزون طلاق و... به گوش می رسد!^(۱)

اسلام، خواهان آن است که زنان در چارچوب زندگی خانوادگی و در منزل به کمالات و رشد و... نائل شوند؛ بنابراین چنان چتر حمایتی در قوانین خود برای زن ایجاد کرده که او هیچ گاه برای تأمین نیازمندی های خود، نیازمند خروج از خانه نباشد و همواره مرد را موظف به تأمین او کرده است.

«به همین جهت، اسلام در وظایف و تکالیف اجتماعی که قوامش به تعقل یا احساس است، میان زن و مرد فرق گذاشته است. ولایت، قضاوت و جنگ را که احتیاج مبرم به تعقل و صلابت دارد، به مردان و پرستاری، پرورش نوباوگان و تدبیر خانه را به زنان واگذار نموده است.»^(۲)

اصل دوم:

اشاره

باز می گردیم به سؤال نخست! حضرت زهرا علیها السلام، زینب کبری علیها السلام و سایر نمونه های والای دینی چگونه در جامعه حاضر شده و به

ص: ۱۳۴

۱- . نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص: ۱۵، مقدمه.

۲- . تفسیر المیزان، ج ۲، ص: ۳۸۶.

ایفای نقش و ترسیم تاریخ پرداختند؟ و بدیهی است که این حضور آن چنان بوده که در صورت حذف حضور تاریخ مسیری دیگر را می پیمود! یعنی اگر حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه حضور نمی یافتند و از بشریت مظلوم دفاع نمی کردند قطعاً تاریخ روند دیگری را برمی گزید و به تکامل نمی رسید و همین گونه است عدم حضور زینب علیها السلام و سمیه (نخستین شهیده اسلام) و...! این مرحله، مرحله اضطرار و اجبار حضور زن در اجتماع برای دفاع از دین خداست.

علاوه بر مورد بالا، اسلام عزیز برای حضور اجتماعی زنان تدابیری اندیشیده که سبب می شود در صورت حضور او در جامعه آسیبی متوجه او نگردد و یا آسیب را به حداقل ممکن برساند؛ و آن تدبیر آن است که زنان، محترمانه و با حرمت و کرامت در اجتماعی ظاهر شوند و به انجام اعمال صالح و مفید اجتماعی پردازند.

حقیقت آن است که زنان پیامبر صلی الله علیه و اله با مردان دیگر مواجه می شدند. قرآن آنان را نهی نکرده بلکه آداب و رفتار محترمانه را به آنان آموخت. آنان را از تبرج و به ناز و کرشمه سخن گفتن نهی کرد، نه از مطلق خارج شدن از خانه و سخن گفتن با مرد نامحرم.

صحابه بزرگوار هم چون سلمان فارسی، ابوذر غفاری و جابر بن عبدالله انصاری خدمت حضرت زهرا علیها السلام می رسیدند. از ایشان علم می آموختند حتی سلمان در کارهای منزل به حضرت یاری می رساند.

با توجه به مجموع ادله و روایات و سنت و سیره معصومان به خصوص سیره خود حضرت زهرا علیها السلام، اسلام دعوت کننده به

رعایت حریم و عفت و حیا در صورت حضور اجتماعی زنان است.

البته وجود مبارک فاطمه زهرا علیها السلام نیز گرچه به هنگام ضرورت در صحنه اجتماع و سیاست حضور یافتند، اما بنای زندگی و روش ایشان در زندگی به اختلاط با مردان نبوده است.

بنابراین اصل دومی که حضور زن در اجتماع است مستلزم وجود حد و مرزهایی است که در تشریح احکام مرزهای حضور زن و مرد در اجتماع، چگونگی و تفاوت ها و استعدادهای خاص آنان لحاظ شده و مناسب با آن، برای هر یک از آنان وظایف و حدود ویژه ای معین گردیده است. زن و مرد به دلیل همین تفاوت های فطری، هر یک نقشی خاص و متفاوت با دیگری را عهده دار می شوند. ملاک برتری هر یک به دیگری در عمل کردن وظیفه، یعنی حفظ حدود و مرزهایی است که خداوند برای آنان معین کرده است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ (۱)».

اسلام حضور اجتماعی زنان را به سه دسته تقسیم می کند:

۱. ممنوع

اموری که اسلام از شرکت و حضور زنان منع کرده است و با طبع و فطرت زنان سازگار نیست؛ همچون: حکومت، قضاوت، جنگ و کارهای سنگین و طاقت فرسای دیگر.

۲. واجب

اموری که اسلام نه تنها از حضور زنان با رعایت و حفظ حجاب و حق خانواده منع نکرده، بلکه (در صورت ضرورت و نیاز اجتماع) واجب کرده است؛ چون: تحصیل علوم و معارف الهی، تعلیم

ص: ۱۳۶

و تعلم، پرستاری از بیماران و مجروحان، پزشکی مخصوص زنان، آموزش و پرورش دختران و تمام کارهای خاص زنانه و هریک از ضرورت های اجتماعی دیگر.

اسلام با کار کردن زنان مخالف نیست، بلکه آنان را به کار کردن، تشویق نموده است البته با ظرافت و دقت منحصر به فرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: سه صدا است که حجاب ها را پاره می کند و به پیشگاه با عظمت خدا می رسد: «ثَلَاثَةٌ تَخْرُقُ عَلَى الْحُجْبِ وَتَنْتَهِي إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ: صَرِيرُ الْأَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ وَوَطْئُ أَقْدَامِ الْمُجَاهِدِينَ وَصَيُوتُ مَغَازِلِ الْمُحْصَنَاتِ (۱)؛

(الف) صدای گردش قلم دانشمند به هنگام نوشتن. (تلاش فرهنگی)

(ب) صدای قدم های مجاهدان در میدان جهاد. (تلاش دفاعی)

(ج) صدای چرخ ریسندگی [زنان پاک دامن]. (تلاش اقتصادی)

۳.۰۳ مباح

کارهایی که گرچه حضور زنان در آنها ممنوع نیست، اما زنان به انجام آنها تشویق هم نشده اند. این دسته نیاز به دقت زیاد و رعایت شئونات خانواده و اجتماع دارد. اسلام بهترین و عالی ترین وظیفه را برای زنان، اهتمام به امور خانه و خانه داری دانسته است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، الگوی زنان عالم فرمود: «نزدیک ترین

ص: ۱۳۷

۱- . الشهاب فی الحکم و الآداب، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص: ۳۷۷.

حالات زن به خدا، آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نرود.^(۱)»

علی علیه السلام نیز فرمودند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ^(۲)؛ جهاد زن، خوش شوهرداری کردن است.»

پیامدهای حضور بی حد و مرز زنان در جامعه

اشاره

حضور بی حد و مرز زنان در صحنه های اجتماعی به بهانه شعار دروغین «تساوی حقوق زن و مرد» عوارض و تبعات خطرناک و جبران ناپذیری دارد که هیچ عقل سلیم و فطرت پاکی پذیرای آنها نیست.

به چند نمونه از تبعات و پیامدهای خانمان برانداز حضور بی حد و مرز زنان در اجتماع اشاره می کنیم:

۱. ضعف تربیت نسل جامعه

در پرتو عدم حضور زن در خانه روند تربیت فرزندان صالح دچار مشکلاتی می شود. حضرت محمد صلی الله علیه واله فرمود:

«الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ^(۳)؛

فرزند صالح، گلی از گل های بهشت است.»

۲. سلب آرامش

رفع ناراحتی های روانی می تواند در گرو داشتن خانواده ای سالم

ص: ۱۳۸

۱- . منتهی الآمال، ص: ۱۳۴. ۱۳.

۲- . بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص: ۲۵۲.

۳- . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص: ۱۷۶.

باشد و خانواده سالم نیز در گرو حضور دائم و با نشاط زن در خانه است.

۳. بالا رفتن سن ازدواج

با تصدی زنان بر مشاغل، مردها به علت بی کاری به تشکیل خانواده تن نداده و از ازدواج و مسؤولیت سنگین آن، فرار می کنند. از طرفی سطح توقعات و ایده آل های زنان نیز بالا رفته، در نتیجه، سن ازدواج دختر و پسر بالا می رود و هر روز فساد اخلاقی، فحشاء و جرم و جنایت بیشتر می شود.

۴. پیری زودرس

زن مجبور می شود به بهانه تساوی حقوق زن و مرد! در عرصه های اجتماعی و شغلی و... پا به پای مردان و با رقابتی تنگاتنگ کار کند که نتیجه ی آن از بین رفتن طراوت و شادابی زنانه و احساسات و عواطف مادرانه است. «پژوهشگران آمریکایی اعلام کردند: کار کردن زن و بر عهده گرفتن مشاغل سنگین توسط آن ها، سلامت همسرانشان را به خطر می اندازد. تحقیقات پژوهشگران نشان داده که سلامتی مردان خانواده به میزان قابل توجهی به همسرانشان بستگی دارد. در واقع، زنان نقش مهمی در حفظ سلامت شوهرانشان و امانت اجتماعی خانواده ایفاء می کنند. اگر زنان زیاد بیرون از خانه به فعالیت پردازند، سلامت شوهرانشان پس از گذشت سه سال تا ۲۵٪ کاهش می یابد! اما اضافه کار کردن مردان در خارج از خانه،

هیچ

ص: ۱۳۹

تأثیری در میزان سلامتی افراد خانواده ندارد!»^(۱)

بخشی از فعالیت های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام

الف. بیان معارف الهی

مردی همسرش را فرستاد تا به نزد حضرت برود و از ایشان پرسد که آیا او از شیعیان و پیروان شما می باشد یا خیر؟ او به حضور حضرت آمد و چنین پاسخ شنید که به شوهرت بگو: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَالْأَفْلَاكُ»^(۲)؛

اگر به آنچه که به شما امر کرده ایم عمل می کنی و از آنچه نهی کرده ایم دوری می کنی، از شیعیان ما هستی و گرنه خیر...» این جریانات اگرچه در منزل حضرت اتفاق می افتاد و به ظاهر حضرت در منزل مستقر بود اما نشان از پویایی حضرت در جامعه داشت.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی می نویسد:

«تأکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم صلی الله علیه واله در گفتار و رفتار، به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا علیها السلام سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنان که منزل ایشان پایگاه و پناهگاهی برای کسان زیادی بود که به آنجا رفت و آمد می کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلش رفت و آمد داشتند.»^(۳)

ب) بیان احکام شرعی بانوان:

زنان مدینه خدمت آن حضرت می رسیدند و پرسش های شرعی خود را از محضرش می پرسیدند و ایشان نیز با صبر و حوصله به

ص: ۱۴۰

۱- روزنامه همشهری، ۳۱/۵/۷۹، ش ۲۱۹۹.

۲- بحار الانوار، ج ۶۸، ص: ۱۵۵؛ نهج الحیاه، ص: ۲۱۷.

۳- جعفر مرتضی العاملی، مساهم الزهراء، ص: ۵۳؛ ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص: ۱۹۳ و ۱۹۷.

پاسخ آنها می پرداخت(۱).

ج) مسائل سیاسی

رسول خدا در مکه مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند تاریخ نام بانویی بزرگوار که در آن وقت بین پنج تا هشت سال بیشتر نداشته است را نیز در کنار مدافعان پیامبر ضبط و ثبت کرده است.(۲)

بعد از رحلت جان سوز پیامبر اسلام نیز حضرت در چند مرحله حضور در اجتماع اعتراض خود را اعلام نمود:

اعتراض به غصب فدک(۳)،

اعتراض به حمله به خانه حضرت(۴)،

اعتراض به بردن امیر مؤمنان به مسجد و سپس ایراد خطبه فدکیه و... همگی ناظر به لزوم حضور اجتماعی زنان و البته مهم تر از آن نحوه حضور زنان در جامعه است.

گریز و روضه

* شکل پوشش حضرت

* «لَأَنْتَ خِمَارُهَا عَلَى رَأْسِهَا»؛ لاث به معنی پیچیده است. خمار چیزی بوده است بزرگتر از روسری های فعلی زن ها به صورتی که سر و سینه و گردن را می پوشانده است

* «وَ اَشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا»؛ جلباب نوعی پوشش سراسری بوده که روی لباس ها می پوشیده اند. شاید چیزی شبیه چادر امروز یا پیراهن بلند عربی.

* «وَ اَقْبَلَتْ فِي لُحْمِهِ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا»؛

ص: ۱۴۱

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص: ۳.

۲- جهت اطلاع بیشتر ر.ک: دلائل النبوه، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، بحارالانوار، ج ۱۸، باب ۸.

۳- بحارالانوار، ج ۲۹، ص: ۱۱۸ به نقل از چشمه در بستر، ص: ۲۶۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص: ۲۱۶.

۴- الاحتجاج، ج ۱، ص: ۲۰۹ - ۲۱۳.

یعنی حضرت زهرا علیها السلام همراه با گروهی که به اصطلاح هم سن و سال، یا هماهنگ، یا از یاران و اعوان و خویشاوندان ایشان بودند حرکت کردند.

«فَنِيَطُّ دُونَهَا مَلَأَةً»^(۱)؛ سپس میان حضرت و مردم پرده ای نصب شد.

موج کوثر چون به مسجد سر نهاد

لرزه بر دنیا و ما فیها فتاد

گفت در طغیان عشقم، کوثرم

تیغ داران! پیش مرگ حیدرم

می دهم جان، جان او را می خرم

هرچه پیش آید علی را می برم

بیم دارید از من و از آه من

سیل عشقم، کیست سدّ راه من

دست خالی گر نشد حل مشکلم

ذوالفقاری سازم از آه دلم

زنان دور و بر حضرت را گرفته بودند، حضرت با حجاب کامل به میان مردم آمد تا کسی زهرای مرضیه رو مشاهده نکند. امیر مؤمنان هم از حجاب شب استفاده می کرد. زائر شبانه بود. کسی علی را کنار قبر زهرا نبیند. شب ها که بچه ها خواب می رفتند بلند می شد، آهسته آهسته می آمد کنار قبر فاطمه:

«حَبِيبٌ لَيْسَ يَعْدِلُهُ حَبِيبٌ وَمَا لِسِوَاهُ فِي قَلْبِي نَصِيبٌ»

ص: ۱۴۲

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۳۷۲، ح ۱۷۵۴.

حَبِيبٌ غَابَ عَنِّي وَعَنِّي وَجِسْمِي وَعَن قَلْبِي حَبِيبِي لَا يَغِيبُ (۱)»

دوباره شب شد و ظلمت برآمد

کنار قبر زهرا حیدر آمد

بخواب آرام، ای پهلوی شکسته

علی بالین قبر تو نشسته

بخواب آرام، ای نور دو عینم

که من شب ها پرستار حسینم

فاطمه جان! هر وقت صدایت می زدم، می گفتی: «یا بن عم»؛ پسر عمو. اما دیگر جواب علی را نمی دهی؛

«مَا لِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا قَبْرَ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرُدَّ جَوَابِي» (۲)

فاطمه جان!

خیز و از داغ غم رهایم کن

خیز و باز «ابن عم» صدایم کن

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

ص: ۱۴۳

۱- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۲۱۷.

۲- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۲۱۷.



۱. روش سؤالی.
۲. كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۴۶۶ ووسائل الشيعة، ج ۲۰، ص: ۶۷ و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳۷، ص: ۶۹.
۳. برخی سند این روایت را مرسل دانسته اند. کتب اربعه آن را نقل نموده اند اما برخی منابع مانند منابع فوق آن نقل کرده اند. در هر صورت مضمون این روایت در منابع معتبر ما موجود است.
۴. ایجاد انگیزه به روش سؤال کاربردی.
۵. برای آگاهی بیشتر رک: جامعه شناسی، آنتونی کیدنز، نشر نی.
۶. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص: ۱۵، مقدمه.
۷. تفسیر المیزان، ج ۲، ص: ۳۸۶.
۸. حجرات/۱۳.
۹. الشهاب فی الحکم والآداب، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص: ۳۷۷.
۱۰. منتهی الآمال، ص: ۱۳۴، ۱۳.
۱۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص: ۲۵۲.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص: ۱۷۶.
۱۳. روزنامه همشهری، ۷۹/۵/۳۱، ش ۲۱۹۹.
۱۴. بحار الانوار، ج ۶۸، ص: ۱۵۵؛ نهج الحیاة، ص: ۲۱۷.
۱۵. جعفر مرتضی العاملی، ماساة الزهراء، ص: ۵۳؛ رک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص: ۱۹۳ و ۱۹۷.
۱۶. بحار الانوار، ج ۲، ص: ۳.
۱۷. جهت اطلاع بیشتر رک: دلائل النبوة، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، بحار الانوار، ج ۱۸، باب ۸.
۱۸. بحار الانوار، ج ۲۹، ص: ۱۱۸ به نقل از چشمه در بستر، ص: ۲۶۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص: ۲۱۶.
۱۹. الاحتجاج، ج ۱، ص: ۲۰۹-۲۱۳.
۲۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۳۷۲، ح ۱۷۵۴.
۲۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۲۱۷.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۲۱۷.

فصل نهم: بصیرت آفرینی فاطمه علیها السلام و فاطمیون

اشاره

ص: ۱۴۵

وقتی سخن از بصیرت و فهم آفرینی مطرح می شود، نام حضرت زهرا علیها السلام به عنوان بصیرت آفرین مطرح می گردد همان طور که نام زینب کبری علیها السلام نیز بلندمرتبه می گردد. حال سؤالاتی پیش می آید که توجه به آن نیازمند دقت است.

۱. دوران زندگی حضرت زهرا متصل به دوران زندگی رسول خداست چگونه ممکن است با این سرعت فتنه ایجاد گردد و از حضرت زهرا به عنوان فرد بصیرت آفرین نام برد؟

۲. بصیرت آفرینی و فهم آفرینی حضرت زهرا چگونه بوده و آیا اثری نیز داشته است؟

۳. آیا این روشنگری ها برای عصر و زمان ما کاربرد دارد یا خیر؟

اقناع اندیشه و تحریک احساس

قرآن کتابی است سراسر بصیرت و بینش: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ» کتابی است سراسر نور

ص: ۱۴۷

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»؛ و در هر عصری توانایی پاسخگویی به تمامی نیازها و سؤالات مردم را دارد؛ اما تذکر این نکته لازم و ضروری است که بهره بری کامل از قرآن نیاز به مفسرانی دارد که از عیب و پلیدی و گناه به دور باشند و اینان کسانی نیستند جز همان هایی که قرآن فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

بنابراین اولین اشکال مردم عصر وفات پیامبر رویگردانی از اهل بیت (علیهم) بود که سبب شده استفاده از قرآن را از دست بدهند؛ اما حال که ما به آن دوران از زاویه دید خود می نگریم بصیرت آفرینی و فهم آفرینی در قرآن را این گونه می بینیم: در آیه ای از آیات قرآن کریم خداوند متعال این وعده را می دهد که: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»

بر پایه رهنمودهای انبیاء و اوصیاء الهی، برای شکوفایی بصیرت انسانی به دو محور نیاز وجود دارد. اول مجاهدت علمی و عملی و دیگری اخلاص در عمل. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا» یعنی مجاهدت علمی و عملی، «فِينَا» اخلاص در عمل؛ دوری از هوا و هوس و مطیع نفس اماره نشدن و «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» یعنی شکوفایی دیده بصیرت.

از حسین بن روح (ره) که از نواب خاص امام زمان (عج) است سؤال کردند: در حالی که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از همه دختران

پیامبر کم سن و سال تر بود و از نظر همراهی با پیامبر صلی الله علیه و اله کمترین زمان از آن ایشان بود، چرا از همه دختران رسول خدا صلی الله علیه و اله افضل بودند؟

ایشان جواب داد: افضل بودن صدیقه طاهره علیها السلام به خاطر دو خصلتی که پروردگار عالم ایشان را به آن دو خصلت مخصوص گردانیده بود:

۱- از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله میراث ها برده بود.

۲- نسل پیامبر خدا صلی الله علیه و اله از او بود.

و خداوند این ویژگی را به حضرت نبخشید، مگر به لحاظ زیادی خلوصی که در نیت صدیقه طاهره علیها السلام سراغ یافت؛ و این همان اخلاص در عمل است.

بیان حسین بن روح، اخلاص در عمل حضرت زهرا علیها السلام را برای ما ثابت می کند و بیانات حضرت صدیقه طاهره گویای مجاهدت علمی و عملی آن حضرت هست.

بصیرت آفرینی حضرت زهرا علیها السلام و مشی سیاسی و مرام مقابله با فتنه گران در سیره حضرت، منطبق بر این آیه کریمه بود؛ چراکه آن حضرت شاگرد مکتب قرآن در محضر استادی چون حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله است.

بصیرت و هدایت یک پاداش قرآنی است برای کسانی که در راه خداوند تلاش خالصانه می کنند. «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» مصداق کاملی از این مجاهدت علمی و عملی را حضرت زهرا علیها السلام در زندگی کوتاه خود برای دوستان و شیعیان خود به تصویر کشیدند

تا آنها با الگوبرداری از آن دیده بصیرت پیدا کنند و دیگران را هم در این مسیر قرار دهند.

تصویر جامعه اسلامی پس از پیامبر اسلام در کلام حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

فتنه درختی است که ریشه اش مدت ها در خاک پنهان بوده و رشد و نمو آن منحصر به زمان سربرآوردن نیست. اگر در تاریخ خوب بنگریم حوادثی قبل از رحلت جان سوز نبی گرامی اسلام رخ داده که قابل تأمل است:

بازگشت سپاه اسلام از جنگ برخلاف دستور رسول خدا، ماجرای دوات و کاغذ و ... خبر از فتنه می دهد.

سوید بن غفله گفت: چون بانوی ما حضرت فاطمه علیها السلام به بستر بیماری افتاد- همان بیماری که منجر به فوت آن حضرت گشت- زنان انصار و مهاجرین برای عیادت به خدمت آن حضرت رسیده و گفتند: با این بیماری چگونه شب را به صبح آوردی ای دخت پیامبر؟ حضرت زهرا علیها السلام نیز پس از حمد الهی و صلوات بر پدرش فرمود: «أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَهُ لِدُنْيَا كُنَّ، قَالِيَهُ لِرِجَالِكُنَّ؛ من روزگار می گذرانم، در حالی که دیگر از دنیای شما بیزار و از مردانتان ناامید شده ام»

حضرت در ادامه، دلیل این ناامید شدن و بیزاری از ایشان را چنین بیان می فرمایند:

الف) سستی در باورها

«فَقُبِحًا لِفُلُولِ الْحَدِّ؛ پس وای بر شمشیرهای کُند شده».

ص: ۱۵۰

علت اینکه من از مردان شما بیزار و ناامیدم و فهمیدم که آنان در برابر رویدادها و حوادث، منشأ اثر نیستند، این است که شمشیرهای آنان کُند شده اند.

(ب) پیروی از هوا و هوس

«وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ؛ وای بر شوخی گرفتن مهمّات، پس از جدیت در آن». مردان شما بر عهدی جدی با پیامبر خدا بسته بودند، اما همه چیز را سست پنداشته و ثابت قدم نماندند و به دنبال هوا و هوس رفتند.

(ج) پرداختن به امور واهی

«وَقَرَعَ الصَّفَاهُ؛ وای بر کوبیدن های بی حاصل بر سنگ های سخت». کاری بیهوده و حرکتی بی حاصل انجام می دهید و امیدهایتان به نتیجه نمی رسد.

(د) انحراف در فکر و تمایلات

«وَوَحَّطِلِ الْأَرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاءِ (۱)؛ وای بر خطای در فکر و لغزش در تمایلات». شما می اندیشید، اما فکرتان به خطا رفته و در خواسته هایتان سقوط کرده اید.

این ها بخشی از سخنان حضرت فاطمه علیها السلام بود که تصویری از جامعه بعد پیامبر را به نمایش می گذارد در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

ص: ۱۵۱

۱- . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۱۰۸، احتجاج فاطمه الزهراء علیها السلام علی القوم لما منعوها فدک و قولها لهم عند الوفاء بالإمامه.

نیز همین موارد به صورت خلاصه بیان شده است: «إِنَّمَا يَدُوعُ الْفِتْنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدِعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ(۱)؛ به درستی که فتنه ها از پیروی آراء شخصی و نوآوری در احکام الهی که با کتاب خدا وفق ندارد، آغاز گیرد و گروهی [با دو انحراف یادشده] بر گروه دیگر سلطه یابند، که برخلاف دین خدا است.»

در کلام امام علیه السلام، سه عامل مهم به عنوان زمینه فتنه ها معرفی شده است:

۱. خواهش های نفسانی (پیروی از هوا و هوس)

۲. بدعت ها (پرداختن به امور بی پایه و واهی)

۳. اندیشه معیوب (سستی در باورها، انحراف در اندیشه ها)

پس از آگاهی از مشکلات جامعه اسلامی راهکارهای حضرت زهرا برای مقابله با این فتنه ها در سه قالب ظهور پیدا کرد.

الف. تذکرات روشنگران

ب. افشاگری عالمانه

ج. برخورد قاطعانه

که در این جلسه ما به اولین قدم یعنی تذکرات روشنگرانه خواهیم پرداخت.

الف. تذکرات روشنگرانه

اشاره

سه اصل بیان شده در تذکرات روشنگرانه حضرت امام شناسی، زمان شناسی و دشمن شناسی است.

تذکرات روشنگرانه حضرت در قالب های زیر انجام شد.

ص: ۱۵۲

الف) حضرت فاطمه علیها السلام در برابر یکی از افراد نادان مدینه که زبان به سرزنش امیر مؤمنان گشوده بود فرمود: می دانی امام کیست؟ «وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّيَّانِيُّ ...، نُقِطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ وَأَبُو بَنِيهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ هُمَا رِيحَانَتِي رَسُولِ اللَّهِ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ (۱)؛ علی علیه السلام امامی ربانی و الهی، ... و مرکز توجه تمام عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، نقطه دایره امامت و محور اصلی امامت و پدر حسن و حسین، دو دسته گل پیامبر صلی الله علیه واله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت است.»

ب) همچنین فرمود: پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه واله هرگاه مشرکان، آتش جنگ برافروختند، خدا خاموش کرد، یا هرگاه شاخ شیطان سر برآورد، ... رسول خدا صلی الله علیه واله برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام را در کام ازدها و شعله های فتنه ها افکند و علی علیه السلام هم باز نمی گشت؛ مگر آن که سرکشان را پایمال شجاعت خود می گردانید، و آتش آن ها را با آب شمشیرش خاموش می کرد، ... و تلاش کننده در راه خدا بود، که در راه خدا از سرزنش کنندگان پروایی نداشت.

ج) حضرت زهرا فرمودند: «أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ (۲)؛

ص: ۱۵۳

۱- . نهج الحياه، ص: ۴۴.

۲- . همان، ص ۴۹، ح ۲۶.

همانا سعادت‌مند [به معنای] کامل و حقیقی کسی است که امام علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.»

د) شنیدم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله فرمود: «علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم، (حسن و حسین (علیهما السلام) و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیک اند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.» (۱)

۲. بیان فضایل قرآن و عترت

از بیانات حضرت زهرا علیها السلام است که فرمودند: «وَ نَحْنُ وَسَيِّئَتُهُ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي عَيْبِهِ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ (۲)؛ ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و اله وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم و ما برگزیدگان خدا و جایگاه پاکی‌هاییم و ما دلیل‌های روشن خدا و وارث پیامبران الهی هستیم.»

۳. یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...

حضرت زهرا علیها السلام هر جا که لازم بود با یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...، مغزهای خفته و انسان‌های فریب‌خورده را هدایت و بیدار می‌فرمود و بارها فریاد برآورد که:

ص: ۱۵۴

۱- . عَلِيُّ خَيْرٌ مِّنْ أَخْلَفْتُمْ فِيكُمْ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطِي وَ تَسْبِيحُهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةٌ أَبْرَارٍ لِّئِنْ أَتَبَعْتُمْ وَهُمْ وَ حَيْدْتُمْ وَهُمْ هَيَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ وَ لِّئِنْ خَالَفْتُمْهُمْ لِيَكُونَ الْإِخْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (بحار الانوار، ج ۳۶، ص: ۳۵۲ تا ۳۵۴، حدیث ۲۲۴)

۲- . همان، ص ۳۵، ح ۱۳.

— «وَأَعْبَاهُ! أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ (۱)؟ شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟

— «أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى (۲)؛ آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم که فرمود: هر کسی من مولا و رهبر او هستم، علی علیه السلام مولای او است؛ و [آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام] فرمود: یا علی! موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسی پیغمبر است؟

۴. ترسیم سیمای عصر جاهلیت

حضرت فرمودند: «شما در عصر جاهلیت بر کناره پرتگاهی از آتش بودید؛ چون جرعه ای آب، خوراک هر کسی بوده، لقمه هر طمع کننده و آتش زنه ای بودید، که فوراً خاموش می شدید. لگدکوب هر رونده ای بودید و نوشیدنی شما، آب گندیده، و خوردنی شما، پوست جانور و مردار بود. خوار و ذلیل بودید و رانده شده، و می ترسیدید که مهاجران اطرافتان شما را برابند تا آنکه خدای بزرگ با دستان محمد صلی الله علیه و آله نجاتتان بخشید، پس از حوادث فراوانی که پدید آمد و رنج ها و بلاهای زیادی که از دست شجاعان شما، گرگ های عرب و از سرکشان اهل کتاب، کشید. (۳)»

گریز و روضه

۵. ترسیم چهره شیعیان

«اگر به آنچه تو را بدان امر نمودیم عمل کنی و از آنچه نهی

ص: ۱۵۵

۱- . الانصاف فی النص علی الأئمة، ص: ۴۱۱.

۲- . نهج الحیاه، ص: ۴۱، ح ۱۷.

۳- [۳] وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ، مُيَذَّقَةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ الْعَجَلَانِ، وَ مِوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، أذِلَّةٌ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ تَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْفَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّيْتِيَا وَ اللَّيْتِيَا، وَ بَعْدَ أَنْ مَيَّئِي بِهِمُ الرُّجَالِ، وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرَدِهِ أَهْلِ الْكِتَابِ .

کردیم بازایستی، از شیعیان ما می باشی و در غیر این صورت از آنان شمرده نمی شوی. شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشت می باشند، دوستان ما و دوستاناران دوستان ما و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند از شیعیان ما شمرده نمی شوند، آنگاه که با اوامر ما مخالفت نموده و از نواهی ما اجتناب نکنند و با این همه در بهشت می باشند، ولیکن بعد از آنکه با ناراحتی ها و گرفتاری ها از گناهان پاک شوند، یا در موقف های قیامت با انواع دردها، یا در طبقه اول از جهنم قرار داده شوند و با عذاب های الهی عقاب شوند تا با محبت ما از آن نجات یابند و به حضور ما برسند. (۱)»

مردی به همسرش گفت: برو خدمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از او پرس آیا من از شیعیان شما هستم یا نه؟

آن زن خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسید و مطلب را پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «به همسرت بگو اگر آنچه را که دستور داده ایم بجا می آوری و از آنچه نهی نموده ایم دوری می جویی از شیعیان ما هستی و گرنه شیعه ما نیستی.»

زن به منزل برگشت و فرمایش حضرت زهرا علیها السلام را برای همسرش نقل کرد. مرد با شنیدن جواب حضرت سخت ناراحت شد و فریاد کشید:

- وای بر من! چگونه ممکن است انسان به گناه و خطا آلوده نباشد؟

بنابراین من همیشه در آتش جهنم خواهم سوخت، زیرا هرکس از شیعیان ایشان نباشد همیشه در جهنم خواهد بود.

ص: ۱۵۶

زن بار دیگر محضر فاطمه علیها السلام رسید و ناراحتی و سخنان همسرش را نزد آن حضرت بازگو نمود.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

- به همسرت بگو؛ آن طور که فکر می کنی نیست. چه اینکه شیعیان ما بهترین های اهل بهشتند ولی هر کس ما را و دوستان ما را دوست بدارد دشمن دشمنان باشد و نیز دل و زبان او تسلیم ما شود، ولی در عمل با او امر و نواهی ما مخالفت کرده، مرتکب گناه شود، گرچه از شیعیان واقعی ما نیست اما در عین حال او نیز در بهشت خواهد بود، منتهی پس از پاک شدن گناه.

آری! به این طریق است که به گرفتاری های (دنیوی) و یا به شکنجه مشکلات صحنه قیامت و یا سرانجام در طبقه اول دوزخ کیفر دیده، پس از پاک شدن از آلودگی های گناه به خاطر ما از جهنم نجات یافته، در بهشت و در جوار رحمت ما منزل می گیرد. (۱)

این بصیرت بخشی و فهم آفرینی حضرت زهرا علیها السلام نوعی مجاهده و جهاد بود. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» لذا دشمن خوب تشخیص داد

دید دشمن فاطمه جان علی است

بلکه با جانش نگهبان علی است

گفت باید جان حیدر را گرفت

از علی دخت پیمبر را گرفت

دید جان مرتضی پشت در است

از امام خویش هم تنهاتر است

ص: ۱۵۷

سنگ و آئینه نمی دانم چه شد؟

آهن و سینه نمی دانم چه شد؟

آن قَدَر گویم که در بیت الولا

«قل هو الله» گشت از قرآن جدا

آرزوی حیدر آنجا کشته شد

هم پسر هم مادر آنجا گشته شد

ظلم و طغیان تا قیامت زاده شد

این چنین مزد رسالت داده شد(۱)

علی علیه السلام هر وقت وارد خانه می شد و به زهرا علیها السلام نگاه می کرد، تمام غم و غصه هایش برطرف می شد. اگر بیرون خانه مردم به او سلام نمی کردند یا اگر امیرالمؤمنین سلام می کرد و آن ها جواب نمی دادند، اگر غریب و تنها شده بود، اگر بیرون خانه یار و همدم و هم زبانی نداشت؛ اما وقتی وارد خانه می شد با دیدن حضرت زهرا علیها السلام و مهربانی و هم دردی و دلداری های او آرامش پیدا می کرد. آری، همیشه دیدن زهرا علیها السلام مایه ی آرامش او بود؛ اما یک وقتی رسید که با دیدن حضرت فاطمه علیها السلام آه از نهاد امیرالمؤمنین علیه السلام بلند شد؛ صورت کبود است؛ پهلو شکسته است. با غسل یکایک مصائب گذشته حضرت زهرا علیها السلام را مرور کرد؛ بازو ورم کرده است؛ سینه ضرب دیده است؛ یا امیرالمؤمنین علیه السلام! بدن حیبت را با دلی شرحه شرحه غسل دادی. پهلو و سینه را شکسته یافتی، صورت و بازو را کبود دیدی؛ اما به هر حال بدن به ظاهر سالم بود؛ اما زینب کبری علیها السلام وقتی آمد مقابل بدن حیبت، دید بدن برادر قطعه قطعه است و سر

ص: ۱۵۸

در بدن ندارد. خم شد و لب هایش را بر رگ های بریده ی برادر گذاشت.
آهی کشید از دل و با دیده ی پر آب با بضعه رسول خدا کرد این خطاب
مادر بیا که بی کس و تنها حسین توست تنها میان لشکر اعدا حسین توست
مادر بیا ببین که در این دشت مرگ بار بی یار و بی پناه و هم آوا حسین توست
این پاره پاره تن، که فتاده به روی خاک از تشنگی به حالت اغما حسین توست
این نازنین بدن که ندارد برای من یک جای بوسه در همه اعضا حسین توست

ص: ۱۵۹



۱. روش سؤالی.
۲. الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۱، ص: ۱۰۸، احتجاج فاطمة الزهراء عليها السلام على القوم لما منعوها فدك و قولها لهم عند الوفاة بالإمامة.
۳. نهج البلاغه، خ، ۵۰.
۴. نهج الحياة، ص: ۴۴.
۵. همان، ص ۴۹، ح ۲۶.
۶. عَلِيُّ خَيْرٌ مَنْ أُخْلِفَهُ فِيكُمْ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطَائِي وَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَةٌ أَبْرَارٌ لَيْسَ أَنْبَعُثُموهُمُ وَ جَدُّتُموهُمُ هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ وَ لَيْسَ خَالِفُتُموهُمُ لِيَكُونُوا الْإِخْتِلَافَ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (بحار الانوار، ج ۳۶، ص: ۳۵۲ تا ۳۵۴، حديث ۲۲۴)
۷. همان، ص ۳۵، ح ۱۳.
۸. الانصاف في النص على الأئمة، ص: ۴۱۱.
۹. نهج الحياة، ص: ۴۱، ح ۱۷.
۱۰. وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّةَ السَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، أَذْلَّةَ حَاسِبِيَّيْنَ، تَخَافُونَ أَنْ تَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتْيَا، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَى بِبِهِمُ الرِّجَالُ، وَ دُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.
۱۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص: ۱۵۵.
۱۲. خطبه فدكيه.
۱۳. سروده: حاج غلامرضا سازگار (ميثم).

ابن شهر آشوب یکی از علما اهل سنت نقل می کند: وقتی پیام پیامبر صلی الله علیه واله در مورد جانشینی امیر مؤمنان علیه السلام [در روز عید غدیر] در همه جا پخش شد فردی به نام «حارث بن نعمان فهری» به نزد آن حضرت آمده، گفت: «ای محمد صلی الله علیه وآله! از طرف خدا به ما دستور دادی که شهادتین را بگوییم و ما را به نماز، روزه، حج و زکات دستور دادی، ما نیز پذیرفتیم. بالأخره راضی نشدی تا این که دست عموزاده ات را گرفتی، او را بر همه برتری دادی، به عنوان رهبر و جانشین خودت بر ما قرار دادی و گفتی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» آیا این کار از طرف خودت بود یا از طرف پروردگار؟» پیامبر صلی الله علیه واله فرمودند: «قسم به آن خدایی که جز او خدایی نیست این امر از طرف پروردگار می باشد.»

حارث که با شنیدن این سخن از پیامبر صلی الله علیه واله سخت عصبانی گشته بود در حالی که به طرف شتر خود می رفت، گفت: خدایا!

ص: ۱۶۳

اگر آنکه محمد صلی الله علیه و اله می گوید، حقیقت دارد، سنگی از آسمان بر سر ما بفرست یا ما را به عذابی دردناک مبتلا کن. او هنوز به شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان، بر سرش فرود آمد و در دم کشته شد. (۱)

قرآن هم این گونه به این قضیه اشاره می کند: «سَيَأْتِيَنَّكَ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ، مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ؛ سوال کننده ای از عذاب واقع شده ای پرسید، که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده ای نیست. از جانب خدا که صاحب آسمان هاست.»

بعد از اینکه عذاب الهی رسید و سنگی از آسمان فرود آمد و او به درک واصل شد، در این زمان حضرت زهرا علیها السلام نگاهی معناداری به امیرالمؤمنین علیه السلام کردند و جمله ای فرمودند که با تأمل در آن بیش از پیش ما می توانیم به نقش بصیرت آفرین حضرت واقف شویم.

حضرت زهرا علیها السلام به امیر المومنین علیه السلام فرمودند: «أَتُظَنُّ يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ هَذَا الرَّجُلَ وَحْدَهُ؟ أَيُّ ابْنِ الْحَسَنِ! أَيُّ كِمَانٍ مِّمَّنِي كُنِي [در مخالفت با غدیر] این مرد تنهاست؟ والله ما هو إلا طليعة قوم لا يلبثون أن يكشفتهم عن وجوههم أقنعتهما عندما تلوح لهنم الفُرْصَة؛ سوگند به خدا! او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره شان فرو نیفتاده است، و آنگاه که فرصت به دست آورند، مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.» (۲)

ص: ۱۶۴

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- به نقل از سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

اشاره

در جلسه گذشته به پنج مورد از تذکرات روشنگرانه حضرت اشاره کردیم.

* بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام

* بیان فضایل قرآن و عترت

* یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...

* ترسیم سیمای عصر جاهلیت

* ترسیم چهره شیعیان

در این جلسه برخی دیگر از روشنگری های حضرت زهرا علیها السلام و بصیرت آفرینی های ایشان را مرور می کنیم:

۱. پاسخ به شبهات و بهانه ها

یکی از مهم ترین تلاش های حضرت زهرا علیها السلام در جریان فتنه، خنثی سازی توطئه های فکری دشمن و مقابله با شبهات بود که اگر با پاسخی دندان شکن همراه نبود، پیکر نیمه جان تشیع و بلکه کل اسلام را تشیع کرده و آن را در زیر خروارها خاک دفن می کردند.

پس از غصب و پیدایش ماجراهای تلخ مصیبت بار مدینه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه با همسر گرامی شان برای بیداری مردم و دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به منازل مهاجر و انصار رفته، اتمام حجت می کردند. خیلی ها عذر بدتر از گناه می آوردند که چرا شما زودتر از دیگران امامت خود را مطرح نکردید؟ و اجازه دادید دیگران به صحنه بیایند؟ حالا دیگر کاری

از پیش نمی توان برد. امیرالمؤمنین علیه السلام جواب آن ها را داده و فاطمه زهرا علیها السلام در جواب عذرتراشی های آن ها می فرمود: «مَا صَيَّنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَتَّبِعِي لَهُ، وَلَقَدْ صَيَّنَعُوا مَا اللَّهُ حَسَبَ يَبِيئِهِمْ وَطَائِبِيَهُمْ؛ ابوالحسن علی علیه السلام کاری انجام نداد، به جز آنکه سزاوار بود (مانند، انجام مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه واله و جمع آوری قرآن) تا انجام گیرد و اما امت پیمان شکن کارهای ناروایی انجام داده اند که تنها خداوند آن ها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.»

راویان حدیث ما برخی شبهات و پاسخ آن ها را برای ما نقل کرده اند مثلاً «محمود بن لبید» می گوید: پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه واله ، فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: ... بانوی من! چرا امام علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟

(این شبهه ای بود که در بین مؤمنان آن روز سینه به سینه می گشت و چه بسا برای خیلی از ما هم این سوال وجود داشته باشد)

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: رسول خدا صلی الله علیه واله فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي...؛(۱) مثل امام مانند کعبه است؛ مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آنکه کعبه دور مردم طواف نماید.

با این بیان حضرت زهرا علیها السلام فهماندند که چشم ها را باید شست

ص: ۱۶۶

جور دیگر باید دید یعنی نگاهتان به امام و جایگاه او باید عوض شود و اصلاح گردد؛ و این پاسخ حضرت یک اصل اساسی در باب امامت و ولایت شمرده می شود که امروز هم نسبت به امام و ولی جامعه باید مراعات گردد.

گاهی این بهانه ها این گونه مطرح می شد که اگر علی علیه السلام زودتر شروع می کرد و برای مردم صحبت می نمود، مردم منحرف نمی شدند؟

که حضرت در جواب بهانه جویان این گونه فرمود: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بِغَيْرِ غَدِيرِ حُمْمٍ مِنْ حُجَّهِ وَلَا عُذْرٍ؛ (۱) خداوند پس از غدیر خم، برای هیچ کسی عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است.»

۱. تحلیل وقایع و اتفاقات جریان فتنه

یکی دیگر از روشنگری های حضرت زهرا علیها السلام و بصیرت آفرینی های ایشان که از سخنان ارزنده حضرت می توانیم استفاده کنیم تحلیل وقایع و اتفاقات جریان فتنه بود.

گرچه حیات ریحانه نبوی بعد از غروب غم بار خورشید فروزان رسالت بسیار کوتاه و اندک بود؛ اما روشنگری و بصیرت آفرینی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در تحلیل وقایع و اتفاقات جریان فتنه، صحیفه دیگری از کتاب بصیرت فاطمی را رقم زد؛ که در ریشه یابی جریان فتنه در کلام حضرت زهرا علیها السلام به موارد زیر می رسیم.

ص: ۱۶۷

۱- . دلایل الإمامه (ط - الحدیثه)، ص: ۱۲۲.

۱. عدم اطاعت پذیری از ولایت

حضرت فرمود: **أَمِيَا وَاللَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَاتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ؛** قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا صلی الله علیه واله اطاعت می نمودند، دو نفر هم [درباره حکم خداوند] با یکدیگر اختلاف نمی کردند.

وَلَوْ رِثَهَا سَيْلِفٌ عَنْ سَيْلِفٍ وَخَلَفَ بَعِيدَ خَلْفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ لَكِنْ قَدَّمُوا مَنْ أَخْرَهُ اللَّهُ وَ أَخْرُوا مَنْ قَدَّمَهُ اللَّهُ حَتَّى إِذَا أَلْحَدُوا الْمُبْعُوثَ وَ أَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَجْدُوثَ؛ و امامت [همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه واله معرفی فرمود]، از علی علیه السلام تا حضرت قائم علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید؛ اما [افسوس] کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشت.

اخْتَارُوا بِشَهْوَتِهِمْ وَ عَمِلُوا بِأَرَائِهِمْ تَبَاءً لَهُمْ أَوْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ بَلْ سَمِعُوا وَ لَكِنَّهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ [فَأِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ] ره آورد بعثت را انکار کردند و به بدعت ها روی آوردند. آن ها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد. آیا نشیندند

کلام خدا را که فرمود: «پروردگار تو خلق می کند آنچه را که می خواهد و اختیار می کند و برای آنان اختیاری نیست.»

هَيْهَاتَ بَسَطُوا فِي الدُّنْيَا أَمْالَهُمْ وَ نَسُوا آجَالَهُمْ فَتَعَسَىٰ لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكُورِ؛ آری، شنیدند؛ اما همان گونه که خداوند فرمود: «دیده بصیرت آن ها کور و چشم دل آن ها بی نور است.» افسوس که سران سقیفه آرزوها و هوس های خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند. خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند. ای پروردگار! من به تو پناه می برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان.»^(۱)

۲. کینه تیزی های جنگ بدر و احد

«آم سلمه» می گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! حالتان چگونه است؟ حضرت فرمودند: «صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند به خدا! ... این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه تیزی های جنگ بدر و خونخواهی کشتگان نشان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه انگیزشان پنهان بوده است و تا کنون جرئت اظهار آن را نداشتند.»^(۲)

۳. عدم تدبیر در قرآن

حضرت فرمود: چرا بیراهه می روید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شماست و مطالبش روشن، و احکام آن درخشان و نشانه های

ص: ۱۶۹

۱- . غایه المرام، ص ۹۶ و ۹۷، ح ۳۹.

۲- ۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۱۵۷.

هدایت آن آشکار و نهی و هشدارهای آن روشن و اوامرش واضح است؛ اما شما به قرآن پشت کردید، و از آن روی گردان شدید. آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟ یا داوری جز قرآن می گیرید؟ (۱)

و به این آیه استشهاد فرمود که: «[أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَفْفَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ]، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَبِّكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرُوتُمْ؛ آیا در قرآن تدبر و تأمل نمی کنید؟ یا بر دلها تان مهر و قفل زده شده است [که سخن حق را نمی شنوید]؟ نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شما است که پرده بر دلها تان کشیده و گوش ها و چشم های شما را گرفته است! و چه بد تأویل و تفسیری از دین و آیین الهی کردید!»

ب: افشاگری عالمانه

اشاره

بعد از اینکه تذکرات روشنگرانه حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان اولین گام بصیرت آفرینی در سیره و سخن آن حضرت بیان کردیم به افشاگری های به جا و عالمانه حضرت به عنوان گام و اقدام بعدی صدیقه طاهره علیها السلام اشاره می کنیم. نمونه هایی از بیانات افشاگرانه حضرت علیها السلام عبارت اند:

۱. افشای ستم سران فتنه

در یکی از روزهای غم بار پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه واله دختر طلحه خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید، از گریه ها و ناله های جانکاه آن حضرت سخت نگران شد و با شگفتی پرسید: فاطمه جان!

ص: ۱۷۰

چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری واداشته است؟ حضرت علیها السلام پاسخ فرمود: ای دختر طلحه! آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده است. گویا پیک‌های چابک سوار به سرعت آن را به تمام جهانیان ابلاغ کرده‌اند که گرد و غبار آن تا آسمان بالا رفته و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفته است. [می‌دانی مصیبت‌ها چگونه شکل گرفت؟]

از پست‌ترین قبائل عرب، (قبیله تیم) و از حيله بازترین قبایل عرب، (قبیله عدی) بر علی علیه السلام ستم روا داشتند، پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی علیه السلام پیشی بگیرند؛ چون موفق نشدند، بغض و کینه علی علیه السلام را در دل گرفتند؛ اما پنهان داشتند.

سپس حضرت ادامه می‌دهند و می‌فرمایند: آنگاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر صلی الله علیه واله رحلت کرد، آن بغض‌ها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستم‌ها روا داشتند، [فدک را] غصب کردند. با شگفتی [به فدک] بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین شدند و هم‌اکنون اثری از آن‌ها وجود ندارد! فدک هدیه الهی بود که به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله آن را برای تأمین زندگی فرزندانم به من سپرد.

واگذاری فدک [به من و فرزندانم] با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و گواهی جبرئیل امین صورت گرفت، پس اگر آن را با ستم غصب کردند و وسیله زندگی فرزندانم را قطع نمودند، با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می‌نمایم و زود است که

خورندگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ نظاره گر و در آن غوطه ور باشند.»(۱)

همان گونه که مشخص است می بینیم حضرت زهرا علیها السلام سران فتنه را با این بیاناتشان چگونه رسوا می کردند.

۱. شکوه های درد آلود و افشاگرانه

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام از امت ساکت و بی تفاوت، نزد پروردگار خود شکوه ها مطرح می کرد و در حالی که اشک های او جاری بود، می فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْكَ وَ رَسُولِكَ وَ صَفِيَّكَ وَ اَرْبَادَ اُمَّتِهِ عَلَيْنَا وَ مَنْعَهُمْ اِيَّانَا حَقْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُتَنَزَّلِ عَلَي نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ؛(۲) پروردگارا! به سوی تو شکایت می کنیم، در اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده ات و از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه واله و اینکه حق ما را از ما بازداشتند، همان حق [ولایت و رهبری] را که در قرآن کریم که خود بر پیامبر اسلام صلی الله علیه واله نازل فرمودی، قرار دادی.»

۲. سرزنش مردم

از جمله افشاگری های حضرت سرزنش مردم بود.

حضرت در خطبه فدکیه می فرمود: «سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد و مهار کردن آن آسان گردد. پس آتش گیره ها را برافروختید، و به آتش فتنه ها دامن زدید تا آن را شعله ور ساخته و به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید و برای

ص: ۱۷۲

۱- نهج الحیاه، ص ۲۹۴، ح ۱۷۳.

۲- همان، ص ۲۱۳، ح ۱۱۶.

خاموش کردن نور اسلام، آشکارا جمع شدید و به از بین بردن سنت های پیامبر برگزیده روی آوردید و حرکت های منافقانه آغاز کردید و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه ها و درختان کمین کردید و ما برای مصیبت هایی که همچون خنجر بران، یا فرو رفتن سنان در شکم است، چاره ای جز صبر نداریم.» (۱)

پس از آنکه برای خلیفه بیعت گرفتند و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند، حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قَطُّ حَضَرُوا أَسْوَأَ مَحْضَرٍ وَ تَرَكُوا نَبِيَّهُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جِنَازَةً بَيْنَ أَظْهُرِنَا وَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَنَا» (۲) من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت ترین صحنه ها را پدید آوردند؛ جنازه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در برابر ما وا گذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانند.»

گریز و روضه

۴. افشای خیانت پیمان شکنان

پس از خیانت دنیاپرستان و سکوت و بی تفاوتی خودپرستان ترسو و ایجاد انحراف و سیر ارتجاعی در امت اسلامی، حضرت زهرا علیها السلام به افشای خیانت کاران پرداخته و وجدان های خفته آنان را با شلاق ملامت بیدار کرد و خطاب به آن ها فرمود: «وَيْلَكُمْ مَا أَسْرَعَ مَا خَتَّمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ! وَ قَدْ أَوْصَاكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِاتِّبَاعِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ التَّمَسُّكِ بِنَا» (۳) وای بر شما! چه زود به خدا و پیامبرش درباره ما اهل بیت خیانت کردید! در صورتی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به شما

ص: ۱۷۳

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۲۱

۲- بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱.

۳- نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، النص، ص: ۱۸۳.

سفارش نمود تا از ما پیروی کنید، ما را دوست داشته باشید و دست از ما نکشید.»

آنگاه فرمود: «يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ انصُرُوا اللَّهَ وَ ابْنَهُ نَبِيَّكُمْ، وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذُرَارِيَّتِكُمْ، فَفُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِبَيْعَتِكُمْ؛ (۱) ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا و دختر پیامبرتان را یاری کنید؛ و به تحقیق شما با رسول خدا بیعت کردید که از پیامبر و فرزندانش دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خودتان دفاع می کنید، پس بر بیعت خود با رسول خدا صلی الله علیه و اله استوار بمانید.»

اما چطور مردم وفا کردند به بیعتی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بسته بودند؟ چطور اجر رسالت را ادا کردند؟...

خداوند متعال در قرآن سفارش حضرت زهرا علیها السلام را کرده بود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» آی بیغمبر! به این مردم بگو: اگر قراره به من «خسته نباشید» بگید، با اهل یتیم مهربون باشید. من برای زحمتی که کشیدم مزد و تشکر نمی خوام؛ فقط، جان شما و جان فاطمه.

دستتان درد نکند بی بی جان، توفیق به ما دادید یه فاطمیه دیگری رو هم درک کردیم، ما را دعوت کردید دست رو سر ما کشیدید با همان دستی که تازیانه خورد! همان دستی که با غلاف شمشیر از مولاش جدا شد!

یا زهرا علیها السلام

ص: ۱۷۴

۱- . بحار الانوار، ج ۲۹، ص: ۱۸۹، ح ۱۱ و نهج الحیاه، ح ۱۷۴.

دلم از خون شده دریا و چشمم چشمه جویی

خدا را تا بگریم بیشتر، ای اشک، نیرویی

قدم خم گشته در پای سرشک خود بدان مانم

که سروی قامتش در هم شکسته بر لب جویی

مدینه ثبت کن این را که در امواج دشمن ها

حمایت کرد از دست خدا، بشکسته بازویی

به خون دیده بنویسد بر دیوار این خانه

که این جا گشته ی راه ولایت گشته بانویی

ان شاء الله شب اول قبر این ناله و اشک ها به فریادمون برسه، صدا بزنیم:

یا زهرا علیها السلام یا زهرا علیها السلام یا زهرا علیها السلام

از فاطمه اکتفا به نامش نکنید

شناخته توصیف مقامش نکنید

هر کس که در او محبت زهرا علیها السلام نیست

علامه اگر هست سلامش نکنی

ص: ۱۷۵



۱. روش داستانی.
۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۰.
۳. به نقل از سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.
۴. بحار الانوار، ج ۳۶، ص: ۳۵۳.
۵. دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ص: ۱۲۲.
۶. غاية المرام، ص ۹۶ و ۹۷، ح ۳۹.
۷. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۱۵۷.
۸. نهج الحياة، ص ۱۴۰، ح ۶۱.
۹. نهج الحياة، ص ۲۹۴، ح ۱۷۳.
۱۰. همان، ص ۲۱۳، ح ۱۱۶.
۱۱. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۹، ص: ۲۲۱.
۱۲. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱.
۱۳. نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، النص، ص: ۱۸۳.
۱۴. بحار الانوار، ج ۲۹، ص: ۱۸۹، ح ۱۱ ونهج الحياة، ح ۱۷۴.

فصل یازدهم: برخورد های قاطعانه فاطمه علیها السلام و فاطمیون

اشاره

ص: ۱۷۷

فاجعه منا در روز عید قربان، قلب همه انسان های آزاده ی عالم را به درد آورد. در حرم امن الهی و در ایام ماه حرام - که جنگ و کشتار در آن حرام اعلام شده، به گونه ای که حتی اعراب در زمان جاهلیت هم بدان پایبند بودند و شکار حیوانات و حتی دست کاری کردن زخم و زگیل و جوش هم برای جلوگیری از جاری شدن حتی یک قطره خون، حرام اعلام شده - کشته شدن قریب به ده هزار حاجی، درد بزرگ و عظیمی بود. هرچند این فاجعه باعث تنفر بیش از پیش نسبت به عامل اصلی این فاجعه، (آل سعود) وهابیت شد.

در چنین شرایطی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در برخوردی قاطعانه خطاب به آل سعود فرمودند: «جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون با خویشتن داری و ادب اسلامی، حرمت برادری را در دنیای اسلام نگه داشته است، اما این را بدانند که اندک بی احترامی به ده ها هزار نفر از حجاج ایرانی در مکه و مدینه و عمل نکردن به وظایف برای انتقال ابدان مطهر، عکس العمل

ص: ۱۷۹

سخت و خشن ایران را در پی خواهد داشت(۱)»

این برخورد قاطعانه به دلیل آن است که گاهی فتنه آن چنان نظام اسلامی را تهدید می کند که راهی جز برخورد قاطع با سران فتنه باقی نمی گذارد. در این موقعیت دیگر جای نصیحت و اندرز نیست، فقط برخورد قاطعانه است که می تواند فتنه را مهار نموده و نقشه سران فتنه را نقش بر آب نماید.

این برخوردهای قاطعانه، الگو گرفته شده از زندگی معصومین (علیهم) به ویژه حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

در جلسات گذشته به تذکرات روشنگرانه و افشاگری های عالمانه حضرت زهرا علیها السلام اشاره کردیم در این جلسه با دقت در سخن و سیره آن حضرت، سومین گام از بصیرت آفرینی حضرت زهرا علیها السلام یعنی برخورد قاطعانه آن حضرت را یادآور شویم.

اقناع اندیشه و تحریک احساس

برخورد قاطعانه

اشاره

یکی از اقدام حضرت زهرا علیها السلام برخورد قاطعانه حضرت با سران فتنه می باشد که در زیر نمونه هایی از آن را مرور می کنیم:

۱. دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین علیه السلام

پس از ماجرای سقیفه و سرپیچی عده ای از بیعت، برای آنکه مرکز تجمع مخالفان را مورد تهدید قرار دهند، به خانه امام یورش آوردند و آن ها تهدید کردند که اگر امام علی علیه السلام برای بیعت به مسجد بیرون نیاید، خانه را آتش می زنیم!

حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از امام، در برابر مهاجمان فرمود:

ص: ۱۸۰

۱- .بیانات مقام معظم رهبری ۸/۷/۹۴

و لطیف باشد اما نتیجه آن برای دشمن سخت است. در فتنه سال ۸۸ مقام معظم رهبری جملاتی فرمودند: «سید ما! مولای ما! دعا کن برای ما! صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما... من جان ناقابلیم دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؟ همه این ها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ این ها هم نثار شما باشد.»

این ادبیات احساسی و بر خواسته از دل گاهی نیز نمونه کاملی از برخورد قاطعانه به حساب می آید.

۲. عذر تراشی ممنوع

عده ای، برای جلب افکار عمومی به فکر دلجویی از حضرت زهرا علیها السلام و ظاهراً جبران اشتباهات گذشته افتادند و با تلاش فراوان همراه با امام علی علیه السلام به خدمت آن حضرت رسیدند، سلام کردند و عذرخواهی نمودند که: گذشته ها گذشت و اشتباهاتی تحقق یافت، به هر حال شما دختر پیامبر رحمت هستید، باید گذشته ها را نادیده بگیرید و ما را عفو فرمایید. حضرت زهرا علیها السلام برای آن که به آن ها بفهماند که هر گذشته ای را نمی توان نادیده گرفت و در برابر انحراف ملت و حکومت نمی شود بی تفاوت ماند، آن ها را به سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله توجه داد و فرمود: «نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ أَلَمْ تَسْمَعَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ رِضًا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَايَ وَ سَخَطُ فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي وَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ

ص: ۱۸۲

ابنتی فَقَدْ أَحْبَبَنِي وَ مَنْ أَرْضَى فَاطِمَةَ فَقَدْ أَرْضَانِي وَ مَنْ أَسِيخَطَ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَسِيخَطَنِي؛ شما را به خدا سوگند! آیا نشنیده اید که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من. هر کس فاطمه را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است و هر کس فاطمه را به خشم آورد مرا به خشم آورده است؟ قَالَ مَا نَعَمْ سَيَمَعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَتْ فَإِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسِيخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضِيْتُمَانِي وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ؛ ایشان پاسخ دادند: آری این کلمات را از پیامبر شنیده ایم. حضرت زهرا علیها السلام [پس از اعتراف آن ها] فرمود: خدا و ملائکه را به شهادت می طلبم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید [و آزردید] و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با پدرم رسول خدا صلی الله علیه و اله ملاقات کنم، شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد.»

و آنگاه که مهاجرین و انصار در عذرخواهی پافشاری کردند، فرمود: إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْدِيرِكُمْ وَ لَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ لِأَخِيْدِ عُدْرًا؛ دور شوید و مرا به حال خود واگذارید. پس از کوتاهی و سهل انگاری شما، جایی برای عذرخواهی نمانده است. آیا

پدرم پیامبر صلی الله علیه واله پس از حادثه غدیر خم جایی برای عذرتراشی [و بی تفاوتی] باقی گذاشته است؟ (۱)

۳. اعتصاب در سخن گفتن با پیمان شکنان

پس از ماجرای حمله به خانه امام علی علیه السلام و جسارت های فراوان درون مسجد، غضب فدک، بی اثر ماندن گواهی شاهدان، مباحث استدلالی حضرت زهرا علیها السلام و تداوم سیاست های سران سقیفه، در مبارزه منفی با آنان، خطاب به ابوبکر فرمود: «وَاللَّهِ لَا كَلِمَتَكَ أَيْدَاءً وَاللَّهِ لَا دَعْوَانَ اللَّهِ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَيْلَمَوْهٍ» (۲). سوگند به خدا! از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت. سوگند به خدا! شکایت تو را در هر نماز به خداوند خواهم نمود.»

و در جایی دیگر خطاب به آن دو فرمود: «وَاللَّهِ لَمَا أَكَلَّمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً وَاحِدَةً حَتَّى أَلْقَى أَبِي وَأَشْكُوكُمَا إِلَيْهِ وَأَشْكُوكُمَا عَلَيَّ وَفِعَالِكُمَا وَمَا أَرْتَكِبْتُمَا مِنِّي» (۳). سوگند به خدا! بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی گویم تا با پدرم ملاقات کنم و شکایت شما دو نفر را به او ببرم و [توضیح خواهم داد که] شما چه ساختید و چه کردید و درباره من مرتکب شدید.»

نمونه ای از این برخوردها در زمان ما در کلام امام خمینی و مقام معظم رهبری دیده می شود:

امام خمینی (ره) فرمود: «آمریکا شیطان بزرگ است؛ این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است. رئیس همه ی شیطان های

ص: ۱۸۴

۱- بحارالانوار (ط - بیروت)، ج ۲۸، ص: ۳۵۷.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص: ۷۲ و صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۷۶.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص: ۲۰۳، باب ۷.

عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که می تواند بکند این است که انسان ها را اغواء می کند؛ بیشتر از اغواء، کاری نمی تواند بکند؛ انسان ها را اغواء می کند، فریب می دهد، وسوسه می کند؛ اما آمریکا، هم اغواء می کند، هم کشتار می کند، هم تحریم می کند، هم فریب می دهد، هم ریاکاری می کند؛ پرچم حقوق بشر را بلند می کند، ادعای طرف داری از حقوق بشر می کند [اما] هرچند روز یک بار در خیابان های شهرهای آمریکا یک بی گناهی، یک بی سلاحی به دست پلیس آمریکا به خاک و خون می غلتد؛ غیر از بقیه ی جنایات و فجایعشان» (۱)

- اگر بر توان داخلی متمرکز شویم امریکا و قدرت های دیگر هیچ غلطی نمی توانند بکنند. (۲)

بعد از اتمام این مذاکرات هسته ای، شنیدم صهیونیست ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد تا ۲۵ سال از دغدغه ی ایران آسوده ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را می کنیم. بنده در جواب عرض می کنیم اولاً- شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدّت هم روحیه اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند. ملت ها بیدار شده اند، می دانند دشمن کیست؛ حالا دولت ها و بوق های تبلیغاتی و مانند این ها می خواهند جای دشمن و دوست را عوض کنند، [اما] به جایی نمی رسد. ملت ها -

ص: ۱۸۵

۱- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۸/۶/۹۴.

۲- . بیانات مقام معظم رهبری (دام عزه) ۲۳/۲/۹۳.

ملت های مسلمان، بخصوص ملت های منطقه- حواسشان جمع است و می دانند. خب، این وضع رژیم صهیونیستی و آن هم [وضع] آمریکا. (۱)

نمونه دیگر: خبرنگار خارجی از سرلشگر جعفری فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می پرسد: اگر هواپیمای اسرائیلی وارد خاک ایران شود و ۱۰ بمب خود را بر روی شهر شما بریزد با چه می خواهید این هواپیما را منهدم کنید؟ ایشان در پاسخ می گوید: مهم نیست هواپیما چند عدد بمب و کجا می ریزد؛ مهم این است که موقع برگشت این هواپیما، اسرائیلی وجود نخواهد داشت که در آن فرود بیاید.

۴. دفاع از امام علیه السلام در مسجد

آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا علیها السلام وارد مسجد شد و فرمود: «خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوْقَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَيْتَنِي لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شِعْرِي وَ لَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَأْسِي وَ لَأَضْرِبَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَمَا نَاقَهُ صَالِحٌ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنِّي وَ لَا الْفَصِيحُ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وُلْدِي»؛ (۲) رها کنید پسر عموی مرا! قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و اله را به حق برانگیخت! اگر از علی دست بردارید، گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و اله را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد خواهیم زد، یقین بدانید که ناقه صالح در نزد خدا از من گرامی تر و بچه آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتر نبود.»

ص: ۱۸۶

- ۱- .بیانات مقام معظم رهبری (دام عزه) در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۸/۶/۹۴.
- ۲- .بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷ و روضه کافی، ج ۸، ص: ۲۳۸ با اندکی تفاوت.

۵. وصیتی مظلومانه؛ اما رسواکننده

حضرت زهرا علیها السلام در راستای برخورد قاطعانه خود علیه کودتاگران سقیفه، به امیرالمؤمنین علیه السلام چنین وصیت فرمودند: «إِنِّي أُوصِيكَ أَنْ لِمَا يَلِي غُسْلِي وَ كَفْنِي سِوَاكَ وَ إِذَا أَنَا مِتُّ فَادْفِنِي لَيْلًا- وَ لِمَا تُؤَدِّنَنَّ بِي أَحَدًا وَ لَا تُؤَدِّنَنَّ بِي فَلَان وَ عَفْلَان وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيَّ فَلَان وَ لَا فَلَان؛(۱) همانا من تو را وصیت می کنم که غسل و کفن کردن مرا کسی غیر از تو انجام ندهد و بعد از وفاتم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن و آن ها را مطلع نساز و تو را سوگند می دهم به حق محمد رسول خدا صلی الله علیه و اله که آنها بر جنازه من نماز نخوانند.»

همچنین فرمود: «أُوصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ عَدُوِّي وَ عَدُوُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا تَتْرُكْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ اذْفِنِي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَدَّاتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ؛(۲) وصیت می کنم که هیچ کسی از آنان که به من ظلم کرده و حق مرا غصب نموده اند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند؛ زیرا آن ها دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و اله می باشند و اجازه نده که فردی از آن ها و پیروانشان بر من نماز بگزارد. مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم ها آرام گرفته و دیده ها به خواب فرو رفته باشند.»

ژوئن ها فدای آن بدن رنجوری که مولا علی شبانه غسل و کفن

ص: ۱۸۷

۱- روضه الواعظین ذکر حدیثاً فی مرض فاطمه، ص ۱۳۰ و نهج الحیاه، ح ۲۰۳.

۲- بحارالانوار ج: ۴۳ ص: ۱۹۱.

کرد.

اگر با چشم دل نظاره کنی می بینی امام حسن یک طرف، امام حسین یک طرف، زینب و ام کلثوم یک طرف دیگر نشسته اند گریه می کنند.

یک وقت مولا علی علیه السلام فرمود: عزیزانم بیانید یک بار دیگر مادرتان را ببینید ... بچه ها روی بدن مادر افتادند، یکی دست به گردن مادر، یکی سر رو سینه مادر، یکی صورت به کف پای مادر ... یک وقت منادی ندا کرد یا علی بچه ها را از کار بدن زهرا بردار، ملائکه و آسمانی ها بی طاقت شدند ...

علی چون جسم زهرا را کفن کرد

شقایق را نهان در یاسمن کرد

دو نور دیده اش از ره رسیدند

به زاری جانب مادر دویدند

خود افکندند بر آن جسم رنجور

عیان شد معنی نور علی نور

ایا مادر! دلت از ما رمیده

چو اشک افکنده ای ما را ز دیده

بیا مادر، یتیمان را به بر گیر

وز آفت جوجگان را زیر پر گیر

گل و بلبل به نغمه ناله سر کرد

بغل بگشاد و گل ها را به بر کرد

نمی دانم این منظره جان سوزتر است یا آن وقتی که ناز دانه امام حسین خودش را روی بدن بی سر بابا انداخت. نگفت بابا آب

می خواهم، نگفت بابا بغلم کن، گفت بابا نگاه کن عمه ام را با تازیانه می زنند ... یا حسین!

ص: ۱۸۹



۱. روش .
۲. بیانات مقام معظم رہبری ۹۴/۷/۸.
۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص: ۱۸.
۴. بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۲۸، ص: ۳۵۷.
۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص: ۷۲ و صحیح بخاری، ج ۶، ص: ۱۷۶.
۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص: ۲۰۳، باب ۷.
۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۹۴/۶/۱۸.
۸. بیانات مقام معظم رہبری (مد ظلہ العالی) ۹۳/۲/۲۳.
۹. بیانات مقام معظم رہبری (مد ظلہ العالی) در دیدار اقشار مختلف مردم ۹۴/۶/۱۸.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۷ و روضہ کافی، ج ۸، ص: ۲۳۸ با اندکی تفاوت.
۱۱. روضۃ الواعظین ذکر حدیثاً فی مرض فاطمہ، ص ۱۳۰ و نہج الحیاء، ح ۲۰۳.
۱۲. بحار الانوار ج: ۴۳ ص: ۱۹۱.

فصل دوازدهم: شفاعت فاطمه عليها السلام از فاطمیان

اشاره

ص: ۱۹۱

روزی سلمان فارسی به پیامبر خدا صلی الله علیه واله گفت: ای مولای من! تو را سوگند به خدا، از عظمت فاطمه علیها السلام در روز قیامت تعریفی بفرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه واله با تبسم رو به سلمان کرد و فرمود: سوگند به آن خدایی که جانم در دست اوست، فاطمه علیه السلام را در آن روز بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کنند، جبرئیل و میکائیل به ترتیب از راست و چپ او حرکت می نمایند. امیرالمؤمنین علیه السلام پیشاپیش و حسن و حسین از پشت سر، وی را همراهی می کنند تا بدین طریق فاطمه علیه السلام از پل صراط می گذرد و پس از گفتگوهای زیاد، آنگاه خطاب می رسد: فاطمه! هر چه می خواهی بخواه.

دخترم عرض می کند: «أَسْأَلُكَ أَنْ لِمَا تُعَذِّبُ مُحِبِّي وَ مُحِبِّ عِزَّتِي بِالنَّارِ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهَا يَا فَاطِمَةُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ اِرْتِفَاعِ مَكَانِي لَقَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أُخْلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْفَنَى عَامٌ أَنْ لَا

ص: ۱۹۳

أَعَذَّبَ مُجِيبِكَ وَ مُجِيبِي عَثْرَتِكَ بِالنَّارِ (۱)؛

بار الها! از تو می خواهم علاقه مندان خود و فرزندانم حسن و حسین را در آتش مسوزان. خطاب می رسد: یا فاطمه! سوگند به عزت و جلالم، دو هزار سال پیش از خلق آسمان ها و زمین، بر خودم لازم کرده ام که این حاجت تو را برآورم.

اقناع اندیشه و تحریک احساس

شفاعت از اعتقادات مسلمانان است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام در موارد متعدد اشاره شده است. شفاعت با مشتقات آن، سی بار در قرآن به کار رفته است. بیان های مختلف از شفاعت نشان از اهمیت آن دارد. با بررسی این آیات به این نتیجه می رسیم که شفاعت روز قیامت قطعی بوده و شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان باید شرایطی داشته باشند تا شفاعت صورت پذیرد

خداوند متعال می فرماید: « يَوْمَئِذٍ لَّا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَانُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۲)؛

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله امامان معصومین (علیهم)، اوصیاء، شهدا، علما، قرآن کریم، حافظان قرآن و ... کسانی هستند که روز قیامت از دیگران شفاعت خواهند کرد.

یکی از کسانی که به طور گسترده در روز قیامت شفاعت خواهد کرد، حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

ص: ۱۹۴

۱- بحار الانوار، ج ۲۷، ص: ۱۴۰.

۲- طه/۱۰۹.

جابر جعفی به حضور امام باقر علیه السلام رسیده، عرض کرد: فدایت شوم، حدیثی در مورد فاطمه علیها السلام بفرمایید، که با نقل آن، شیعیان را خوشحال کنم.

حضرت فرمودند: در روز رستاخیز منابری از نور برای پیامبران نصب می گردد، که منبر رسول خدا از همه مجلل تر است و همچنین منبرهایی برای اوصیا در نظر می گیرند که جایگاه علی علیه السلام از همه بالاتر می باشد آنگاه نوبت به فرزندان انبیا می رسد که مقام حسن و حسین (عل) بس منیع تر است. سپس نوبت فاطمه علیها السلام فرامی رسد و او را با تجلیل و شکوه بی نظیر به محشر آورند و کنار در بهشت قرار می گیرد، ولی داخل آن نمی شود و می گوید: خدایا! از تو مسألت می دارم که مقام مرا در همچو روزی برای اهل محشر معلوم کنی.

از جانب خدا ندا می رسد: ای دختر پیامبر! برگرد به سوی اهل محشر و هر که را از علاقه مندان خود یافتی شفاعت کن.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: به خدا سوگند، فاطمه علیها السلام شیعیان خویش را یکی پس از دیگری انتخاب نموده و داخل بهشت می نماید، همان طوری که پرنده ها دانه ها را برمی گزینند و سپس شیعه های آن حضرت نیز، خود شفاعت نموده و علاقه مندان فاطمه علیها السلام را به بهشت داخل می کنند...

در دنباله این حدیث امام پنجم می فرمایند: «وَاللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكُّ أَوْ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ (۱)؛ سوگند به خدا، از امت اسلامی کسی باقی نمی ماند مگر افراد مذدب (شکاک) و کافر و منافق و سایر مردم مشمول شفاعت فاطمه می گردند.»

ص: ۱۹۵

یک سوالی درباره شفاعت مطرح می کنند که پرداختن به آن بسیار مهم است. امید داشتن به شفاعت، باعث می شود انسان به راحتی جرئت انجام گناه داشته باشد در حالی که اگر چنین امیدی وجود نداشته باشد، انسان بیشتر مواظب اعمال و رفتار خود می باشد.

در جواب این شبهه می توان چند مسئله را بیان کرد:

۱. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (۱)»؛

خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کسی (بخواهد و شایسته بداند) می بخشد؛ و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. اگر امید به شفاعت باعث جری شدن افراد می گردد، بر اساس این آیه همه مردم باید گناه کنند و مطمئن باشند که خداوند گناهانشان را می بخشد. همچنین خداوند می فرماید: «إِنْ تَجْتَبِئُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكْفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا (۲)»؛

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم؛ بنابراین اگر کسی ادعا کند من گناه کبیره انجام نمی دهم پس هر چه دلم بخواهد گناه صغیره انجام می دهم زیرا خداوند می بخشد! این نوع برداشت از آیات اشتباه و

ص: ۱۹۶

۱- . نساء/۴۸.

۲- . نساء/۳۱.

غیرعقلانی است. از این رو در روایات شفاعت هم نمی توان برداشت های غیرعقلانی داشت.

عالم ربانی مرحوم یاسری از علمای محترم تهران چنین نقل می کرد که شاعری به نام «حاجب» که در مسئله شفاعت گرفتار اشتباهات عوام شده بود شعری به این مضمون می سراید:

حاجب اگر معامله حشر با علی است

من ضامنم که هر چه بخواهی گناه کن!

شب هنگام امیر مؤمنان علی علیه السلام را در خواب می بیند در حالی که عصبانی و خشمگین بوده می فرماید شعر خوبی نگفتی! عرض می کند چه بگویم؟ می فرماید شعرت را این چنین اصلاح کن:

حاجب اگر معامله حشر با علی است

شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن!^(۱)

زمانی که کسی به شخص دیگری محبت می کند، معرفت و ادب حکم می کند به خاطر این محبت، اگر درخواستی داشته باشد، آن درخواست را انجام داده و از فرمانش سرپیچی نکند. قرار دادن توبه و بازگشت به سوی خداوند و همچنین شفاعت، از الطاف الهی هستند. آیا می توان ادعا کرد چون خداوند راه توبه را باز گذاشته است یا شفاعت کنندگان، گناه کاران را شفاعت می کنند، پس بندگان خدا بیشتر گناه کنند؟! یقیناً هر انسانی می داند این الطاف الهی زمینه معرفت بیشتر را ایجاد می کند که

ص: ۱۹۷

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۳۰.

بہتر از گذشته از گناہ و معصیت دوری شود.

۲. اگر وعده شفاعت بہ صورت بدون قید و شرطی انجام گیرد، در این موقع جا دارد کہ اندیشہ گناہ بیشتر بہ آن راہ یابد اما اگر انجام آن نوید و بشارت، مشروط بہ شرطی گردد، در این صورت جرئت گناہ بیشتر را بہ دنبال نخواهد داشت. زیرا همان طور کہ در آیات شفاعت بیان گردید انجام شفاعت مشروط بہ اذن خداست و شفاعت شونده باید مورد رضایت خدا باشد

چنانکہ می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ (۱)؛ کیست کہ شفاعت کند جز بہ اذن او.»

و باز می فرماید: «و لَا يُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُشْفَعَهُ (۲)؛ درباره افرادی شفاعت می کنند کہ مورد رضایت و پسند خدا باشد.»

چگونه جزء شفاعت شدگان شویم؟

اشارہ

شفاعت دارای درجاتی است نازل ترین درجہ شفاعت، تغییر درکات و تخفیف عذاب دوزخیان است و عالی ترین مراتب شفاعت آن است کہ برکت پیامبر و اهل بیت علیہم السلام شامل حال پیامبران و مرسلین گذشتہ می شود. سہ درجہ دیگر در وسط قرار دارند بدین گونه کہ گروہی مشمول شفاعت شدہ از جہنم خارج می شوند و جزو «اعرافیان» بہ شمار می آیند دستہ ای ہم از اعراف وارد بہشت می گردند و جمعی در بہشت ترفیع درجہ می یابند.

ص: ۱۹۸

۱- . بقرہ ۲۵۵.

۲- . انبیاء/۲۸.

حال لازم است اطلاعات کافی درباره شفاعت و اموری که موجب تسریع در شفاعت می شود داشته باشیم تا با رعایت آن ها بتوانیم خود را مشمول شفاعت آن بزرگواران قرار دهیم. تعدادی از آن ها عبارت اند از:

۱. اخلاص در ایمان و توحید

رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «اسعد الناس بشفاعتی یوم القیامه من قال لا اله الا الله خالصا من قبله»^(۱)؛

کسانی بیش از همه به شفاعت من در روز قیامت خوشبخت می شوند که قلبا و از روی اخلاص به خدا ایمان داشته باشند»

۲. شیعه بودن

یکی از شرایط شفاعت، شیعه بودن است. خداوند متعال می فرماید: «لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً»^(۲)؛ آنان هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. در اینکه منظور از عهد در آیه فوق که می گوید تنها کسانی مالک شفاعت اند که نزد خدا عهدی دارند، چیست؟ مفسران بحث های فراوانی کرده اند. امام صادق علیه السلام در پاسخ یکی از دوستانش که از تفسیر آیه فوق سؤال کرد فرمود: «من دان بولایه امیر المؤمنین و الأئمه من بعده فهو العهد عند الله»^(۳)؛

ص: ۱۹۹

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص: ۳۶.

۲- مریم/۸۷.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۱۳۵.

کسی که به ولایت امیر مؤمنان و امامان اهل بیت بعد از او عقیده داشته باشد آن عهد نزد خداست.»

۳. اعتقاد به شفاعت

یکی دیگر از شروط شفاعت این است که به شفاعت شونده اعتقاد قلبی به شفاعت داشته باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمود: «مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالَهُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۱)؛

هر کس به شفاعت من اعتقاد قلبی نداشته باشد، شفاعت من به او نمی رسد.»

درخواست شفاعت و امید به آن در زیارت نامه ها آمده است، از جمله در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم: «فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَ كُنْ لِي شَفِيعاً»

در زیارت عاشورا نیز از خدا می خواهیم که شفاعت آن حضرت را در روز قیامت، روزی ما سازد: «اللهم ارزُقني شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوَرُودِ.»

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله ، برگزیدگان خدایند و مقام والایشان نزد او، در زیارت نامه ها بازگو شده است. در سخنانی هم که خود امام حسین علیه السلام ، امام سجاد علیه السلام ، حضرت زینب علیها السلام و دیگر عاشوراییان بیان کرده اند، از این مقام یاد شده است.

۴. اهل نماز و سجده بودن

چهارمین شرط شفاعت این است که انسان برای نمازش اهمیت قائل باشد، در نماز خواندن کاهلی نکند و آن را بزرگ بشمارد. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

ص: ۲۰۰

۱- . امالی صدوق، ص: ۷.

«لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ؛ شَفَاعَتِي مَا بِهِ كَسَىٰ كَمَا نَمَّ بِشَمَارِدٍ نَمِي رَسَدٌ.»

کسی که برای دنیای خود نماز اول وقت را به تأخیر می اندازد، کسی که نماز را بدون رعایت آداب آن بجا می آورد و کسی که آن قدر نمازش را سریع می خواند به صورتی که کلمات آن صحیح ادا نمی شود، همگی از شفاعت روز قیامت محروم می شوند. پیامبر گرامی صلی الله علیه واله به شخصی که از او درخواست شفاعت می کرد فرمود:

«اما فاعنی بکثرة السجود(۱)؛

مرا با کثرت سجده یاری کن». (سجده و عبادت تو موجب می شود من بهتر بتوانم تو را شفاعت کنم).

۵. آموختن قرآن و حفظ کردن و خواندن آن

از آنجا که قرآن کریم شافع روز قیامت است، مأنوس بودن با آن می تواند نجات بخش انسان در روز سختی باشد. پیامبر گرامی صلی الله علیه واله فرمود: «تعلموا القرآن فانه شافع لا صحابه يوم القيامة»(۲)؛

قرآن را بیاموزید زیرا قرآن در روز قیامت اهل خود را شفاعت می کند. امام صادق علیه السلام خواندن ۵۰ آیه از قرآن را در روز برای هر مسلمانی لازم و ضروری می دانند.»(۳)

۶. خیانت کار نباشد

ششمین شرط شفاعت شونده این است که خیانت به برادران

ص: ۲۰۱

۱- . مسند احمد، ج ۳، ص: ۵۰۰.

۲- . مسند احمد، ج ۵، ص: ۲۴۱.

۳- . الکافی، ج ۲، ص: ۶۰۹.

دینی خود نکند و کسی که خیانت به برادران دینی خود نموده، امید به شفاعت نداشته باشد. در این مورد روایتی از رسول خدا نقل شده است: «هر کس به برادر دینی خویش خیانت نماید، خداوند برکت را از روزی اش برمی دارد و زندگی اش را ویران می سازد و او را به خودش واگذار می کند و شفاعتی از او نخواهد شد.»

۷. دوستی فرزندان رسول اکرم و احترام و خدمت به آنان

رسول گرامی صلی الله علیه واله می فرماید: «أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي وَالْقَاضِي لِهِمْ حَوَائِجَهُمْ وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (۱)؛

چهار نفرند که روز قیامت شفاعتشان خواهم کرد:

الف) کسی که ذریه و فرزندان مرا گرامی دارد و احترام کند.

ب) کسی که حوائج آنان را برآورد.

ج) کسی که در انجام کار آن ها سعی و کوشش کند هنگامی که به آن کار احتیاج و اضطرار دارند.

د) کسی که با زبان و دل آنان را دوست داشته باشد.

۸. دوستی با اهل ایمان و معاشرت با آنان

علی علیه السلام می فرماید: «لَا يَزَالُ يَشْفَعُ حَتَّى يَشْفَعَ فِي جِيرَانِهِ وَ خُلَطَائِهِ وَ مَعَارِفِهِ (۲)؛

مؤمن پیوسته شفاعت می کند تا شفاعت او درباره همسایه ها و دوستان و آشنایانش پذیرفته می شود.»

ص: ۲۰۲

۱- . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲، ص: ۲۵.

۲- . بحار الانوار، ج ۸، ص: ۴۴.

هرقدر بتوانیم با اهل بیت (علیهم) و خاصه حضرت زهرا علیها السلام که ایمان کاملی داشتند و به عنوان الگو و راهنمای انسان ها، ارتباط معنوی ایجاد کنیم، در روز قیامت و در هنگام خطر و سختی از شفاعت آن ها بهره خواهیم برد. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «إذا حشرت يوم القيامة أرفع هذا إلى يدي و أشفع في عصاه أمه أبي (۱)؛ آنگاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، دستم را بلند می کند گناهکاران امت پدرم را شفاعت خواهم کرد.»

روز قبل از مرگ، حضرت زهرا علیها السلام به اسماء گفت: برای من داخل اتاق طشت و آب تهیه کن تا خودم را بشویم. آب و طشت را آورد. اسماء در را بست، زهرا علیها السلام در اتاق تنها بود؛ و بدن را کاملاً شست. یک پیراهن داشت، آن را هم پوشید. زمانی که وصیت کرد به علی علیه السلام فرمود: علی! پیراهن مرا در نیاور!... اما بگویم این کار را برای این کرد که علی علیه السلام از وضع بدن فاطمه علیها السلام با خبر نشود. چون اگر علی می دید و می فهمید که در زندگی با فاطمه علیها السلام چه کردند، خیلی ناراحت می شد فلذا پیراهن را بیرون نیاورد. اسماء آب می ریزد. آن لیف و خرما و آن چوب خرما هم به جای چراغ روشن است. اسماء آب می ریزد و امیرالمؤمنین علیه السلام با دست، آب را به تمام نقاط بدن که پاک است می رساند. فقط دست می کشد که آب برسد؛ زیرا این بدن، پاک کردن نمی خواهد، بلکه دست کشیدن برای رساندن آب است. خب حتماً بدن آزردهایی داشت که با لمس دست و عبور دست از روی بدن روشن نمی شد. اما یک آزردهایی با کشیدن دست، روشن شد. آن وقتی که دست

ص: ۲۰۳

علی علیه السلام به بازوی زهرا علیها السلام رسید و آن احساس زخم بودن در زیر دست علی آمد، صدای علی بردبار بلند شد خیلی بلند گریه کرد. اسماء گفت: (أَمِنْ فَقَدِ الزَّهْرَاءِ تَبْكِي؟) گفت: آقا جان! آیا برای مرگ فاطمه علیها السلام گریه می کنی؟ آیا برای مرگ دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه واله اشک می ریزی؟ حضرت فرمودند: «مَا يُبْكِينِي إِلَّا أَثَرُ السَّيْطَانِ؛ مِنْ غَرِيْبٍ نَكَرْتُمْ وَمَرَّ بِهٖ غَرِيْبٌ دَرِ نِيَّائِكُمْ، مَكْرٌ وَوَقْتِيْ كِهٖ اِحْسَاسُ كَرْتُمْ كِهٖ جَايْ ضَرْبِهٖ هَايْ تَاذِيَّانِهٖ بِهٖ بَاذِيْ فَاطْمَهٖ مَانَنْدُ بَاذِيْ وَبَنْدُ بَاقِي مَانَنْدِهٖ اسْت.» (۱)

ای گوهر درج حیا فاطمه

فاطمه یافاطمه یافاطمه

خیز و دعا در حق همسایه کن

بر سر مرغان حرم سایه کن

خیز و نماز شب خود را بخوان

قصه تاب و تب خود را بخوان

خیز ز جا نور دو عینم بین

اشک یتیمی حسینم بین

چون حسن آید به برش می کشم

دست نوازش به سرش می کشم

اینجا بود که حسنین آمدند و صورت به کف پای مادر گذاشتند و صدا زدند وا اقا وا اقا وا اقا و بعد از این تصویر همیشه همه گفتند بهشت زیر پای مادران است. (حسین زیر پای زهرا افتادند)

ص: ۲۰۴

گلشن جان، بی بر و بی برگ شد

فاطمه افسوس جوان مرگ شد

مایه حیرت به خدا صبر توست

لیله ی قدری و نهان قبر توست (۱)

ص: ۲۰۵

۱- . شاعر شفق (محمد جواد غفور زاده).

شہد سخن ۱۲ — ۲۰۶



۱. ایجاد انگیزہ بہ روش تعریف از شخصیت.
۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص: ۱۴۰.
۳. طہ / ۱۰۹.
۴. بحار الانوار، ج ۸، ص: ۵۲.
۵. نساء / ۴۸.
۶. نساء / ۳۱.
۷. تفسیر نمونہ، ج ۱۳، ص: ۳۰.
۸. بقرہ / ۲۵۵.
۹. انبیاء / ۲۸.
۱۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص: ۳۶.
۱۱. مریم / ۸۷.
۱۲. تفسیر نمونہ، ج ۱۳، ص: ۱۳۵.
۱۳. امالی صدوق، ص: ۷.
۱۴. مسند احمد، ج ۳، ص: ۵۰۰.
۱۵. مسند احمد، ج ۵، ص: ۲۴۱.
۱۶. الکافی، ج ۲، ص: ۶۰۹.
۱۷. عیون اخبار الرضا علیہ السلام، ج ۲، ص: ۲۵.
۱۸. بحار الانوار، ج ۸، ص: ۴۴.
۱۹. عوالم العالم والمعارف، ج ۱۱، ص: ۴۵۰.
۲۰. منتهی الامال، ج ۱، ص: ۲۶۳.
۲۱. شاعر شفق (محمد جواد غفور زادہ).

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۵ ش.

۲. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند ابن حنبل، بیروت، دارصادر، بی تا.

۳. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون، المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)، تحقیق: خلیل شحادة، چ ۲، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۸/۱۴۰۸.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

۵. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا أبو الحسین، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۶. ابن قزغلی جوزی، یوسف بن قزغلی (ابن جوزی)، تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، تحقیق: حسین تقی زاده، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۴.

۷. ابن مغازلی شافعی، مناقب الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۲۴ ق.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

۹. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام حمیری معافری، السیة النبوة (سیة ابن هشام)، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۱۰. ابی داود، ابو داود سلیمان بن الاشعث ازدی سجستانی، سنن أبی داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. ابی فراس، ورام بن ابی فراس، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، قم، مكتبه فقيه، بی تا.
۱۲. امام حسن عسکری علیه السلام، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. بخاری؛ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله صلی الله علیه و آله وسننه وأيامه (صحيح البخاری)، چ ۳، دار ابن كثير، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۱۴. بیومی، محمد، سیده فاطمة الزهرا، چاپخانه سفیر، اصفهان، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، چ ۴، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۱۷. الترمذی، الإمام أبو عيسى محمد بن عيسى، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح عبد الوهاب عبد اللطیف، چ ۲، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۰۳ ق - ۱۹۸۳ م.
۱۸. تمیمی آمدی، عبد الحمید، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۹. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، محقق: حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۰. الخضيری الأسيوطی، عبد الرحمن بن الكمال ابی بكر بن

- محمد سابق الدین (سیوطی)، تاریخ الخلفاء للسیوطی، جدہ، دارالمنہاج، بی تا.
۲۱. خمینی قدس سره، روح الله، صحیفہ نور، تہران، موسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۸.
۲۲. راغب اصفہانی، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالشامیہ، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
۲۳. رواوندی، سید فضل الله، النوادر للراوندی، قم، دارا کتاب، بی تا.
۲۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیہ و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ، چ ۲۱، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۵. سپہر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت فاطمہ زہرا، تہران (بی تا).
۲۶. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق.
۲۷. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویہ قمی (شیخ صدوق)، امالی صدوق، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۲۸. شیخ صدوق، الخصال، قم، جامعہ مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۹. شیخ صدوق، علل الشرائع، داوری، قم، بی تا.
۳۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیہ السلام، تہران، نشر جہان، ۱۳۷۸ق.
۳۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمہ، چ ۲، تہران، اسلامیہ، ۱۳۹۵ق.

۳۲. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن حفيد، مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، حیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۳۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۳، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. طبری، محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ هـ ق.
۳۷. طبری، محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، بنیاد بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.
۳۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی طوسی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳۹. شیخ عباس قمی، بیت الاحزان، نشر دارالحکمه، قم، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. عاملی، محمد بن حسن خُر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. علامه امینی، الغدیر فی کتاب و السنه و الادب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۴۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۲۵ هـ ش.
۴۳. فیروز آبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۲ ق.

۴۴. قضاعی، قاضی، شهاب الاخبار، تهران، مزکرا انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.
۴۵. کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، قم، انتشارات دارالذخائر، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۴۶. کلینی، محمد، الکافی، چ ۲، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
۴۷. لکهنوی، میرحامد حسین، عبققات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، چ ۲، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین عليه السلام، ۱۳۶۶ ش.
۴۸. متقی هندی، علاءالدين على بن عبد الملك ابن قاضی خان قادری شاذلی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه، بی تا.
۵۰. محدث اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۵۱. محدث قمی، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل، قم، دلیل، ۱۳۷۹ ش.
۵۲. محمدی ری شهری، محمد، موسوعة الامام علی بن ابی طالب عليه السلام فی الكتاب و السنة و التاريخ، تحقیق: سید محمد کاظم طباطبائی و سید محمود طباطبائی نژاد، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ ق.
۵۳. مسلم، ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیشابوری، الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع. ۱۴۰۱ ق - ۱۹۸۱ م.

۵۴. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات
صدرا، ۱۳۷۴.
۵۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری قدس سره، تهران،
صدرا، ۱۳۸۴.
۵۶. معتزلی، ابن‌أبی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار
احیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ ق.
۵۷. معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی
العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۹. مفید، محمد بن محمد، امالی مفید، قم، کنگره شیخ مفید،
۱۴۱۳ ق.
۶۰. مقرم، عبدالرزاق، وفاة الصديقة الزهراء علیها السلام، نجف
۱۹۵۱/۱۳۷۰.
۶۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،
قم، مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶۲. نیشابوری، فتال، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم،
انتشارات رضی، بی‌تا.
۶۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم،
نشر هادی، ۱۴۰۵ ق.
۶۴. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح
الکاتب العباسی المعروف بالیعقوبی، تاریخ یعقوبی، قم،
المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۲ ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

